اولین روزنامه سهامداری ایران (خبرنگاران و کارکنان)

صمت
صنعت معدن تجارت

دوشنبه
• ۱۸ آبان ۱۴۰۵
• ۲۹ جمادی الاول ۱۴۴۸
• ۹ نوامبر ۲۰۲۶

• سال سی‌وهفتم شماره پیاپی ۴۴۹۲ • دوره جدید سال دوازدهم شماره ۳۱۷۴ • ۱۶ صفحه • قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

www.smtnews.ir - http://Telegram.me/smtnews



جناح‌بازی‌ها را کنار بگذاریم تا دشمنان ناکام بمانند

رئیس‌جمهوری با تاکید بر ضرورت و اهمیت صرفه جویی و مدیریت مصرف سوخت و انرژی گفت: با توجه به مشکلات ایجاد شده برای تولید گاز در ایران با تجاوز نظامی دشمن امریکایی – صهیونیستی، صرفه‌جویی به‌ویژه در ماه‌های سرد ضروری است. وی افزود: برای غلبه بر مشکلات باید بدون توجه به دسته‌بندی‌ها و جناح‌بازی‌های سیاسی، دشمنان را در تحقق اهداف و نقشه‌هایشان برای ایجاد تفرقه در ایران، ناکام کنیم.

۲

صادر کننده میان دو لبه قیچی تعهد ارزی و توقف سامانه تجارت

سراب تنظیم گری با فیلترهای سامانه‌ای

۹

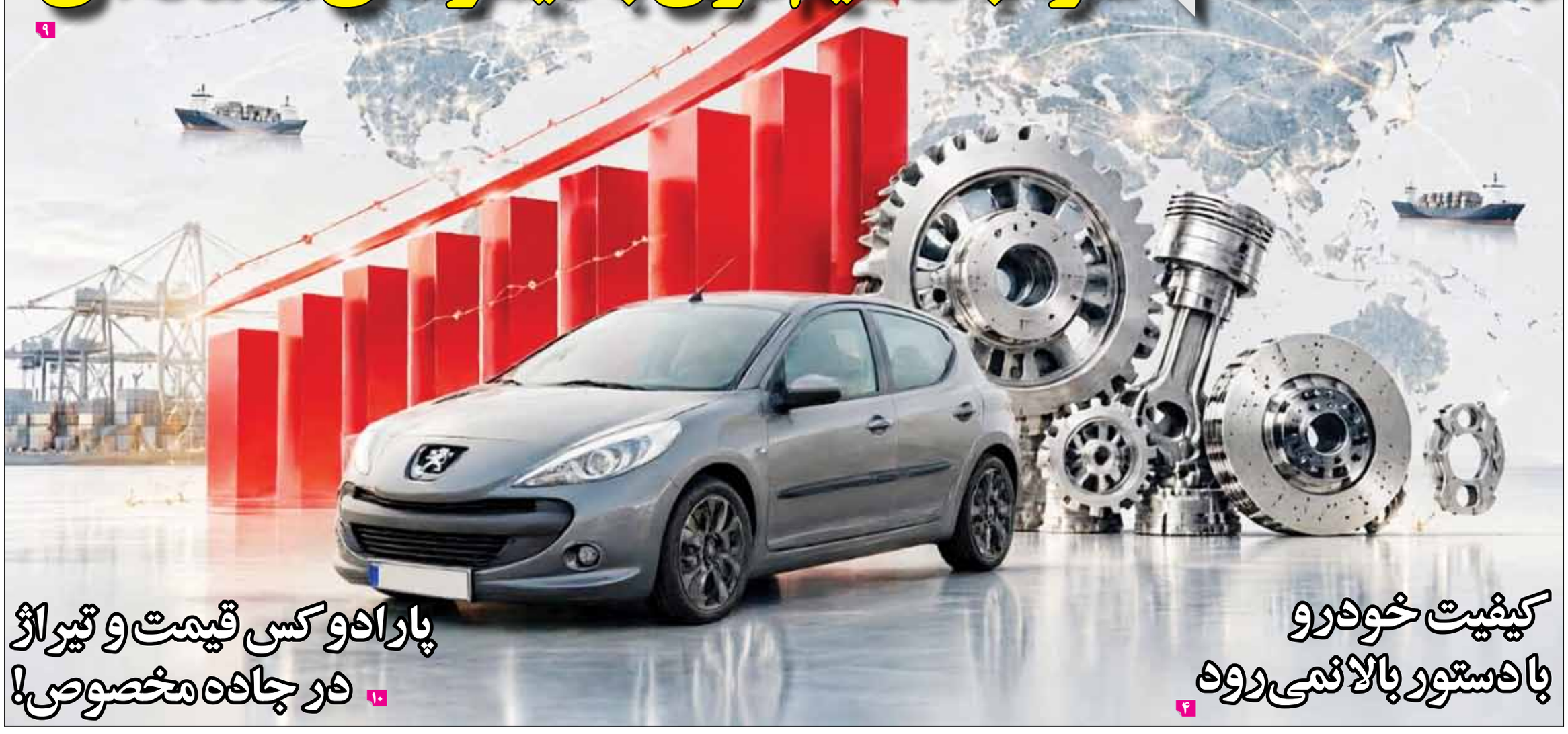

کیفیت خودرو با دستور بالا نمی‌رود

۴

پارادوکس قیمت و تیراژ در جاده مخصوص!

۱۰

آگهی شناسایی سازندگان قطعات و تجهیزات

شرکت فولاد سیرجان ایرانیان

شرکت فولاد سیرجان ایرانیان جهت **شناسایی سازندگان قطعات و تجهیزات کارخانجات کنسانتره‌سازی، گندله‌سازی، احیاء مستقیم و فولادسازی** به شرح زمینه فعالیت‌های ذیل، از شرکت‌های توانمند در این زمینه دعوت بعمل می‌آورد.

* جک‌ها و سیلندرهای هیدرولیک
* قطعات پلی اورتان
* فلزکاری (ورق کاری، جوشکاری و... قطعات فلزی)
* ریخته‌گری چدن، فولاد و فلزات رنگین
* درام‌ها و رولیک‌های نوار نقاله
* تراشکاری قطعات سنگین
* تعمیرات انواع فن، گیربکس، کمپرسور و پمپ‌های صنعتی
* و ساخت هر گونه قطعات کارخانجات فوق‌الذکر

شرکت‌های متقاضی جهت ثبت‌نام لازم است نسبت به مراجعه به سامانه معاملات الکترونیکی (SRM) تحت آدرس **srm.sirjansteel.com** و ثبت اطلاعات و بارگزاری اسناد مورد نیاز اقدام نمایند.

در صورت داشتن هر گونه سوال لطفاً با کارشناس برنامه‌ریزی خرید حوزه ساخت قطعات به شماره تلفن ۳۱۲۴۵۷۰۹-۰۳۴ تماس حاصل فرمائید.

امور بازرگانی ـ بخش برنامه‌ریزی خرید

خوزستان در آستانه ورود به صنعت خودروسازی کشور؛

گام بلند گروه صنعتی نوین‌چوب خوزستان برای توسعه صنعتی استان





تفاهم‌نامه احداث کارخانه تولید خودرو در خوزستان، با ابتکار گروه صنعتی نوین‌چوب خوزستان به امضا رسید.

در رویدادی مهم برای آینده صنعتی استان خوزستان، روز چهارشنبه ۱۳ آبان‌ماه، تفاهم‌نامه احداث کارخانه تولید خودرو در خوزستان، با حضور استاندار خوزستان، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد اروند،مدیرعامل گروه صنعتی نوین چوب خوزستان و جمعی از فعالان و مدیران استان به امضا رسید. این طرح با ابتکار و سرمایه‌گذاری گروه صنعتی نوین‌چوب خوزستان، زمینه‌ساز ورود جدی‌تر خوزستان به عرصه صنعت خودروسازی کشور خواهد بود؛ صنعتی راهبردی که می‌تواند با ایجاد زنجیره‌ای از فعالیت‌های تولیدی، فنی و خدماتی، ظرفیت‌های تازه‌ای برای اشتغال‌زایی، توسعه فناوری و رونق اقتصادی منطقه فراهم آورد.

ورود گروه صنعتی نوین‌چوب خوزستان به حوزه خودروسازی را می‌توان گامی مهم در مسیر توسعه و تنوع‌بخشی به فعالیت‌های صنعتی این مجموعه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی، زیرساختی و جغرافیایی استان خوزستان دانست.

بی‌تردید، تحقق این پروژه علاوه بر ایجاد فرصت‌های شغلی مستقیم و غیرمستقیم، می‌تواند زمینه مشارکت صنایع پایین‌دستی، توسعه ساخت داخل، انتقال دانش فنی و شکل‌گیری ظرفیت‌های جدید تولیدی در جنوب کشور را فراهم سازد.

امضای این تفاهم‌نامه، نقطه آغاز مسیری تازه در چشم‌انداز صنعتی خوزستان است؛ مسیری که با اتکا به توان بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری هدفمند و حمایت نهادهای مسئول، می‌تواند جایگاه استان را در نقشه صنعتی کشور ارتقا دهد.

گروه صنعتی نوین‌چوب خوزستان با ورود به این عرصه، گامی بلند در مسیر توسعه صنعتی برداشته است؛ گامی که می‌تواند خوزستان را به یکی از بازیگران جدید صنعت خودروسازی کشور نیز تبدیل کند.





آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده

انجمن تحقیق و توسعه و نوآوری صنایع و معادن ایران شماره ثبت ۱۵۱۳۴ شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۶۰۵۴۰

از اعضای محترم انجمن جهت حضور در **مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده** که راس **ساعت ۰۹:۰۰** صبح روز **پنجشنبه** مورخ **۱۴۰۵/۰۹/۰۵** در تهران - خیابان کارگر شمالی، بعد از جلال آل‌احمد، دانشکدگان فنی دانشگاه تهران، دانشکده مهندسی مکانیک، طبقه همکف، سالن آمفی‌تئاتر برگزار می‌شود. دعوت بعمل می‌آید.

دستور جلسه:

۱- تصویب ترازنامه و سود و زیان سال مالی ۱۴۰۴
۲- انتخاب بازرس قانونی انجمن
۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۴- سایر موارد در صلاحیت مجمع

هیئت‌مدیره انجمن



گزارش خبری

تدوین نظام حکمرانی سالمندی



معاون اول رئیس‌جمهور با تاکید بر استفاده از تجربه‌های بین‌المللی در طراحی نظام حکمرانی سالمندی گفت: می‌توانیم از تجربیات سایر کشورها بهره بگیریم، اما این نظام نمی‌تواند وارداتی باشد.

به گزارش ریاست‌جمهوری، در جلسه شورای ملی سالمندی که به ریاست محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، برگزار شد، برنامه‌ها و پیشنهادهای جدیدی با هدف عبور از رویکرد صرفاً حمایتی، ایجاد نظام حکمرانی نوین سالمندی، استفاده از ظرفیت اقتصادی و اجتماعی سالمندان و ارتقای رفاه و منزلت آنان بررسی و تصویب شد.

در این نشست، راه‌اندازی داشبورد ملی سالمندی، سند ملی اشتغال نقره‌ای سالمندان، ایجاد سامانه ملی منابع نقره‌ای و بسته جامع مشوق‌های مالیاتی، بیمه‌ای و سرمایه‌گذاری در اقتصاد نقره‌ای به تصویب رسید. همچنین پیش‌نویس اصلاح سند ملی سالمندی و قانون جامع سالمندی مورد بررسی قرار گرفت.

راه‌اندازی داشبورد ملی سالمندی

نخستین مصوبه این جلسه، راه‌اندازی «داشبورد ملی سالمندی کشور» با هدف ایجاد نظام یکپارچه پایش هوشمند و رصد وضعیت سالمندان بود.

بر اساس این مصوبه، اطلاعات مرتبط با وضعیت سالمندان از سوی دستگاه‌های مختلف تجمیع خواهد شد تا برنامه‌ریزی در این حوزه بر پایه داده‌های دقیق و به‌روز انجام گیرد.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان تأمین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشوری، مرکز آمار ایران، سازمان بهزیستی و سایر دستگاه‌های مرتبط موظف شدند اطلاعات مورد نیاز در حوزه سالمندی را در اختیار شورای ملی سالمندان قرار دهند تا زمینه راه‌اندازی این داشبورد فراهم شود.

تصویب سند ملی اشتغال نقره‌ای

در ادامه جلسه، «سند ملی اشتغال نقره‌ای سالمندان» با هدف بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی، مهارتی و اجتماعی سالمندان و فراهم‌کردن زمینه تداوم فعالیت و مشارکت آنان در جامعه به تصویب رسید.

در این سند، شناسایی و طراحی مشاغل متناسب با شرایط سالمندان، حمایت از اشتغال و کارآفرینی، تداوم فعالیت اقتصادی، استفاده از تجربه بازنشستگان و تقویت مشارکت اجتماعی و رفاه آنان هدف‌گذاری شده است.

اقتصاد نقره‌ای به فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی مرتبط با نیازها، خدمات و ظرفیت‌های جمعیت سالمند اطلاق می‌شود.

تصویب مشوق‌های مالیاتی، بیمه‌ای و سرمایه‌گذاری

«بسته جامع مشوق‌های مالیاتی، بیمه‌ای و سرمایه‌گذاری در اقتصاد نقره‌ای» از دیگر مصوبات شورای ملی سالمندی بود.

این بسته با هدف جذب سرمایه برای توسعه خدمات مرتبط با سالمندان، گسترش خدمات مراقبت در منزل، تأمین و توسعه مراکز خدماتی و مراقبتی و افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های سالمندی به تصویب رسید. همچنین موضوع ایجاد سامانه ملی منابع نقره‌ای در مجموعه تصمیمات این نشست قرار داشت.

توسعه دهکده‌های سالمندی

شورای ملی سالمندی در این نشست، ساماندهی و صدور مجوز مراکز ارائه خدمات و اعزام مراقب سالمند را نیز تصویب کرد.

بر اساس این تصمیم، ضوابط احراز صلاحیت مراکز و مراقبان، آموزش و مهارت‌های حرفه‌ای، نحوه معرفی و اعزام مراقب، حقوق و مسئولیت‌های طرفین و شیوه نظارت بر عملکرد مراکز تعیین خواهد شد.

در موضوع تسهیل صدور مجوز و توسعه زیرساخت‌های دهکده‌های سالمندی نیز مقرر شد شورای ملی سالمندی با همکاری وزارت راه و شهرسازی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، پیش‌نویس لازم را تهیه کند تا در هیئت دولت مورد بررسی و تصویب قرار گیرد.

همچنین مصوب شد نمایشگاه اقتصاد نقره‌ای تا پایان سال جاری با حضور فعالان این حوزه برگزار شود.

اصلاح سند ملی سالمندی

در بخش دیگری از جلسه، پیش‌نویس «اصلاح سند ملی سالمندی» و موضوع «قانون جامع سالمندی» با هدف به‌روزرسانی سیاست‌ها و ایجاد چارچوبی واحد برای اقدامات هماهنگ در حوزه سالمندی بررسی شد.

بر اساس تصمیم اتخاذشده، دستگاه‌های مرتبط دو هفته فرصت دارند دیدگاه‌های خود را ارائه کنند تا اصلاح سند ملی سالمندی نهایی و تصویب شود و قانون جامع سالمندی نیز بر پایه این سند تهیه شود.

هدف از این اقدام، پاسخگویی مؤثرتر به تحولات جمعیتی و نیازهای جدید سالمندان و ایجاد هماهنگی بیشتر میان دستگاه‌های مسئول عنوان شد.

انتقاد از اصلاحات ناکافی قوانین بازنشستگی

معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به حرکت تدریجی جامعه از جوانی به سالمندی طی دو دهه گذشته و مشکلات اقتصادی بازنشستگان، از جمله کارمندان، معلمان و استادان دانشگاه، گفت: از سال ۱۳۷۸ اصلاح قانون بازنشستگی و برخی اصلاحات ساختاری و حقوقی انجام شد، اما این اقدامات تنها نقش مسکن داشت و مشکلات بازنشستگان را به‌صورت اصولی حل نکرد.

عارف افزود: قوانین ما جامعیت لازم را ندارند و به همین دلیل، مشکلاتی مانند همسان‌سازی حقوق بازنشستگان ایجاد شده است.

وی با انتقاد از پیچیدگی‌های حقوقی ناشی از تسری برخی احکام به دوره‌های گذشته، این پرسش را مطرح کرد که قوانین تا چه دوره‌ای باید عطف به ماسبق شوند. معاون اول رئیس‌جمهور ادامه داد: قوانین ما به دلیل جامع‌نبودن، فرصت بازنشستگی را به یک تهدید تبدیل کرده‌اند. بازنشسته باید مشاور امین دستگاه‌ها باشد و زندگی آرامی داشته باشد، اما به دلیل کاستی‌های قانونی و وعده‌هایی که به آنان داده شده، شاهد اعتراض بازنشستگان هستیم؛ در حالی که آنان افرادی حساس، خدمتگزار و محق هستند.

طراحی نظام حکمرانی سالمندی

عارف با تأکید بر ضرورت استفاده از تجربه‌های بین‌المللی در طراحی نظام حکمرانی سالمندی گفت: می‌توانیم از تجربیات سایر کشورها بهره بگیریم، اما این نظام نمی‌تواند وارداتی باشد.

وی افزود: ممکن است یک نظام بازنشستگی در کشوری دیگر کارآمد باشد، اما در ایران پاسخگوی نیازهای جامعه نباشد.

معاون اول رئیس‌جمهور همچنین با اشاره به جایگاه احترام به سالمندان در فرهنگ ایرانی، این پرسش را مطرح کرد که الگوی خانه سالمندان، به‌عنوان مدلی غربی، تا چه اندازه با فرهنگ جامعه ایران سازگار است.

عارف در پایان تأکید کرد: نظام حکمرانی سالمندی باید عزت سالمندان را حفظ کند و به‌گونه‌ای طراحی شود که افراد در دوران بازنشستگی نگران تأمین معیشت خود نباشند.

جناح‌بازی‌ها را کنار بگذاریم تا دشمنان ناکام بمانند

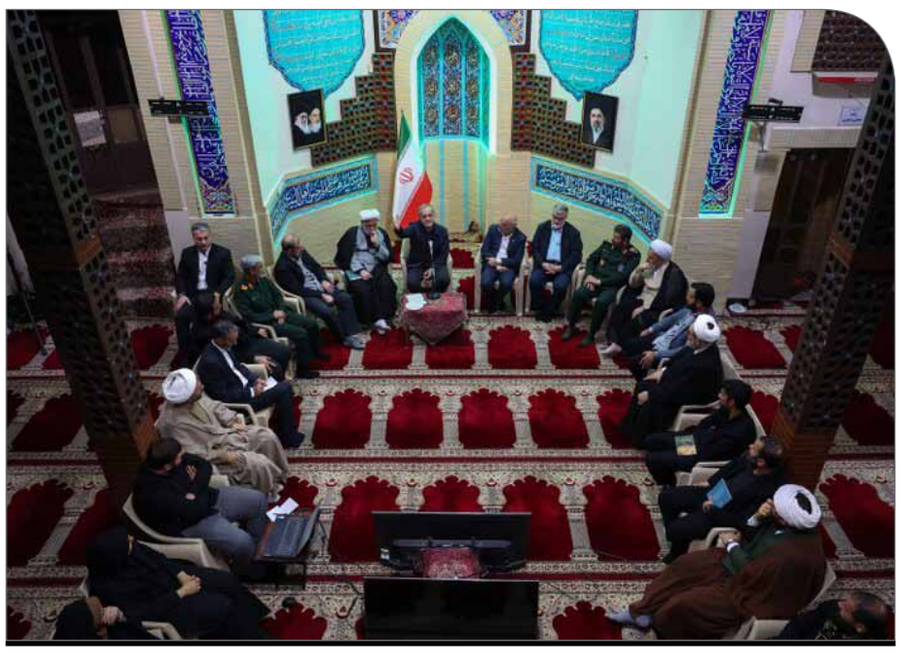

رئیس‌جمهوری با تاکید بر ضرورت و اهمیت صرفه جویی و مدیریت مصرف سوخت و انرژی گفت: با توجه به مشکلات ایجاد شده برای تولید گاز در ایران با تجاوز نظامی دشمن امریکایی – صهیونیستی، صرفه‌جویی به‌ویژه در ماه‌های سرد ضروری است. برای غلبه بر مشکلات باید بدون توجه به دسته‌بندی‌ها و جناح‌بازی‌های سیاسی، دشمنان را در تحقق اهداف و نقشه‌هایشان برای ایجاد تفرقه در ایران، ناکام کنیم.

به گزارش ایسنا، مسعود پزشکیان شامگاه ۱۶ آبان در بازدید میدانی از اجرای طرح حکمرانی محله‌محور و مسجدمحور در یکی از مساجد جنوب تهران، با اشاره به ظرفیت بالای مساجد در حکمرانی محله‌ای، اظهار کرد: وجود ۸۰ هزار مسجد در کشور یک ظرفیت بسیار ارزشمند برای کمک به حل مشکلات جامعه با مشارکت خود مردم و همراهی بسیج است.

رئیس‌جمهوری در این نشست که با حضور رئیس سازمان بسیج مستضعفین، استاندار تهران، فرمانده سپاه محمد رسول‌الله تهران بزرگ، امام جماعت مسجد، مدیرمحله و دبیران کارگروه‌های تخصصی طرح حکمرانی محله‌محور و مسجدمحور در مسجد امام زین‌العابدین(ع) محله خلیج‌فارس شمالی تهران برگزار شد، با تاکید بر اینکه نمی‌توانیم و نباید نسبت به مشکلات مردم بی‌تفاوت باشیم، افزود: اگر بتوانیم مساجد کشور را برای کمک به حل مشکلات کشور فعال کنیم، بخش زیادی از مشکلاتی که امروز در شهرها و محلات مختلف با آن مواجه هستیم، برطرف خواهد شد.

پزشکیان با بیان اینکه همه دستگاه‌ها و مراکز مرتبط فرهنگی، مذهبی و اجتماعی در ارتباط هماهنگ و منسجم باید برای شناسایی، ارائه راهکار و حل مشکلات مردم تلاش و مشارکت کنند، تصریح کرد: اقدامات خوب و مفید انجام‌شده در این مسجد می‌تواند به عنوان الگو در دیگر مساجد کشور نیز اجرایی شود.

رئیس‌جمهوری با اشاره به مشکلات ایجادشده ناشی از تحریم‌ها، محاصره اقتصادی و تهاجم نظامی دشمنان به ایران، اظهار کرد: دولت به تنهایی قادر به حل همه این مشکلات نیست اما درصورتی که مردم همراهی و کمک کنند می‌توانیم توطئه‌ها و نقشه‌های شوم دشمنان متجاوز را خنثی کنیم.

پزشکیان با تاکید بر اینکه روحیه حاکم بر جامعه در دوران جنگ تحمیلی هشت‌ساله و همراهی مردم و دولت در آن مقطع، امروز هم می‌تواند چاره حل مشکلات و بحران‌های کشور باشد، افزود: ما در دولت برای استفاده از مشارکت و همراهی مردم در طرح حکمرانی محله‌ای با محوریت مساجد، همه تلاش خود را انجام خواهیم داد.

وی با بیان اینکه باور دارم ما چیزی از کشورهای دیگر و همسایگان خود کمتر نداریم، گفت: باید خود را باور کنیم و برای موفقیت و حل مشکلات و غلبه بر بحران‌ها دست به‌دست هم داده و با وحدت و انسجام تلاش کنیم، وظیفه همه ما حل مشکلات مردم است.

پزشکیان با اشاره به اینکه باید برای بهترین و برترین بودن کار و تلاش کنیم، گفت: باید این باور را در مردم و جوانان ایجاد کنیم که می‌توانیم بهترین باشیم و با غلبه بر مشکلات و بدون توجه به دسته‌بندی‌ها و جناح‌بازی‌های سیاسی، دشمنان را در تحقق اهداف و نقشه‌هایشان برای ایجاد تفرقه در ایران، ناکام کنیم.

رئیس‌جمهوری با تاکید بر ضرورت و اهمیت صرفه جویی و مدیریت مصرف سوخت و انرژی گفت: با توجه به مشکلات ایجاد شده برای تولید گاز در کشور با تجاوز نظامی دشمن امریکایی – صهیونیستی، صرفه‌جویی و مدیریت مصرف سوخت به‌ویژه در ماه‌های سرد سال بسیار مهم و ضروری است.

پزشکیان با بیان اینکه همه ما باید تلاش کنیم با صرفه جویی انرژی، برق و گاز صنایع تولیدی قطع نشود و تولید کشور آسیب نبیند، گفت: مساجد باید در مدیریت مصرف و تشویق مردم به صرفه‌جویی الگو باشند، دشمنان امروز به دنبال ایجاد نارضایتی در بین مردم هستند و ما باید دست به‌دست یکدیگر توطئه دشمنان را نقش بر آب کنیم.

خرید خودروهای خارجی برای ادارات دولتی؛ ممنوع

بر اساس بخشنامه بودجه ۱۴۰۶، پیش‌بینی اعتبار برای خرید خودروهای خارجی، خودروهای سواری داخلی به‌جز در موارد مشخص و احداث یا خرید ساختمان‌های اداری جدید ممنوع اعلام شده است.

به گزارش ایلنا، بر اساس ضوابط اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تهیه و تدوین لایحه بودجه ۱۴۰۶ که از سوی رئیس‌جمهور به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شده است، پیش‌بینی اعتبار برای خرید خودروهای سواری داخلی، به استثنای دستگاه‌های تازه‌تأسیس یا جایگزینی خودروهای فرسوده، ممنوع شده است. همچنین خرید خودروهای سواری خارجی نیز مشمول ممنوعیت خواهد بود. بر این اساس، علاوه بر ممنوعیت‌های موضوع ماده ۲۳ قانون مدیریت خدمات کشوری، هرگونه پیش‌بینی اعتبار برای احداث یا خرید ساختمان‌های اداری جدید توسط دستگاه‌های اجرایی ممنوع اعلام شده است. این ممنوعیت شامل مواردی از جمله تغییر سطح تقسیمات کشوری، تجمیع ساختمان‌های اداری موجود، بازسازی ساختمان‌های اداری در حال تخریب بدون ایجاد بار مالی جدید، تمرکززدایی و خروج از کلان‌شهرها بدون تحمیل بار مالی جدید نخواهد بود.

مهلت سه ماهه دادستانی برای تکمیل سامانه متمرکز عرضه خودرو



دادستان تهران در جلسه تخصصی ساماندهی عرضه خودرو با حضور مسئولان وزارت صمت و دستگاه‌های نظارتی، ضمن تعیین مهلت سه‌ماهه برای تکمیل سامانه متمرکز عرضه خودرو، بر برخورد قانونی با فروش خارج از شبکه، عرضه مازاد بر مجوزهای صادره و گران‌فروشی خودرو تأکید کرد.

به گزارش ایسنا، مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد، در راستای صیانت از حقوق عامه، حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و پیشگیری از تخلفات و جرائم مرتبط با فروش و پیش‌فروش خودرو، جلسه‌ای تخصصی در دادستانی تهران با حضور علی صالحی دادستان تهران و معاونان ایشان، مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت، معاون صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات، رئیس مرکز نوآوری، هوشمندسازی و امنیت، سازمان بازرسی کل کشور و سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و پلیس امنیت اقتصادی فراجا برگزار شد.

در این جلسه مهم‌ترین چالش‌های عرضه و قیمت‌گذاری خودروهای تولید داخل، مونتاژی و وارداتی بررسی و تصمیمات اجرایی برای ساماندهی بازار خودرو اتخاذ شد. به دستور دادستان تهران یکی از مهم‌ترین مصوبات این جلسه، تعیین مهلت سه‌ماهه برای تکمیل و عملیاتی شدن سامانه متمرکز عرضه خودرو بود. براساس این مصوبه، وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف شد فرآیند ثبت عرضه خودروهای تولید داخل و مونتاژی را به‌صورت تدریجی آغاز و حداکثر تا پایان دی‌ماه ۱۴۰۵ به‌طور کامل عملیاتی کند.

همچنین مقرر شد این وزارتخانه با انجام تشریفات قانونی لازم، سامانه طراحی‌شده را به‌عنوان تنها شبکه مجاز تأیید عرضه خودرو در سطح کشور تعیین و ابلاغ کند؛ به‌گونه‌ای که اخذ تأییدیه فروش و پیش‌فروش خودروهای تولید داخل، مونتاژی و وارداتی صرفاً از طریق این سامانه انجام شود.

بر این اساس، وزارت صمت موظف شد ضوابط مربوط به الزامی شدن استفاده از سامانه، زمان آغاز اجرا و ضمانت‌اجراهای قانونی عرضه خارج از شبکه را پیش از اجرایی شدن، از طریق مراجع رسمی اطلاع‌رسانی کند تا شرکت‌های عرضه‌کننده و خریداران از فرآیند قانونی فروش خودرو آگاهی کامل داشته باشند.

برخورد قانونی با عرضه خودرو خارج از شبکه و مازاد بر مجوز

از دیگر مصوبات مهم این جلسه به دستور دادستان تهران، تشدید نظارت بر شرکت‌های تولیدکننده، مونتاژکار و واردکننده خودرو و جلوگیری از فروش و پیش‌فروش فاقد مجوز یا مازاد بر مجوزهای صادره بود.

همچنین مقرر شد پس از لازم‌الاجرا شدن الزام عرضه خودرو از طریق شبکه تعیین‌شده، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان با همکاری بخش‌های نظارتی وزارت صمت، عملکرد شرکت‌های عرضه‌کننده را به‌صورت مستمر بررسی و در صورت احراز تخلف، با استفاده از ضمانت‌اجراهای قانونی از جمله مقررات قانون تعزیرات حکومتی و قانون نظام صنفی، پرونده متخلفان را به مراجع صالح ارسال کند.

دادستان تهران تاکید کرد: شرکت‌هایی که برخلاف ضوابط، اقدام به عرضه خارج از شبکه یا فروش بیش از ظرفیت مجاز می‌کنند، محدودیت‌های قانونی مربوط به صدور و تمدید مجوزها و برخورداری از تسهیلات مرتبط پیگیری و در صورت وجود دلایل وقوع جرم، مراتب به دادستان محل وقوع جرم اعلام شود.

نظارت دائمی بر قیمت‌گذاری خودرو و برخورد با گران‌فروشی

در بخش دیگری از جلسه، موضوع قیمت‌گذاری خودروهای تولید داخل، مونتاژی و وارداتی و ضرورت رعایت نرخ عادلانه، ضوابط قانونی قیمت‌گذاری و سود مجاز مورد بررسی قرار گرفت.

دادستان تهران افزود: سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان با همکاری معاونت حقوقی و دفتر بازرسی وزارت صمت موظف شدند فرآیند قیمت‌گذاری و فروش خودرو را تحت نظارت دقیق و مستمر قرار دهند. ودر صورت وصول شکایت، دریافت گزارش یا شناسایی تخلف از طریق بازرسی‌های میدانی، چنانچه فروش خودرو به قیمتی بالاتر از نرخ‌های مصوب یا مغایر ضوابط قانونی قیمت‌گذاری و سود مجاز احراز شود، موضوع با استفاده از ظرفیت‌های قانونی به سازمان تعزیرات حکومتی ارجاع خواهد شد.

همچنین مقرر شد در مواردی که گران‌فروشی کلان واجد شرایط و ارکان قانونی جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور باشد، گزارش مستند برای رسیدگی قضایی ارسال شود.

پلیس امنیت اقتصادی مأمور شناسایی عرضه‌کنندگان فاقد مجوز شد

صالحی افزود: پلیس امنیت اقتصادی فراجا نیز مکلف است با ابلاغ موضوع به رده‌های استانی، نسبت به شناسایی اشخاص حقیقی و حقوقی فاقد مجوز که اقدام به فروش یا پیش‌فروش خودرو می‌کنند، به‌صورت مستمر اقدام کند.

بر این اساس، گزارش تخلفات به ادارات کل صنعت، معدن و تجارت و مراجع تعزیراتی صالح ارسال و در صورت شناسایی رفتار مجرمانه، موضوع همراه با مستندات به دادستان محل وقوع جرم اعلام خواهد شد.

وی افزود: صلاحیت حرفه‌ای و اعتبار شرکت‌های دارای مجوز واردات خودرو دوباره بررسی و در صورت احراز فقدان شرایط قانونی، فرآیند تعلیق یا لغو مجوز آنها از طریق مراجع صلاحیت‌دار پیگیری شود.

دادستان تهران در خصوص شرکت‌های دارای تخلفات احرازشده یا تعهدات معوق نیز تأکید کرد درخواست‌های جدید ثبت سفارش، مجوز فروش و پیش‌فروش و تسهیلات مرتبط، با لحاظ سوابق عملکرد و وضعیت تعهدات بررسی و محدودیت‌های قانونی لازم در موارد مجاز اعمال شود.

پیگیری دادستانی تهران برای جلوگیری از خالی‌فروشی خودرو

صالحی تصریح کرد: ساماندهی عرضه خودرو از خردادماه ۱۴۰۵ و در پی شناسایی مشکلاتی از جمله خالی‌فروشی، ایجاد تعهدات مازاد بر ظرفیت، فروش فاقد مجوز و چالش‌های قیمت‌گذاری، به‌صورت ویژه در دستور کار دادستانی تهران قرار گرفته است.

در ادامه این اقدامات، طی مردادماه امسال مکاتبه‌ای با وزیر صنعت، معدن و تجارت انجام و بر ضرورت استقرار نظام نظارت هوشمند و برخط بر فرآیند ثبت‌نام، فروش و پیش‌فروش خودرو و جلوگیری از ایجاد تعهدات خارج از ظرفیت قانونی تأکید شد.

متعاقب این پیگیری‌ها، وزارت صمت اقدامات لازم برای راه‌اندازی اولیه سامانه رصد، عرضه و فروش خودرو را انجام داد و فرآیند ثبت و تأیید مجوزهای عرضه خودرو با اولویت خودروهای وارداتی آغاز شد.

در جلسه اخیر دادستانی تهران نیز ضمن بررسی اقدامات صورت‌گرفته، ۹ مصوبه اجرایی برای تکمیل سامانه، ساماندهی عرضه خودرو در شبکه مجاز، نظارت بر قیمت‌گذاری، مقابله با گران‌فروشی و برخورد با عرضه‌کنندگان فاقد مجوز اتخاذ و مسئولیت دستگاه‌های اجرایی و نظارتی تعیین شد.

بر این اساس، مقرر شد پس از عملیاتی شدن سامانه و لازم‌الاجرا شدن ضوابط مربوط، مراتب به شرکت‌های عرضه‌کننده خودرو در استان تهران ابلاغ و از طریق دادستانی کل کشور نیز پیگیری لازم برای اطلاع‌رسانی و نظارت بر اجرای مقررات در سایر استان‌ها انجام شود.

صالحی افزود: هدف از اجرای این تصمیمات، جلوگیری از تضییع حقوق مصرف‌کنندگان، ایجاد شفافیت در بازار خودرو، پیشگیری از خالی‌فروشی و تشکیل پرونده‌های کثیرالشاکی و برخورد مؤثر با عرضه‌کنندگان متخلف است.

لازم به ذکر است با پیگیری دادستانی تهران تاکنون ۸۳ درخواست صدور مجوز در سامانه ارائه و مجوز فروش ۲۵۷۷ دستگاه خودرو صادر شده است.

هشدار قطع گاز واحدهای متخلف

مدیرعامل شرکت گاز استان تهران، از آغاز فعالیت گشت‌های ویژه مدیریت مصرف گاز در ادارات دولتی و اماکن عمومی استان خبر داد و بر ضرورت مشارکت مردم در مدیریت مصرف گاز با توجه به شرایط تأمین انرژی کشور تأکید کرد.

به گزارش ایرنا از شرکت گاز استان تهران، علیرضا اعوانی با اشاره به شرایط تامین گاز کشور و ضرورت مدیریت ناترازی موجود اظهارکرد: امسال بیش از سال‌های گذشته به همراهی و مشارکت مردم در مدیریت مصرف گاز نیاز داریم.

وی افزود: در شرایطی که کشور با محدودیت در تامین و مصرف گاز مواجه است، هر میزان صرفه‌جویی می‌تواند به پایداری شبکه گاز و تامین گرمایش هموطنان در مناطق سردسیر کشور کمک کند. ازاین‌رو، انتظار داریم شهروندان، ادارات و دستگاه‌های اجرایی با رعایت الگوی مصرف و پرهیز از مصارف غیرضروری، در این مسئولیت ملی مشارکت فعال داشته باشند.

اعوانی با اعلام آغاز به کار گشت‌های ویژه مدیریت مصرف گاز از امروز، یکشنبه ۱۷ آبان‌ماه، در سطح استان اظهار کرد: با توجه به فرارسیدن فصل سرد سال و ضرورت مدیریت مصرف انرژی، نظارت بر نحوه استفاده گاز در دستگاه‌های اجرایی، ادارات دولتی و اماکن عمومی با جدیت در دستور کار قرار گرفته است و تمامی این مجموعه‌ها موظف به رعایت الگوهای مصوب هیأت وزیران هستند.

وی افزود: این طرح با مشارکت گروه‌های تخصصی پایش و بازرسی اجرا می‌شود و گروه‌های مذکور به‌صورت مستمر، وضعیت دمای محیط و نحوه استفاده از سامانه‌های گرمایشی را در ادارات و اماکن عمومی بررسی می‌کنند. همچنین نظارت‌ها به ساعات اداری محدود نبوده و عملکرد موتورخانه‌ها و تجهیزات گرمایشی در ساعات غیراداری و روزهای تعطیل نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

اعوانی با تاکید بر ضرورت رعایت دستورالعمل‌های ابلاغی در دستگاه‌های اجرایی تصریح کرد: تنظیم دمای محیط ادارات و اماکن عمومی حداکثر روی ۱۸ درجه سانتی‌گراد، روشن کردن سامانه‌های گرمایشی یک ساعت پیش از آغاز فعالیت اداری، خاموش کردن آنها یک ساعت پیش از پایان ساعت کاری و خاموشی کامل تجهیزات گرمایشی در روزهای تعطیل، از مهم‌ترین الزامات این طرح است. همچنین رعایت دمای رفاه حداکثر ۲۰ درجه سانتی‌گراد در منازل مسکونی، نقش مهمی در مدیریت مصرف گاز دارد.

مدیرعامل شرکت گاز استان تهران ادامه داد: در صورت مشاهده مغایرت با الگوی تعیین‌شده، اخطار کتبی برای واحدهای متخلف صادر می‌شود و چنانچه تخلف تکرار شود، جریان گاز آن مجموعه بدون اغماض قطع خواهد شد.

وی با اشاره به ممنوعیت استفاده از تجهیزات گرماتابشی در فضاهای باز گفت: استفاده از این تجهیزات علاوه بر افزایش هدررفت انرژی، می‌تواند مخاطراتی نیز به همراه داشته باشد؛ ازاین‌رو، بر اساس مصوبات هیأت وزیران با واحدهایی که از تجهیزات مذکور در فضاهای باز استفاده کنند، برخورد قاطع صورت می‌گیرد و در صورت مشاهده تخلف، جریان گاز مشترک قطع خواهد شد.

وی با تاکید بر اینکه مدیریت مصرف گاز تنها به ادارات و دستگاه‌های اجرایی محدود نمی‌شود، خاطرنشان کرد: هدف از اجرای این طرح، نهادینه‌سازی فرهنگ مصرف بهینه انرژی، جلوگیری از هدررفت منابع ملی و کمک به تأمین پایدار گاز برای همه هموطنان است. شهروندان می‌توانند موارد مربوط به هدررفت گاز و حوادث احتمالی را از طریق شماره ۱۹۴ مرکز امداد و حوادث شرکت گاز اطلاع‌رسانی کنند.

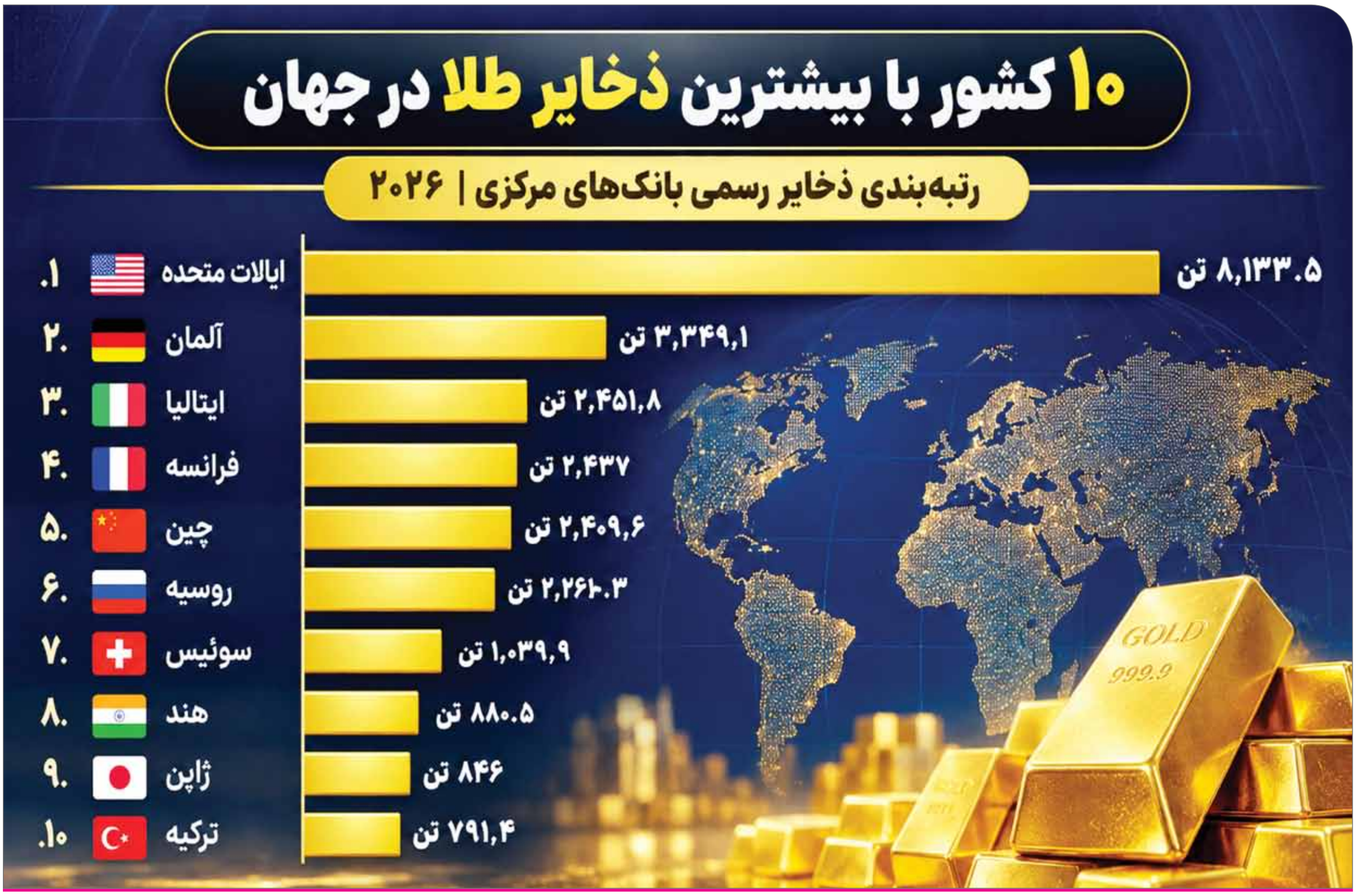

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای فیروز غفوری بنمایندگی از بانک رفاه کارگران اصالتا برابر نامه ۶۰/۱۴۰۵/۶۳۴۸۲۳ - ۱۴۰۵/۵/۲۶ اداره املاک بانک رفاه کارگران با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضا، شده ذیل شماره ۴۲۰ و شناسه یکتا ۱۴۰۵۰۲۱۴۱۲۲۶۰۰۰۲۰۳ و رمز تصدیق ۴۱۱۶۷۷ دفترخانه ۱۷۵۱ تهران طی درخواست وارده ۱۴۸۳۷ مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۵ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد سند مالکیت ۶ دانگ یکبابخانه احداثی در یک قطعه زمین به مساحت ۵۰ متر مربع قطعه ۲۱ تفکیکی شماره ۸۶۹۴ فرعی از ۴۷۳۰ اصلی مفروز و مجزی از ۷۱ فرعی از اصلی مذکور بخش ۶ تهران ذیل ثبت ۳۵۱۹۷ صفحه ۳۷۷ دفتر ۲۷۶ بنام محرمعلی اسدی بشماره چاپی ۷۱۶۵۲۸ صادر و تسلیم شده ومع الواسطه در نهایت ۶ دانگ برابر سند قطعی ۲۸۳۴۶-۵۳/۶/۲۳ دفتر ۲۰۰ تهران ۶ دانگ به بانک رفاه کارگران منتقل شده است پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. ۴

فاطمه دهقان زاده -سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران ۱۵۳۸۰ / م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای فیروز غفوری بنمایندگی از بانک رفاه کارگران اصالتا برابر نامه ۶۰/۱۴۰۵/۷۳۰۴۸۴ - ۱۴۰۵/۶/۱۵ اداره املاک بانک رفاه کارگران با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۲۷۸ و شناسه یکتا ۱۴۰۵۰۲۱۴۱۲۲۶۰۰۰۰۶۵ و رمز تصدیق ۳۷۰۷۲۴ دفترخانه ۱۷۵۱ تهران طی درخواست وارده ۰۰۵۶۶۴ مورخ ۱۴۰۵/۳/۱۱ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:

سند مالکیت ۶ دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۱۳/۷۰ متر مربع شماره ۶ فرعی از ۴۶۵۶ اصلی بخش ۶ تهران ذیل ثبت ۱۱۷۵۸ صفحه ۴۰۱ الی ۴۰۹ دفتر ۱۱۲ بنامهای فیض اله یعقوبی ۱/۵ دانگ و یوسپی یعقوبی ۳ دانگ و فرض اله یعقوبی ۱/۵ دانگ بشماره چاپی ۲۲۳۸۷۱ الی ۲۲۳۸۷۳ صادر و تسلیم شده سپس برابر سند قطعی ۳۵۲۵۷-۳۴۲۳۷ دفتر ۱۵۰ تهران ذیل ثبت ص ۴۰۱ و ص ۴۰۵ دفتر ۴۰۹ تمامی ۶ دانگ به فرض اله یعقوبی و در نهایت مع الواسطه برابر سند قطعی ۲۸۶۴۸-۵۳/۷/۸ دفتر ۲۰۰ تهران ۶ دانگ به بانک رفاه کارگران منتقل شده است

پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. ۵

فاطمه دهقان زاده -سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران ۱۵۳۸۱ / م الف

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص خدمات تجهیزات الکترونیک زبده به شناسه ملی ۱۴۰۰۹۸۸۳۷۱۸ و به شماره ثبت ۵۷۴۷۱۶ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۵،۰۷،۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد آقای اکبر قهری به شماره ملی ۰۰۷۱۶۷۷۳۴۸ به نمایندگی از شرکت خدماتی و کمک رسانی پیشگام الوند اتحاد به شناسه ملی ۱۴۰۰۶۳۲۲۳۸۴ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷،۰۷،۰۷ آقای محمدرضا آقاجانی به شماره ملی ۰۰۷۳۸۰۱۹۶۸ به سمت مدیرعامل(خارج از اعضای هیئت مدیره) تا تاریخ ۱۴۰۷،۰۷،۰۷ آقای نیما فخیم هاشمی به شماره ملی ۰۰۷۴۶۳۳۵۶۲ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷،۰۷،۰۷ خانم فاطمه دادبه به شماره ملی ۰۰۸۱۱۲۴۵۲۱ به نمایندگی از شرکت توسعه مدیریت رابین پایدار به شناسه ملی ۱۴۰۱۲۸۵۷۶۸۱ به سمت رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷،۰۷،۰۷ انتخاب گردیدند کلیه اوراق و اسناد تعهد آور ، چک ها و سایر اوراق تجاری شرکت با امضاء مدیرعامل شرکت و یکی از اعضای هیأت مدیره که ممهور به مهر شرکت شده باشد معتبر خواهد بود. در صورت غیاب مدیرعامل با امضای دو نفر از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است. اوراق و اسناد داخلی و مکاتبات اداری نیز با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود. هیئت مدیره برخی از اختیارات مندرج در بند های ماده ۴۱ اساسنامه شرکت به شرح ذیل به مدیر عامل تفویض نمودند. نمایندگی شرکت در برابر صاحبان سهام ، اشخاص ثالث و کلیه ادارات دولتی و غیر دولتی ، موسسات عمومی ، مراجع قضایی و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی ، اقامه هر گونه دعوای حقوقی و کیفری و دفاع از هر دعوای حقوقی و کیفری اقامه شده ، در هر یک از دادگاه ها ، داد سراها ، مراجع قضایی یا غیر قضایی اختصاصی یا عمومی و دیوان عدالت اداری، از طرف شرکت ، دفاع از شرکت در مقابل هر دعوای اقامه شده علیه شرکت چه کیفری و چه حقوقی در هر یک از مراجع قضایی یا غیر قضایی اختصاصی یا عمومی و دیوان عدالت اداری ، با حق حضور و مراجعه به مقامات انتظامی و استیفای کلیه اختیارات مورد نیاز در دادرسی از آغاز تا اتمام، از جمله حضور در جلسات اعتراض به رای ، درخواست تجدید نظر ، فرجام ، واخواهی و اعاده دادرسی ، مصالحه و سازش، استرداد اسناد یا دادخواست یا دعوا ، ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند، تعیین جاعل حق امضای قرارداد های حاوی شرط داوری یا توافقنامه داوری و ارجاع دعوا به داوری و تعیین و گزینش داور (با حق صلح یا بدون آن) ، اجرای حکم نهایی و قطعی داور ، درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم به و وجود ابداعی و تعقیب آنها ، تعیین مصدق و کارشناس ، انتخاب و عزل وکیل و نماینده با حق توکیل مکرر، اقرار در ماهیت دعوا ، جلب ثالث و دفاع از دعوای ثالث ، دعوای متقابل و دفاع در مقابل آنها ورود شخص ثالث و دفاع از دعوای ورود ثالث ، قبول یا رد سوگند ، تامین خواسته ، تامین ضرر یا زیان ناشی از جرائم و امور مشابه دگر. پیشنهاد تهیه آئین نامه ها ، دستور العمل ها ، روش های اجرایی و سایر مستندات مربوط به منظور نیل به اهداف و اجرا موضوع و عملیات شرکت جهت تصویب به هیات مدیره ، پیشنهاد تصویب ساختار سازمانی و تشکیلات تفضیلی در راستای دستیابی به اهداف شرکت به هیات مدیره ، پیشنهاد ایجاد و حذف نمایندگی ها یا شعبه ها در هر نقطه از ایران یا خارج از ایران به هیات مدیره ، نصب و عزل کلیه ماموران و کارکنان شرکت و تعیین شغل ، جزییات شرح وظایف ، حقوق ، دستمزد ، مزایا ، پاداش ، روشهای ترفیع و تنبیه ، معافیت و خروج آنها از شرکت ، پیشنهاد افتتاح هر نوع حساب و استفاده از آن به نام شرکت نزد بانکها و موسسات و نهادهای مالی و اعتباری معتبر در داخل و خارج از کشور به هیات مدیره، پیشنهاد تحصیل اعتبار از بانکها و شرکت ها و موسسات و نهادهای مالی و اعتباری و هر نوع استقراض واحد وجه به هر مبلغ و به هر مدت و به هر میزان بهره و کارمزد و یا هر گونه شرایطی که مقتضی باشد به هیات مدیره، پیشنهاد به امانت گذاردن هر نوع اسناد وو مدارک و وجوه در صندوقها، شرکتها و موسسات دولتی و خصوصی و استرداد آنها به هیات مدیره، پیشنهاد هر گونه مشارکت و سرمایه گذاری در سایر شرکتها در داخل یا خارج از کشور در چارچوب موجود شرکت و در راستای خط مشی و سیاست های کلی و مصوب مجامع. تهیه برنامه و بودجه سالانه شرکت و تسلیم آن به هیات مدیره جهت اخذ تصمیم. تعیین میزان استهلاک ها . تهیه و تنظیم صورت دارایی ها و بدهی های شرکت پس از انقضای سال مالی و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت طبق ماده۲۳۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت . دعوت مجامع عمومی عادی و فوق العاده و تعیین دستور جلسه آنها طبق هیات مدیره . اختیار عقد قراردادها با مشاورین و کارشناسان ارزیاب و قراردادهای مدیریت پیمان خرید. پیشنهاد اصلاح اساسنامه در مواقعی که مفید تشخیص داده شود و هیات مدیره. ۷

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۳۲۰۷۱۱)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص خدمات تجهیزات الکترونیک زبده به شناسه ملی ۱۴۰۰۹۸۸۳۷۱۸ و به شماره ثبت ۵۷۴۷۱۶ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۵،۰۷،۰۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد سرمایه شرکت از مبلغ ۱۲۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به مبلغ ۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال منقسم به ۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ سهم ۱،۰۰۰ ریالی با نام عادی که تماما از محل سود انباشته افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل و امضا گردیده است. ۱

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۳۲۰۷۱۲)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص خدمات تجهیزات الکترونیک زبده به شناسه ملی ۱۴۰۰۹۸۸۳۷۱۸ و به شماره ثبت ۵۷۴۷۱۶ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۵،۰۷،۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد آقای نیما فخیم هاشمی به شماره ملی ۰۰۷۴۶۳۳۵۶۲ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷،۰۷،۰۷ شرکت خدماتی و کمک رسانی پیشگام الوند اتحاد به شناسه ملی ۱۴۰۰۶۳۲۲۳۸۴ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷،۰۷،۰۷ شرکت توسعه مدیریت رابین پایدار به شناسه ملی ۱۴۰۱۲۸۵۷۶۸۱ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷،۰۷،۰۷ انتخاب گردیدند ۱

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۳۲۰۷۱۳)

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
نوبت اول
۴ الف/ ۲۳۸
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۲۷۰۷۰۰۱۶۸۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زهک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ناصر خمر به شماره ملی ۵۳۳۸۹۴۰۴۷۷ در یک منزل به مساحت ۲۸۷/۷۷ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۶۳۷ فرعی از ۹- اصلی واقع در بخش ۴ زهک شهر جزینک بلوار امام رضا میلان یک خریداری از ورثه مالک رسمی آقای موسی خمر محرز گردیده است.

۲- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۲۷۰۷۰۰۱۶۸۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زهک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ناصر خمر به شماره ملی ۵۳۳۸۹۴۰۴۷۷ در یک منزل به مساحت ۳۲۵/۰۹ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۶۳۷ فرعی از ۹- اصلی واقع در بخش ۴ زهک شهر جزینک بلوار امام رضا میلان یک خریداری از ورثه مالک رسمی آقای موسی خمر محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشد می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۰۳
رییس ثبت اسناد و املاک زهک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
نوبت اول
شماره ۲۳۲۰۸۷
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۱۰۰۹۰۰۴۱۸۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج- ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد توکل فرزند محسن به شماره شناسنامه ۳۶۱۳ و شماره ملی ۰۳۲۲۳۷۶۱۹۱ به صورت ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۰۲,۲۳ متر مربع شامل قسمتی از ششدانگ پلاک ۲۴۴۰ فرعی از ۲۲ - اصلی واقع در کلاک خریداری از مالک رسمی آقای احمدعلی خدابخشی به صورت قولنامه‌ای که مالکیت نامبرده ذیل صفحه ۸۵ دفتر ۱۲ کلاک محرز می‌باشد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۰۳
مهران رشیدی، رئیس ثبت اسناد و املاک

گفت‌وگو

پژوهشگر صنعت در گفت‌و گو با صمت عنوان کرد

کیفیت خودرو با دستور بالا نمی‌رود

تولید خودروی معیوب برای تکمیل آمار ممنوع!





شهناز صفایی: کیفیت خودرو را نمی‌توان جدا از وضعیت اقتصاد، سرمایه‌گذاری و سیاستگذاری صنعتی بررسی کرد. در شرایطی که تورم، تحریم، کمبود نقدینگی و بلاتکلیفی، تولید را تحت فشار قرار داده‌اند، پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان حقوق مصرف‌کننده را حفظ کرد و همزمان، امکان ارتقای کیفیت را فراهم آورد. در این گفت‌وگوی صمت، امیرحسن کاکایی، عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت بر تغییر اولویت سیاستگذاران از افزایش تیراژ به تولید باکیفیت تأکید می‌کند و توضیح می‌دهد که چرا عبور از بحران کیفیت، به تصمیم‌های سخت اقتصادی و اصلاح رابطه دولت، خودروساز و زنجیره تأمین نیاز دارد.

◉ وقتی خودروساز با افزایش هزینه‌ها، کمبود نقدینگی و مشکلات تأمین قطعه روبه‌روست، چگونه می‌تواند هزینه تولید را کاهش دهد و کیفیت را حفظ کند؟ مرز کاهش هزینه و افت کیفیت کجاست؟

پاسخ کوتاه من این است: تعهد واقعی به کیفیت و آمادگی برای پذیرفتن کاهش تیراژ، هرجا حفظ کیفیت بدون آن ممکن نباشد. این تعهد هم باید در مدیریت بنگاه وجود داشته باشد و هم در سیاستگذاری کشور. اگر از یک طرف بگوییم کیفیت مهم است و از طسوی دیگر، مدیر را فقط بابت تعداد تولید بازخواست کنیم، نتیجه روشن است. در لحظه انتخاب، کیفیت قربانی عدد تولید خواهد شد. البته کاهش تیراژ هدف نیست؛ مسئله، نپذیرفتن تولید و تحویل محصول نامنطبق برای تکمیل آمار است. کاهش هزینه از مسیر کاهش ضایعات، دوباره‌کاری، توقف‌های غیرضروری، مصرف نامناسب مواد و ضعف برنامه‌ریزی، کار درستی است. اما حذف آزمون ضروری، استفاده از ماده نامناسب، تغییر تأمین کننده بدون ارزیابی فنی یا تحویل محصول دارای عیب، کاهش هزینه محسوب نمی‌شود. در این حالت فقط هزینه را از کارخانه به مشتری و از امروز به آینده منتقل کرده‌ایم. حتی ممکن است صورت مالی کوتاه‌مدت بهتر دیده شود، اما هزینه واقعی تولید و مصرف افزایش یابد. باید میان ارزان‌تر خریدن و اقتصادی‌تر تولید کردن تفاوت گذاشت. قطعه‌ای که قیمت خرید پایین‌تری دارد، اگر زودتر خراب شود، هزینه تعمیر و توقف بیشتری ایجاد کند یا به مجموعه‌های دیگر آسیب بزند، انتخاب اقتصادی نیست. از سوی دیگر، هر قطعه گران‌تری هم الزاما بهتر نیست. معیار، انطباق با مشخصات فنی و عملکرد قابل اطمینان در طول عمر مورد انتظار است. همین منطق درباره طراحی، مونتاژ و خدمات نیز صدق می‌کند. در شرایط بحرانی ممکن است بعضی انتخاب‌ها محدود شوند. آنجا باید تصمیم صریح گرفت: برنامه تولید را اصلاح کنیم، تحویل را با اطلاع‌رسانی درست تنظیم کنیم و برای رفع کمبود اقدام کنیم. نمی‌شود محدودیت را پنهان کرد و مشتری را محل آزمون محصول قرار داد. اگر قطعه حساس یا فرایند ضروری شرایط لازم را ندارد، باید تولید یا تحویل همان محصول متوقف شود. هزینه این تصمیم هم باید دیده شود؛ به‌ویژه وقتی منشأ مشکل خارج از اختیار کارخانه است. سیاستگذاری مسئولانه یعنی پذیرفتن همین هزینه‌ها، نه مطالبه همزمان تیراژ بیشتر، قیمت پایین‌تر و کیفیت بالاتر بدون فراهم کردن مقدمات آنها.

◉ پس چرا با وجود سال‌ها تجربه، کیفیت، دوام و ایمنی خودروهای داخلی هنوز با انتظار مردم فاصله دارد؟ ریشه اصلی را کجا می‌بینید؟

به نظر من ریشه اصلی، اولویت دادن تیراژ بر کیفیت در سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌های مسئولان است. فناوری قدیمی، ضعف مدیریت و مشکلات قطعه‌سازی هم مؤثرند، اما باید پرسید چرا این مشکلات در طول زمان اصلاح نشده‌اند. وقتی موفقیت صنعت عمدتا با تعداد خودرو تولیدشده سنجیده می‌شود، سرمایه و توجه مدیریتی هم به سمت حفظ همان عدد می‌رود. نوسازی محصول، دوام، خدمات و رضایت مشتری در مرتبه بعد قرار می‌گیرند. این انتخاب، آثار انباشته دارد. عامل بسیار مهم دیگر، وضع تورمی کشور است. بارها توضیح داده‌ام که تورم چگونه سرمایه‌گذاری صنعتی را تضعیف می‌کند. بنگاه باید برای خرید همان مقدار مواد و قطعه، پول بیشتری تأمین کند. اگر وصول درآمد عقب بماند و تأمین مالی هم گران باشد، منابعی که باید صرف نوسازی ماشین‌آلات، قالب‌ها، آزمایشگاه و توسعه محصول شود، به سرمایه در گردش تبدیل می‌شود. رشد مبلغ فروش در چنین شرایطی لزوما نشانه رشد واقعی یا افزایش توان سرمایه‌گذاری نیست.

از سوی دیگر، وقتی حفظ ارزش دارایی از راه‌های غیرمولد، آسان‌تر از سرمایه‌گذاری صنعتی به نظر برسد، انگیزه توسعه تولید آسیب می‌بیند. سرمایه‌گذاری در کیفیت، تعهدی چندساله است؛ نمی‌توان آن را هر روز متناسب با خبر تازه جابه‌جا کرد. کارخانه‌ای که سرمایه لازم برای جایگزینی تجهیزات فرسوده را تأمین نمی‌کند، ممکن است مدتی تولید را ادامه دهد، اما توان آینده خود را مصرف می‌کند. این فرسایش همیشه در آمار تولید امروز دیده نمی‌شود و هنگامی آشکار می‌شود که بازسازی آن دشوارتر و پرهزینه‌تر شده است.

تحریم نیز فقط مشکل وارد کردن چند قطعه نیست. دسترسی به فناوری، همکاری مهندسی، تجهیزات آزمون، نرم‌افزار، خدمات تخصصی و تأمین کننده معتبر را دشوار می‌کند. هزینه و زمان همکاری بالا می‌رود و بعضی مسیرها ناپایدار می‌شوند. در سال‌های گذشته، بخش بزرگی از راه‌های دور زدن محدودیت‌ها و حفظ تولید آزموده شده است. نمی‌توان همیشه انتظار داشت یک ابتکار تازه، آثار محدودیت‌های انباشته را خنثی کند.

قطع برق و گاز فقط تیراژ را کاهش نمی‌دهد؛ توقف‌های ناخواسته، راه‌اندازی مجدد و اختلال فرایند، کنترل کیفیت را دشوارتر می‌کنند. بلاتکلیفی هم این وضعیت را تشدید می‌کند. سرمایه‌گذار و مدیر نمی‌دانند قواعد ارز، قیمت، تجارت و تأمین انرژی در افق پیش رو چگونه خواهد بود. در نتیجه تصمیم بلندمدت عقب می‌افتد و اداره روزمره جای توسعه را می‌گیرد. این مسئله مختص خودرو نیست؛ بسیاری از صنایع کشور گرفتار همین سازوکارند. بنابراین، نقد کیفیت خودرو باید تا سطح سیاستگذاری اقتصادی ادامه پیدا کند. اگر آنجا تصمیم‌های سخت گرفته نشود، با تغییر چند مدیر یا صدور چند دستور، تحول پایدار ایجاد نمی‌شود. در عین حال، این توضیح مسئولیت مدیران و تولیدکنندگان در استفاده درست از امکانات موجود را حذف نمی‌کند.

◉ در چنین وضعی، کیفیت هزینه اضافی است یا سرمایه‌گذاری؟ آیا می‌توان با بهبود کیفیت، فشار اقتصادی بر تولیدکننده و مصرف‌کننده را کاهش داد؟

ابتدا باید هزینه کیفیت را از هزینه بی‌کیفیتی جدا کنیم. آموزش، پیشگیری از خطا، آزمون و اصلاح فرایند منابع می‌خواهند، اما خرابی، ضایعات، دوباره‌کاری و تعمیرات هم هزینه دارند. مشکل اینجاست که هزینه اول، هنگام تصمیم‌گیری دیده می‌شود و هزینه دوم در حساب‌ها و زمان‌های مختلف پراکنده است. مدیر ممکن است خرید تجهیزات کنترلی را عقب بیندازد، اما بعدا بابت همان ضعف، هزینه بیشتری برای اصلاح محصول بپردازد.

بخش دیگری از هزینه اصلاً در حساب خودروساز ثبت نمی‌شود. مشتری برای مراجعه به تعمیرگاه وقت می‌گذارد، از کارش می‌ماند و هزینه رفت‌وآمد یا حمل خودرو می‌دهد. اگر خودرو ابزار کار او باشد، درآمدش نیز کاهش می‌یابد. حتی تعمیر رایگان در دوره گارانتی همه این خسارت‌ها را جبران نمی‌کند. بنابراین کیفیت را باید از منظر هزینه مالکیت و استفاده از خودرو هم سنجید. مصرف‌کننده فقط خریدار یک کالا در روز تحویل نیست؛ سال‌ها با نتیجه تصمیم‌های تولیدکننده زندگی می‌کند.

با این حال، نباید حرف ساده‌انگارانه بزنیم و بگوییم هر ارتقای کیفیتی فورا هزینه را پایین می‌آورد. توسعه یک محصول جدید، تغییر تجهیزات یا افزایش دوام بعضی مجموعه‌ها ممکن است سرمایه‌گذاری قابل توجه بخواهد و بازگشت آن زمان ببرد. اینجاست که ثبات اقتصادی و امکان تأمین مالی اهمیت پیدا می‌کند. بنگاهی که هر روز برای پرداخت هزینه‌های جاری درگیر است، نمی‌تواند همه طرح‌های بلندمدت را اجرا کند، حتی اگر از نظر فنی و اقتصادی موجه باشند.

از سوی دیگر، کیفیت را نباید با تعداد آپشن‌ها اشتباه گرفت. اضافه کردن نمایشگر و امکانات رفاهی، جای دوام موتور، عملکرد درست ترمز، مونتاژ مناسب و خدمات قابل اعتماد را نمی‌گیرد. ممکن است یک خودروی ساده‌تر، با طراحی و ساخت درست، برای مشتری ارزش بیشتری داشته باشد. اولویت سرمایه‌گذاری باید با رفع عیب‌های پرتکرار و پرخطر و تثبیت کیفیت پایه باشد. اگر این مبنا فراموش شود، محصول ظاهرا جدید می‌شود، اما مسئله اصلی مصرف‌کننده باقی می‌ماند.

◉ کیفیت نهایی تا چه اندازه به قطعه‌سازان وابسته است و رابطه مالی و فنی خودروساز با آنها چگونه باید تغییر کند؟

کیفیت خودرو حاصل عملکرد یک زنجیره است. نمی‌شود مسئولیت را فقط به آخرین ایستگاه مونتاژ یا فقط به قطعه‌ساز منتقل کرد. طراحی و مشخصات فنی، مواد اولیه، فرایند ساخت، حمل، نگهداری، مونتاژ و خدمات، همگی بر نتیجه اثر دارند. خودروساز در برابر محصول نهایی مسئول است و باید این زنجیره را مدیریت کند. خرید قطعه هم فقط یک معامله تجاری نیست؛ بخشی از مسئولیت مهندسی و تضمین کیفیت محصول است.

اما باید وضعیت قطعه‌ساز را هم فهمید. وقتی مطالبات او دیر پرداخت می‌شود و قیمت مواد و دستمزد افزایش می‌یابد، منابعش تحلیل می‌رود. ممکن است برای پرداخت حقوق یا خرید مواد بعدی، تأمین مالی گران انجام دهد. در چنین شرایطی نگهداری تجهیزات، آموزش و توسعه فرایند تحت فشار قرار می‌گیرد. اگر قرارداد هم امکان تعدیل منطقی هزینه‌ها را ندهد، فشار بیشتر می‌شود. انتظار کیفیت پایدار از زنجیره‌ای که پیوسته با بحران بقا مواجه است، انتظار واقع‌بینانه‌ای نیست.

البته این وضعیت مجوز تغییر پنهانی مواد یا تحویل قطعه نامنطبق نیست. قطعه‌ساز باید محدودیت را اعلام کند و خودروساز نیز باید آن را جدی بگیرد. تغییر ماده، نقشه، محل تولید یا تأمین کننده باید متناسب با اهمیت قطعه، ارزیابی و تأیید شود. در مورد قطعات حساس، عجله برای باز نگه داشتن خط تولید نباید جای آزمون و صحه‌گذاری را بگیرد. اگر تغییر لازم است، باید مسئولیت فنی و امکان ردیابی آن روشن باشد.

اصلاح رابطه نیز با دستور اخلاقی اتفاق نمی‌افتد. زمان‌بندی قابل اتکای پرداخت، قرارداد متناسب با شرایط تورمی، برنامه سفارش باثبات‌تر و همکاری برای رفع عیب لازم است. انتخاب تأمین کننده باید علاوه بر قیمت، توان فنی، ثبات کیفیت و قابلیت تحویل را بسنجد. خودروساز باید به قطعه‌ساز کمک کند منشأ خرابی را رفع کند و در مقابل، از او پاسخگویی و داده معتبر بخواهد. فشار یک‌طرفه برای کاهش قیمت، اگر هزینه واقعی را نادیده بگیرد، می‌تواند زنجیره را فرسوده کند و نهایتاً همان خودروساز و مشتری را متضرر کند.

◉ بعضی مخاطبان این توضیحات را بهانه‌تراشی برای افت کیفیت می‌دانند. چگونه می‌توان آثار واقعی تورم و تحریم را توضیح داد و همزمان، تولیدکننده را پاسخگو نگه داشت؟

باید میان توضیح علت و پذیرفتن نتیجه نامطلوب تفاوت بگذاریم. اگر بگوییم تورم و تحریم بر کیفیت اثر ندارند، صورت مسئله را غلط تعریف کرده‌ایم و راه‌حل هم غلط خواهد شد. اگر هم بگوییم چون این مشکلات وجود دارند، هر محصولی را باید پذیرفت، حق مصرف‌کننده را نادیده گرفته‌ایم. تحلیل درست باید هم محدودیت واقعی را نشان دهد و هم مشخص کند هر مسئول چه کاری می‌توانسته انجام دهد و انجام نداده است.

به عنوان مثال، دشوار شدن دسترسی به یک فناوری ممکن است توسعه محصول را عقب بیندازد. این با پنهان کردن عیب شناخته‌شده یا بی‌اعتنایی به شکایت مشتری متفاوت است. تأخیر تأمین ارز ممکن است برنامه تولید را مختل کند، اما پاسخ ندادن درست به مشتری یا ثبت ناقص اطلاعات خرابی را توجیه نمی‌کند. باید مسئولیت‌ها را بر اساس اختیار، منابع، تصمیم‌ها و رفتار واقعی سنجید. در غیر این صورت، یا همه تقصیرها متوجه کارخانه می‌شود یا هیچ‌کس مسئول نمی‌ماند.

مسئولیت سیاستگذار هم باید قابل ارزیابی باشد. اگر قواعدی وضع می‌شود که سرمایه‌گذاری را عقب می‌اندازد، نقدینگی را فرسوده می‌کند یا برنامه تأمین را به هم می‌ریزد، باید آثار کیفی آن بررسی شود. نمی‌توان در مرحله تصمیم‌گیری، محدودیت را به بنگاه تحمیل کرد و هنگام ظهور نتیجه، صرفاً از مدیر تولید توضیح خواست. همان‌طور که تولیدکننده باید درباره محصول پاسخ بدهد، نهاد تصمیم‌گیر نیز باید درباره پیامد تصمیمش پاسخگو باشد.

مردم حق دارند از کیفیت ناراضی باشند؛ به‌ویژه وقتی با کاهش قدرت خرید، برای تهیه خودرو فشار سنگینی تحمل می‌کنند. اما دفاع مؤثر از آنها نیازمند شناخت سازوکار مسئله است. وعده کیفیت جهانی بدون سرمایه‌گذاری، فناوری و ثبات، مردم را دوباره ناامید می‌کند. آنچه باید مطالبه شود، برنامه روشن با مسئول مشخص، منابع قابل تأمین و نتیجه قابل سنجش است. توضیح شرایط بد کشور زمانی مفید است که به اصلاح تصمیم‌ها منجر شود؛ اگر صرفاً تکرار مشکلات باشد، به تدریج کارکرد توجیهی پیدا می‌کند.

◉ چرا گلایه مردم با اعلام ارتقای استانداردها و افزایش تجهیزات ایمنی کاهش نمی‌یابد؟ این بی‌اعتمادی چه اثری بر بازار دارد؟

مردم کیفیت را در زندگی روزمره می‌سنجند. روشن شدن چراغ هشدار، خرابی زودهنگام قطعه، صدای غیرعادی، خواب خودرو و مراجعه مکرر به نمایندگی برای آنها ملموس است. اگر گزارش رسمی بهتر شود، اما تجربه مالک بهتر نشود، فاصله میان گزارش و اعتماد افزایش می‌یابد. باید فرق میان داشتن یک تجهیز، انطباق محصول در آزمون و عملکرد پایدار آن در استفاده واقعی را دید. کیفیت برای مشتری، مجموعه این تجربه‌هاست.

استاندارد حداقل لازم را تعریف می‌کند، اما رضایت و دوام صرفاً با اعلام انطباق تضمین نمی‌شوند. درباره ایمنی هم باید دقیق صحبت کرد. کیفیت خودرو، رفتار راننده، وضعیت راه، نگهداری ناوگان و امدادرسانی، هر کدام نقش دارند. نمی‌توان همه پیامدهای تصادف را به خودرو نسبت داد؛ همچنین نمی‌توان با اشاره به راه و راننده، مسئولیت ایمنی خودرو را کنار گذاشت. هر بخش باید سهم خود را اصلاح کند. افزودن تجهیزات پیشرفته نیز به طراحی، کالیبراسیون و کارکرد قابل اعتماد نیاز دارد.

برای بازسازی اعتماد، گزارش کیفیت باید به تجربه مشتری نزدیک شود. تعداد عیب در ابتدای مالکیت، خرابی‌های مهم، مراجعه تکراری، زمان تعمیر و دسترسی به قطعه باید دیده شوند. مقایسه هم باید منصفانه باشد؛ سن خودرو، میزان کارکرد، نوع استفاده و شدت عیب اهمیت دارند. هزینه گارانتی به‌تنهایی کافی نیست، چون تورم و قیمت قطعات بر مبلغ آن اثر می‌گذارند. ممکن است مبلغ هزینه بیشتر شود، بدون اینکه همان نسبت خرابی افزایش یافته باشد، یا برعکس. خرید مردم در بازاری با گزینه‌های محدود هم الزاما به معنی رضایت نیست. خانواده ممکن است از سر نیاز یا برای حفظ ارزش دارایی خودرو بخرد. اگر این خرید به رضایت تعبیر شود، علامت غلطی به تولیدکننده داده‌ایم. بی‌اعتمادی در نهایت پذیرش محصول جدید را سخت می‌کند و اعتبار برند را کاهش می‌دهد. راه جبران، تبلیغ بیشتر نیست؛ رفع عیب تکرارشونده، پاسخگویی درست و مشاهده بهبود در طول زمان است.

◉ با این تشخیص، دولت و نهادهای سیاستگذار چه تصمیم‌هایی باید بگیرند تا کیفیت از شعار خارج شود؟

اول باید بپذیرند که کیفیت پایدار در محیط دائماً بی‌ثبات شکل نمی‌گیرد. کنترل تورم، کاهش بلاتکلیفی، تأمین قابل اتکاتر انرژی و روشن شدن قواعد ارزی و تجاری، موضوعاتی بیرون از بحث کیفیت نیستند؛ زیرساخت آن هستند. صنعت برای تصمیمی که چند سال زمان می‌برد، به افق قابل فهم نیاز دارد. وقتی این افق وجود ندارد، دستور افزایش کیفیت جای خالی آن را پر نمی‌کند. اینجا همان نقطه‌ای است که تصمیم‌های سخت اقتصادی حاکمیت ضرورت پیدا می‌کند.

دوم، باید رابطه قیمت‌گذاری، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری اصلاح شود. نمی‌شود هزینه‌ها با تورم افزایش یابند، درآمد بنگاه با تأخیر و محدودیت تعدیل شود و همزمان از آن سرمایه‌گذاری گسترده بخواهیم. البته اصلاح قیمتگذاری نیز نباید به مجوز انتقال ناکارآمدی به مصرف‌کننده تبدیل شود. شفافیت هزینه، انضباط مالی و رقابت مؤثر باید همراه آن باشد. حمایت از قدرت خرید مردم هم باید هدفمند طراحی شود تا هزینه آن از مسیر فرسایش تولید و کیفیت تأمین نشود.

رقابت هم باید امکان انتخاب واقعی و انگیزه بهبود ایجاد کند. حمایت دائمی و بی‌شرط، پاسخگویی را ضعیف می‌کند؛ اما بی‌ثبات کردن تولید و از بین بردن مقیاس اقتصادی نیز کیفیت نمی‌سازد. لازم است قواعد ورود و فعالیت، برای تولیدکنندگان و واردکنندگان شفاف و قابل پیش‌بینی باشد و حمایت‌ها به عملکرد متصل شوند. بنگاه باید بداند حفظ موقعیتش به کیفیت و رضایت مشتری وابسته است. مصرف‌کننده نیز باید بتواند اطلاعات معتبر درباره کیفیت، دوام و خدمات گزینه‌های موجود را مقایسه کند؛ اطلاعاتی که جای آن را تبلیغات و تعداد امکانات پر نکند.

سوم، هدف‌گذاری تولید باید به کیفیت مشروط شود. گزارش عملکرد صنعت باید نشان دهد چه تعداد محصول سالم و قابل اعتماد به مشتری رسیده و وضعیت خرابی و خدمات چگونه تغییر کرده است. اگر مدیر برای جلوگیری از تحویل محصول نامنطبق تصمیم درست گرفت، نباید صرفا بابت افت آمار مجازات شود. در مقابل، پنهان کردن عیب و تکرار بی‌اقدام آن باید پیامد داشته باشد. این تغییر، علامت سیاستگذار را به کل زنجیره عوض می‌کند.

همچنین الزامات فنی باید با نقشه راه، زیرساخت و زمان‌بندی سازگار همراه باشند. استاندارد آلایندگی به سوخت مناسب وابسته است و بعضی خدمات متصل به شبکه ارتباطی قابل اتکا نیاز دارند. هماهنگ نکردن این اجزا، هزینه ایجاد می‌کند و نتیجه مطلوب را عقب می‌اندازد. اصلاح مالکیت و واگذاری تصدی‌گری نیز زمانی کمک می‌کند که اختیار مدیریت، پاسخگویی و قواعد رقابت روشن باشند. وظیفه دولت، فراهم کردن بستر و نظارت مؤثر است؛ مداخله روزمره در اداره بنگاه، مسئولیت‌ها را مخدوش می‌کند.

الزام اولیه برای همه این موارد در صنعت خودرو پذیرش سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی و تفکیک کامل تصدی گری و حکمرانی می باشد. در چنین حالتی دولت می تواند به عنوان یک حکمران به وظایف واقعی خود بپردازد و بگذارد کارآفرینان و مدیران حرفه ای در چهارچوب قواعد تجارت و رقابت بدنبال راه حل برای رفع مشکلات در سطح بنگاه و صنعت باشند.

همچنین به نظر می آید حاکمیت باید تکلیف خود را با مفهوم بازار رقابتی و صنعت خودرو رقابتی و میزان حمایت از توسعه صنعتی و اقتصاد مقاومتی در مقابل اقتصاد رقابتی روشن کند تا تکلیف کارآفرینان و سرمایه‌گذاران روشن شود. همچنین به نظر می رسد در صورت پذیرش اصول پایه چنین تصمیم مهمی برای ایجاد بازار رقابتی ناچاریم بپذیریم که صنعت خودرو هم رقابت پذیر بشود و در این صورت با توجه به تحولات دنیا لازم است ما با چند ورشکستگی و ادغام بزرگ روبه رو شویم و اجازه دهیم بنگاههایی در سطح بین المللی شکل بگیرد. از آن طرف هم باید تکلیف خود را با موضوع واردات رقابتی خیلی شفاف و بلندمدت روشن نماید و اجازه دهند صنعت و صنعتگران مسیر درست را طی کنند.

در پایان، تا زمان اصلاح شرایط کلان، خودروساز و قطعه‌ساز از کجا شروع کنند و مردم با چه نشانه‌ای می توانند به جدی بودن برنامه کیفیت اعتماد کنند؟

نباید کارهای در اختیار بنگاه را تا اصلاح همه مشکلات کشور عقب انداخت. نقطه شروع، انتخاب چند مسئله مهم و قابل پیگیری است: عیب‌هایی که خطر بیشتری دارند، زیاد تکرار می‌شوند یا بیشترین دردسر را برای مشتری ایجاد می‌کنند. برای هر کدام باید منشأ مشکل، مسئول اصلاح، منابع و موعد ارزیابی روشن باشد. برنامه‌ای که ده‌ها عنوان دارد، اما هیچ عیب مشخصی را تا حذف علت دنبال نمی‌کند، معمولاً به گزارش‌سازی می‌رسد.

اطلاعات کارخانه، قطعه‌ساز و خدمات باید به هم وصل شوند. تعویض مکرر یک قطعه در نمایندگی باید به بررسی طراحی، مواد یا فرایند آن برگردد. تعمیر خودرو پایان مسئولیت نیست؛ باید معلوم شود چرا خراب شده و چگونه از تکرار آن جلوگیری می‌شود. داده دقیق در اینجا ارزش مدیریتی دارد. حتی پیش از پروژه‌های پرهزینه دیجیتال، می‌توان ثبت خرابی، ردیابی قطعه و پیگیری اقدام اصلاحی را منظم کرد و از اطلاعات موجود استفاده بهتری کرد.

استقلال حرفه‌ای مسئول کیفیت نیز ضروری است. او باید بتواند با مستندات، جلوی مصرف قطعه نامنطبق یا تحویل محصول معیوب را بگیرد و حمایت مدیریت را داشته باشد. نظام پاداش هم باید این رفتار را تقویت کند. اگر فقط تولید بیشتر تشویق شود، سخنرانی درباره کیفیت اثر محدودی خواهد داشت. در کنار آن، آموزش کارکنان، نگهداری تجهیزات و پرداخت منظم‌تر به تأمین‌کننده، اقداماتی هستند که باید در برنامه واقعی مدیر دیده شوند.

نظارت بیرونی نیز باید قابلیت کشف و پیگیری مسئله داشته باشد. زیاد شدن تعداد بازرسی‌ها، بدون دسترسی به داده و پیگیری اصلاح، الزاماً نتیجه بهتری نمی‌دهد. گزارش نهاد ناظر باید روشن کند عیب شناسایی‌شده چه سرنوشتی پیدا کرده است. تکرار یک ایراد در چند گزارش، اگر به رفع علت منجر نشود، نشانه ضعف چرخه نظارت و پاسخگویی است، نه موفقیت آن.

نشانه اعتمادساز برای مردم این است که عیب تکراری کمتر شود، تعمیر درست در مراجعه اول انجام گیرد و وعده خدمات تحقق پیدا کند. باید روند بهبود را صادقانه منتشر کرد و درباره عقب‌ماندگی‌ها هم توضیح داد. من معتقدم صنعت خودرو هنوز ظرفیت اصلاح دارد، اما فرصت و منابع نامحدود نیست. ادامه تورم، بلاتکلیفی و فرسایش سرمایه‌گذاری، این ظرفیت را ضعیف‌تر می‌کند. انتخاب کیفیت یعنی پذیرفتن مسئولیت و هزینه اصلاح، از سطح حاکمیت تا خط تولید؛ و هرجا لازم شد، ایستادن در برابر تیراژی که به بهای نارضایتی و آسیب به مردم به دست می‌آید.

کارشناسان به‌دنبال محدودیت در تامین گاز هشدار دادند

احتمال توقف تولید در زمستان ۱۴۰۵



زمستان امسال در حالی به روزهای سرد خود نزدیک می‌شود که نگرانی از تشدید محدودیت گاز، بار دیگر به یکی از دغدغه‌های جدی بخش تولید تبدیل شده است. تداوم ناترازی گاز و بازنگشتن حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت آسیب‌دیده تولید به مدار، احتمال اعمال محدودیت یا قطع گاز در ۱۱ استان کشور را افزایش داده است؛ هشداری که می‌تواند زنگ خطر تازه‌ای برای صنایع باشد. تجربه سال‌های گذشته نشان داده کمبود انرژی در فصل سرد، تنها به کاهش مصرف گاز محدود نمی‌شود و در بسیاری از موارد، به افت ظرفیت تولید، توقف خطوط، افزایش هزینه‌های عملیاتی و برهم خوردن برنامه تامین مواد اولیه و تحویل کالا می‌انجامد. اکنون در شرایطی که بسیاری از واحدهای صنعتی هنوز از پیامدهای محدودیت‌های پیشین عبور نکرده‌اند، احتمال تکرار این وضعیت، نگرانی‌ها درباره پایداری تولید، حفظ اشتغال و تحقق برنامه‌های صنعتی کشور را جدی‌تر کرده است.

در همین زمینه، آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی، در گفت‌وگو با خبرآنلاین درباره احتمال اعمال محدودیت گاز در ۱۱ استان کشور و آمادگی صنایع برای مواجهه با ناترازی انرژی اظهار کرد: آمادگی صنایع برای مواجهه با کمبود گاز به معنای برخورداری از روش جایگزین است؛ اما صنایع امکان ذخیره‌سازی گاز را ندارند و نوع مصرف آنها نیز متفاوت است.

■ صنایع امکان ذخیره‌سازی گاز را ندارند



وی با اشاره به تفاوت الگوی مصرف گاز در بخش‌های صنعتی افزود: برخی صنایع مانند پتروشیمی‌ها از گاز به‌عنوان خوراک استفاده می‌کنند، فولادی‌ها آن را به‌عنوان سوخت و احیاکننده به کار می‌گیرند و گروهی دیگر نیز برای تأمین انرژی حرارتی به گاز وابسته‌اند. هیچ‌یک از این صنایع امکان ذخیره‌سازی گاز را ندارند و در صورت بروز کسری، راهکار مشخصی جز کاهش یا توقف فعالیت نخواهند داشت.

■ فولادی‌ها و پتروشیمی‌ها بیشترین آسیب را می‌بینند

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی با تأکید بر آسیب‌پذیری صنایع فولادی و پتروشیمی در برابر محدودیت گاز گفت: این دو گروه صنعتی نیاز ویژه‌ای به گاز دارند و از جمله شرکت‌های ارزآور کشور محسوب می‌شوند. بنابراین، محدودیت تأمین گاز می‌تواند خسارت بسیار جدی به فعالیت آنها وارد کند.

نجفی درباره برآورد اتاق بازرگانی از میزان خسارت احتمالی ناشی از محدودیت گاز در زمستان امسال اظهار کرد: حتی اگر چنین برآوردی وجود داشته باشد، لزوما اعلام نخواهد شد.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا محدودیت گاز می‌تواند تولید صنایع و ایفای تعهدات صادراتی بنگاه‌های ایرانی را تحت‌تأثیر قرار دهد، تصریح کرد: قطعا چنین اتفاقی رخ می‌دهد و محدودیت گاز بر تولید و تعهدات صادراتی شرکت‌ها اثر خواهد گذاشت.

■ سوخت جایگزین هم راهکار مطمئنی نیست

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی درباره احتمال افزایش هزینه تولید در صورت استفاده صنایع از سوخت جایگزین توضیح داد: مسئله اصلی صرفا افزایش هزینه نیست، بلکه قابلیت دسترسی به سوخت جایگزین اهمیت دارد. دسترسی به گازوئیل نیز با محدودیت‌هایی همراه است و با مازوت هم نمی‌توان فعالیت تولیدی را به شکل معمول ادامه داد.

نجفی در واکنش به احتمال جایگزینی مازوت به‌جای گاز در صنایع تأکید کرد که اظهارنظر درباره چنین راهکاری باید از سوی افرادی که آن را مطرح کرده‌اند، پیگیری شود.

وی همچنین درباره پیامدهای ادامه محدودیت انرژی بر اشتغال و سرمایه‌گذاری صنعتی گفت: بنگاه‌ها ناچارند زیان ناشی از کاهش تولید را به شکلی مدیریت کنند. وقتی تولید متوقف یا محدود می‌شود اما هزینه‌های ثابت همچنان پابرجاست، واحدهای صنعتی برای کنترل زیان ناچار به کاهش هزینه‌های ثابت خود خواهند بود.

■ کم‌کاری چندین و چند ساله دولت‌ها

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی با انتقاد از عملکرد دولت‌ها در مدیریت ناترازی انرژی اظهار کرد: دولت باید طی ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته اقدامات جدی برای اصلاح الگوی مصرف و کاهش مصرف گاز و برق انجام می‌داد، اما چنین اقداماتی صورت نگرفته است.

وی افزود: در شرایط فعلی نیز نمی‌توان چندان به موفقیت دولت در مدیریت این مسئله امیدوار بود؛ چراکه به نظر می‌رسد افرادی که مسئولیت پیگیری این موضوع را بر عهده دارند، از کارآمدی لازم برخوردار نیستند.

نجفی درباره تأثیر تشدید تنش‌های سیاسی و نظامی بر فعالیت صنایع کشور نیز گفت: در صورت بروز درگیری، فعالیت صنایع قطعاً تحت تأثیر قرار می‌گیرد. واحدهای صنعتی تا جایی که بتوانند مقاومت می‌کنند و فعالیت خود را متوقف نخواهند کرد، اما در صورت حمله به زیرساخت‌های کشور، خسارت‌های جدی به اقتصاد وارد خواهد شد.

وی با ابراز امیدواری نسبت به عدم وقوع درگیری نظامی تصریح کرد: اگر خدای نکرده درگیری رخ دهد، با توجه به شرایط و اتفاقات جنگ قبلی، احتمال حمله جدی به زیرساخت‌های کشور وجود دارد. چنین حملاتی می‌تواند مصیبت بزرگی به دنبال داشته باشد که یکی از مهم‌ترین پیامدهای آن توقف تولید و خسارت ناشی از عدم تولید خواهد بود.

■ صنایع در اولویت دوم تأمین گاز قرار دارند

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی در پاسخ به این پرسش که در صورت ضرورت اولویت‌بندی میان تأمین گاز خانوارها و تداوم فعالیت صنایع، بخش تولید چه هزینه‌ای پرداخت خواهد کرد، گفت: دولت ناچار است مردم را در اولویت قرار دهد؛ چراکه در قانون نیز بر این موضوع تأکید شده است. بنابراین، صنعت در اولویت دوم قرار می‌گیرد و حتی ممکن است فعالیت آن به تعطیلی کشیده شود.

نجفی با اشاره به تجربه جبران‌نشدن خسارت‌های ناشی از محدودیت برق صنایع در سال‌های گذشته اظهار کرد: دولت در سال‌های گذشته خسارت‌های ناشی از محدودیت برق را جبران نکرده است؛ بنابراین مشخص نیست چگونه قرار است خسارت‌های ناشی از محدودیت گاز را جبران کند.

وی در پایان با اشاره به ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار گفت: با وجود پیش‌بینی سازوکارهایی برای جبران خسارت واحدهای تولیدی، در عمل اتفاق خاصی در این زمینه رخ نداده است و خسارت‌های ناشی از محدودیت برق نیز همچنان جبران نشده باقی مانده است.

سخن پایانی

زمستان پیش‌رو بار دیگر آزمونی جدی برای سیاست‌گذاری انرژی و تاب‌آوری بخش تولید خواهد بود؛ آزمونی که نتیجه آن فقط در میزان گاز تحویلی به صنایع خلاصه نمی‌شود، بلکه مستقیما بر استمرار فعالیت کارخانه‌ها، اشتغال، صادرات و درآمد ارزی کشور اثر می‌گذارد. بازنگشتن حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت آسیب‌دیده تولید گاز به مدار و احتمال اعمال محدودیت در ۱۱ استان، نشان می‌دهد که مسئله تأمین انرژی همچنان یکی از گلوگاه‌های اصلی اقتصاد ایران است. در چنین شرایطی، نمی‌توان از صنایع انتظار داشت بدون دسترسی پایدار به انرژی، برنامه تولید و تعهدات بازار خود را حفظ کنند.

هشدار آرش نجفی درباره نبود امکان ذخیره‌سازی گاز در صنایع، نکته‌ای کلیدی در فهم ابعاد این بحران است. برخلاف تصور رایج، همه واحدهای صنعتی نمی‌توانند با تغییر سوخت، فعالیت خود را ادامه دهند. گاز برای پتروشیمی‌ها خوراک تولید، برای فولادی‌ها بخشی از فرآیند احیا و برای بسیاری از واحدها منبع اصلی تأمین حرارت است. از سوی دیگر، دسترسی محدود به گازوئیل و دشواری استفاده از مازوت نیز نشان می‌دهد که سوخت جایگزین، راهکاری فراگیر و مطمئن نیست. بنابراین، کاهش یا قطع گاز در برخی صنایع به معنای افت تولید و حتی توقف خطوط خواهد بود؛ اتفاقی که می‌تواند تعهدات صادراتی را مختل و هزینه تمام‌شده تولید را افزایش دهد. نکته نگران‌کننده‌تر، تکرار تجربه سال‌های گذشته در جبران‌نشدن خسارت صنایع است. به گفته نجفی، با وجود ظرفیت‌های قانونی از جمله ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، خسارت محدودیت برق نیز به‌درستی جبران نشده است. در این میان، اولویت تأمین گاز خانوارها قابل درک است، اما این اولویت نباید به حذف ملاحظات تولید منجر شود. عبور از زمستان بدون آسیب جدی به صنعت، نیازمند برنامه‌ای شفاف برای مدیریت مصرف، توزیع عادلانه محدودیت‌ها، تأمین سوخت جایگزین و پیش‌بینی سازوکار واقعی جبران خسارت است. در غیر این صورت، هزینه ناترازی گاز بار دیگر از جیب تولید، نیروی کار و اقتصاد کشور پرداخت خواهد شد.

آگهی فقدان سند مالکیت
آقای فیروز غفوری بنمایندگی از بانک رفاه کارگران اصالتا برابر نامه ۶۰/۱۴۰۵/۷۳۰۴۸۴ – ۱۴۰۵/۶/۱۵ اداره املاک بانک رفاه کارگران با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۴۸۸ و شناسه یکتا ۱۴۰۵۰۲۱۴۱۲۲۶۰۰۰۲۷۰ و رمز تصدیق ۹۱۵۷۴۵ دفترخانه ۱۷۵۱ تهران طی درخواست وارده ۱۵۳۱۶ مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۸ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:
سند مالکیت ۶ دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۵۸/۸۰ متر مربع قطعه ۳۱ تفکیکی شماره ۹۳۸۳ فرعی از ۴۷۳۰ اصلی مفروز و مجزی از ۷۱ فرعی از اصلی مذکور بخش ۶ تهران ذیل ثبت ۳۳۷۸۷ صفحه ۲۵۷ دفتر ۲۸۵ بنام شکراله فاطمی راد بشماره چاپی ۹۵۳۵۸۲ صادر و تسلیم شده و در نهایت ۶ دانگ برابر سند قطعی ۲۹۷۶۰–۵۳/۱۰/۲۱ دفتر ۲۰۰ تهران ۶ دانگ به بانک رفاه کارگران منتقل شده است
پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. نشانی ثبت محل : خیابان شیخ هادی نرسیده به خیابان جمهوری نبش کوچه رجب بیگی پلاک ۳۶۶ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی ۵
۱۵۳۸۴ / م الف فاطمه دهقان زاده –سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ثبت ملک مولوی تهران

آگهی فقدان سند مالکیت
آقای فیروز غفوری بنمایندگی از بانک رفاه کارگران اصالتا برابر نامه ۶۰/۱۴۰۵/۷۰۳۴۵۹ – ۱۴۰۵/۶/۱۰ اداره املاک بانک رفاه کارگران با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۴۵۲ و شناسه یکتا ۱۴۰۵۰۲۱۴۱۲۲۶۰۰۰۲۳۵ و رمز تصدیق ۳۱۰۷۳۱ دفتر خانه ۱۷۵۱ تهران طی درخواست وارده ۱۴۸۷۶ مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۶ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:
سند مالکیت ۶ دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۷۵ متر مربع قطعه ۲۱ تفکیکی شماره ۹۴۲۰ فرعی از ۴۷۳۰ اصلی مفروز و مجزی از ۱۱۲۰ فرعی از اصلی مذکور بخش ۶ تهران ذیل ثبت ۳۶۴۲۶ صفحه ۲۱۷ دفتر ۲۸۶ بنام عزیز مراد سگوند بشماره چاپی ۹۷۲۸۳۸ صادر و در نهایت ۶ دانگ برابر سند قطعی ۵۳/۷/۷ – ۱۷۵۲۱ دفتر ۴۷ ص ۱۹۷ دفتر خانه ۱۵۶ تهران به بانک رفاه کارگران منتقل شده است
پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. ۵
۱۵۳۸۵ / م الف فاطمه دهقان زاده –سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران

آگهی فقدان سند مالکیت
آقای فیروز غفوری بنمایندگی از بانک رفاه کارگران اصالتا برابر نامه ۶۰/۱۴۰۵/۷۳۰۴۸۴ – ۱۴۰۵/۶/۱۵ اداره املاک بانک رفاه کارگران با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۴۷۲ و شناسه یکتا ۱۴۰۵۰۲۱۴۱۲۲۶۰۰۰۲۵۴ و رمز تصدیق ۵۵۸۰۹۴ دفتر خانه ۱۷۵۱ تهران طی درخواست وارده ۱۵۳۱۶ مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۸ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:
خلاصه وضعیت مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۵۰ متر مربع قطعه ۸۸ تفکیکی بشماره ۹۶۰۴ فرعی از ۴۷۳۰ اصلی مفروز و مجزی شده از ۷۱ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۶ تهران ذیل ثبت ۳۴۲۵۵ صفحه ۱۹۳ دفتر ۲۸۹ بنام سبز علی صوتی فرزند حسین بشماره چاپی ۱/۰۳۲۳۸۱ نمونه ۳۳۴ صادر و تسلیم شده سپس مع الواسطه برابر سند قطعی ۲۸۹۱۶–۵۳/۸/۱ دفتر ۲۰۰ تهران به بانک رفاه کارگران منتقل شده است
پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. نشانی ثبت محل : خیابان شیخ هادی نرسیده به خیابان جمهوری نبش کوچه رجب بیگی پلاک ۳۶۶ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی ۵
۱۵۳۸۶ / م الف فاطمه دهقان زاده –سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران

آگهی فقدان سند مالکیت
آقای فیروز غفوری بنمایندگی از بانک رفاه کارگران اصالتا برابر نامه ۶۰/۱۴۰۵/۷۳۰۴۸۴ –۱۴۰۵/۶/۱۵ اداره املاک بانک رفاه کارگران با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۴۹۲ و شناسه یکتا ۱۴۰۵۰۲۱۴۱۲۲۶۰۰۰۲۷۴ و رمز تصدیق ۰۱۹۸۲۹ دفترخانه ۱۷۵۱ تهران طی درخواست وارده ۱۵۳۱۶ مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۸ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد
سند مالکیت ۶ دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۴۰ متر مربع قطعه ۲۰ تفکیکی شماره ۹۶۰۹ فرعی از ۴۷۳۰ اصلی مفروز و مجزی از ۷۱ فرعی از اصلی مذکور بخش ۶ تهران ذیل ثبت ۳۶۹۰۲ صفحه ۱۳۷ دفتر ۲۹۰ بنام علی کاظم جان بشماره چاپی ۲/۰۳۹۹۷۶ صادر و تسلیم شده و برابر سند قطعی ۲۷۱۹۹ – ۵۲/۳/۲۰ دفتر ۲۰۰ تهران ۶ دانگ به بانک رفاه کارگران منتقل شده است
پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. نشانی ثبت محل : خیابان شیخ هادی نرسیده به خیابان جمهوری نبش کوچه رجب بیگی پلاک ۳۶۶ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی ۵
۱۵۳۸۷ / م الف فاطمه دهقان زاده –سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
نوبت دوم م الف ۲۴۸
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۲۰۰۳۰۰۰۸۹۸ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خاش تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عباس کهخا فرزند غلام به شناسنامه شماره ۸۲۷ صادره از ایران در یک باب خانه / یک قطعه زمین مزروعی / یک قطعه باغ به مساحت ۶۳۰۱/۷۴ متر مربع پلاک فرعی از ۶۷۲- اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۷۲- اصلی قطعه بخش ۴ خاش واقع در اراضی عباس‌آباد خریداری از مالک رسمی آقای عباس کیخا محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۱۸
ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
نوبت دوم م الف ۲۴۷
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۲۰۰۳۰۰۰۹۰۱ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خاش تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عباس کیخا فرزند غلام به شناسنامه شماره ۸۲۷ صادره از ایران در یک باب خانه / یک قطعه زمین مزروعی / یک قطعه باغ به مساحت ۴۶۴۳/۸۴ متر مربع پلاک فرعی از ۶۷۲- اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۷۲- اصلی قطعه ۴ خاش واقع در اراضی عباس‌آباد خریداری از مالک رسمی آقای عباس کیخا محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میأشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۱۸
ثبت اسناد و املاک

آیدین زینال‌زاده، فعال معدنی، در گفت‌وگو با صمت مطرح کرد؛

موج جدید اکتشاف لیتیوم و موج سواری مصرف کنندگان





افزایش تقاضای جهانی برای لیتیوم، هم‌زمان با توسعه خودروهای برقی، سامانه‌های ذخیره‌سازی انرژی و گسترش مراکز داده، موج تازه‌ای از فعالیت‌های اکتشافی و سرمایه‌گذاری در این حوزه ایجاد کرده است. چین به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی زنجیره جهانی باتری، به دنبال شناسایی و توسعه ذخایر داخلی لیتیوم است؛ اقدامی که می‌تواند هزینه تأمین مواد اولیه را کاهش دهد، وابستگی به منابع خارجی را محدود کند و معادلات بازار جهانی را تغییر دهد.

در همین حال، شرکت‌های فعال در آمریکای شمالی، اروپا و آمریکای جنوبی نیز با توسعه پروژه‌های جدید تلاش می‌کنند سهم بیشتری از بازار آینده این ماده معدنی راهبردی به دست آورند. با این حال، پایین بودن عیار برخی ذخایر، هزینه‌های اکتشاف، تأمین مالی پروژه‌ها و احتمال تداوم مازاد تولید باتری، از جمله چالش‌های توسعه این صنعت است.

در ایران نیز طی سال‌های گذشته اخبار متعددی درباره شناسایی ذخایر لیتیوم، مطالعات شورابه‌ها، تدوین نقشه راه و توسعه فناوری استحصال منتشر شده است؛ اما فاصله میان اقدامات اکتشافی و دستیابی به تولید صنعتی همچنان یکی از مسائل مهم این حوزه به شمار می‌رود.

صمت در گفت‌وگو با آیدین زینال‌زاده، فعال معدنی، روندهای جدید اکتشاف لیتیوم در جهان، راهبرد چین، فعالیت شرکت‌های بین‌المللی، چشم‌انداز تقاضای جهانی و وضعیت پروژه‌های لیتیومی ایران را بررسی کرده است.

◉ چین به‌عنوان بزرگ‌ترین سازنده و مصرف‌کننده باتری در جهان، به دنبال شناسایی منابع جدید لیتیوم در داخل مرزهای خود است. مطالعات اخیر نیز از احتمال وجود ذخایر قابل توجه و دست‌نخورده لیتیوم در نزدیکی مراکز تولید باتری این کشور خبر می‌دهند. این موضوع چه اهمیتی در معادلات جهانی لیتیوم دارد؟

چین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران صنعت باتری و فناوری‌های انرژی‌های نو، همواره به دنبال تقویت موقعیت خود در زنجیره تأمین مواد اولیه بوده است. مطالعات جدید نشان می‌دهد ممکن است منابع قابل توجهی از لیتیوم، به‌ویژه ذخایر نوع رسی ناشی از فعالیت‌های آتشفشانی باستانی، در شرق و جنوب شرق چین وجود داشته باشد؛ مناطقی که بیشترین تمرکز کارخانه‌های تولید باتری را نیز در خود جای داده‌اند.

بر اساس گزارش ساوت چاینا مورنینگ پست، محققان مناطقی را در جنوب شرق چین شناسایی کرده‌اند که از نظر زمین‌شناسی مستعد ذخایر لیتیوم نوع رسی هستند و با خوشه‌های صنعتی تولید باتری هم‌پوشانی دارند. دوان ژونگ، از آکادمی علوم چین، تأکید کرده است که در صورت اثبات وجود این ذخایر و امکان بهره‌برداری اقتصادی از آنها، تأمین لیتیوم از منابع محلی می‌تواند هزینه‌های حمل‌ونقل را کاهش دهد و خطرات اختلال در زنجیره تأمین را محدود کند.

چین، علاوه بر برخورداری از سهمی حدود ۷۰ تا ۸۰ درصدی در زنجیره تأمین جهانی لیتیوم، پس از استرالیا دومین تولیدکننده این فلز در جهان و پیشتاز اصلی در فرآوری آن است. بنابراین، توسعه منابع داخلی جدید می‌تواند موقعیت این کشور را در زنجیره ارزش لیتیوم تقویت کند.

◉ آیا این روند نشان می‌دهد چین در حال بازنگری در سیاست تأمین مواد اولیه خود است؟ با توجه به وابستگی بسیاری از کشورها به زنجیره باتری چین، چه پیامدهایی برای بازار جهانی خواهد داشت؟

در سال‌های گذشته، بسیاری از کشورها متوجه شدند که برون‌سپاری بخش مهمی از تجارت و زنجیره تولید باتری‌های لیتیومی به چین، آنها را به یک زیست‌بوم ژئوپلیتیکی شکننده وابسته کرده است. این وابستگی، با افزایش رقابت‌های اقتصادی و سیاسی میان قدرت‌های جهانی، به نگرانی راهبردی تبدیل شده است.

اکتشافات جدید لیتیوم در چین را باید در همین چارچوب بررسی کرد. این کشور تلاش می‌کند با افزایش ذخایر داخلی، وابستگی خود به منابع خارجی را کاهش دهد و پایداری تأمین مواد اولیه صنایع باتری‌سازی را افزایش دهد.

توسعه منابع جدید لیتیوم در چین می‌تواند بر دسترسی تولیدکنندگان باتری در آمریکای شمالی و اروپا به مواد اولیه تأثیر بگذارد. اگر چین بخشی از نیازهای خود را از منابع داخلی تأمین کند، امکان آزاد شدن بخشی از منابع خارجی برای سایر مصرف‌کنندگان نیز فراهم می‌شود؛ البته این مسئله به میزان تولید، کیفیت ذخایر و شرایط بازار بستگی دارد.

با این حال، ذخایر اکتشافی جدید در چین با چالش عیار مواجه هستند. غلظت‌های گزارش‌شده در برخی مناطق از چند صد تا حدود هزار قسمت در میلیون (PPM) متغیر است و این میزان الزاماً به معنای اقتصادی بودن استخراج نیست. دوام تجاری این ذخایر به فناوری فرآوری، هزینه‌های تولید، قیمت جهانی لیتیوم و سطح تقاضا وابسته خواهد بود.

◉ چین طی یک دهه گذشته با پرداخت یارانه‌های سنگین به صنایع انرژی‌های نو، از جمله پنل‌های خورشیدی، توربین‌های بادی، خودروهای برقی و ذخیره‌سازی انرژی، به توسعه گسترده این صنایع کمک کرده است. آیا اکنون مازاد تولید باتری می‌تواند به مانعی برای ادامه این روند تبدیل شود؟

مازاد ظرفیت تولید یکی از چالش‌هایی است که چین در صنایع مرتبط با انرژی‌های نو با آن مواجه شده است. پرداخت یارانه‌های قابل توجه در سال‌های گذشته موجب شد بسیاری از شرکت‌ها بدون توجه کافی به ظرفیت واقعی بازار و پیامدهای تولید بیش از تقاضا توسعه پیدا کنند.

تجربه چین در حوزه خودروهای برقی و پنل‌های خورشیدی نشان داده است که حمایت‌های مالی گسترده، اگر با برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت ظرفیت تولید همراه نباشد، می‌تواند به ایجاد مازاد عرضه منجر شود. دولت چین پیش‌تر در برخی صنایع محدودیت‌هایی اعمال کرده و اکنون به نظر می‌رسد صنعت باتری‌های لیتیومی نیز با چنین مسئله‌ای مواجه شده است.

البته مازاد تولید باتری را نمی‌توان جدا از چشم‌انداز تقاضای آینده بررسی کرد. گسترش ذخیره‌سازی برق، توسعه خودروهای برقی، افزایش نیاز به سامانه‌های ذخیره انرژی و رشد مراکز داده می‌تواند بازار مصرف باتری‌های لیتیومی را در سال‌های آینده تقویت کند. مسئله اصلی، ایجاد تعادل میان ظرفیت تولید، تقاضای واقعی و سرمایه‌گذاری‌های جدید است.

◉ رقابت در حوزه هوش مصنوعی و توسعه مراکز داده چه تأثیری بر آینده بازار لیتیوم خواهد داشت؟ آیا این روند به افزایش تقاضا برای باتری‌های لیتیومی منجر می‌شود؟

توسعه هوش مصنوعی و گسترش مراکز داده، نیاز به تأمین برق پایدار و مطمئن را افزایش داده است. این مراکز به حجم بالایی از انرژی نیاز دارند و در کنار تولید برق از منابع مختلف، استفاده از سامانه‌های ذخیره‌سازی انرژی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

باتری‌های لیتیومی می‌توانند نقش مهمی در ذخیره انرژی و پشتیبانی از شبکه برق ایفا کنند. افزایش سرمایه‌گذاری در مراکز داده و زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، به‌طور غیرمستقیم تقاضا برای مواد معدنی مورد نیاز ساخت باتری‌ها را افزایش می‌دهد.

بر اساس اطلاعات مطرح‌شده، هزینه‌های مرتبط با هوش مصنوعی در چین با رشد سالانه حدود ۴.۳ درصدی همراه بوده و به رشد اقتصادی این کشور کمک کرده است. این موضوع نشان می‌دهد پروژه‌های بزرگ فناوری همچنان از ظرفیت تأمین مالی برخوردارند. با هدایت سرمایه به سمت مراکز داده، خودروهای برقی و سامانه‌های انرژی نو، لیتیوم نیز به یکی از مواد معدنی مورد توجه سرمایه‌گذاران تبدیل خواهد شد.

◉ چین اعلام کرده است که طی پنج سال آینده، توسعه باتری‌های جامد را به یکی از محورهای مهم ارتقای فناوری تبدیل می‌کند. این تصمیم چه معنایی برای آینده صنعت باتری و جایگاه لیتیوم دارد؟

چین در حوزه باتری‌های لیتیومی جایگاه قدرتمندی دارد و تلاش می‌کند این موقعیت را در نسل‌های جدید فناوری نیز حفظ کند. وزارت صنعت و فناوری اطلاعات چین اعلام کرده است که طی پنج سال آینده، صنعت باتری‌های نوع جدید به یکی از موضوعات حیاتی ارتقای فناوری تبدیل خواهد شد و باید از فرصت‌های راهبردی فناوری‌های نوآورانه و توسعه صنعتی استفاده شود.

این رویکرد نشان می‌دهد چین قصد دارد ضمن حفظ موقعیت خود در بازار کنونی، برای فناوری‌های آینده نیز سرمایه‌گذاری کند. تجربه این کشور نشان داده است که برنامه‌ریزی بلندمدت، توسعه زیرساخت‌ها و حمایت از فناوری می‌تواند در تثبیت جایگاه آن در بازارهای جهانی مؤثر باشد.

اکتشافات جدید لیتیوم را نیز باید بخشی از راهبرد گسترده‌تر چین برای کاهش نگرانی‌های آینده در زمینه تأمین مواد اولیه دانست. این کشور تلاش می‌کند از طریق توسعه منابع داخلی، فرآوری و فناوری‌های جدید، وابستگی خود را به تأمین‌کنندگان خارجی به حداقل برساند.

◉ در کنار تحولات چین، شرکت‌های بین‌المللی نیز به دنبال توسعه پروژه‌های لیتیومی در اروپا، آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی هستند. فعالیت شرکت Critical Metals در اروپا و گرینلند را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شرکت Critical Metals در ۲۸ اکتبر اعلام کرد طرح‌های مربوط به خرید تمام سهام شرکت‌های لیتیومی اروپایی را آغاز کرده است. تاریخ ثبت این طرح ۲۹ اکتبر اعلام شد و قرار است سهام جدید در ۵ نوامبر به سهامداران اروپایی تعلق گیرد و از ۶ نوامبر در نزدک معامله شود. پیش‌بینی شده است فروش گسترده سهام در این مقطع، بخشی از سرمایه‌ها را به سمت دارایی‌های امن‌تر سوق دهد.

این شرکت بر اکتشاف و توسعه ذخایر لیتیوم و عناصر خاکی نادر در آلمان، اتریش و گرینلند تمرکز دارد. پروژه Tanbreez در جنوب گرینلند، یکی از پروژه‌های مهم آن است که شرکت آن را از بزرگ‌ترین ذخایر عناصر خاکی نادر جهان معرفی می‌کند. این پروژه با ارزش تقریبی ۱.۲ میلیارد دلار در مراحل اولیه اکتشاف قرار دارد و محور اصلی فعالیت‌های شرکت محسوب می‌شود.

Critical Metals بر ادامه همکاری با شرکت بی‌ام‌و در پروژه لیتیوم خود در وولفسبرگ اتریش نیز تأکید دارد. این شرکت حدود ۲ میلیون دلار برای فعالیت‌های اکتشافی هزینه می‌کند؛ موضوعی که نشان می‌دهد تمرکز اولیه آن بیشتر بر توسعه پروژه‌هاست تا افزایش درآمد کوتاه‌مدت.

قیمت سهام Critical Metals در یک سال گذشته حدود ۳۲.۲ درصد کاهش داشته، اما از ۲۱ اکتبر سال جاری روند افزایشی ناگهانی و قابل توجهی را تجربه کرده است. برخی کارشناسان این تحول را به اقدامات شرکت در ارتباط با پروژه Tanbreez مرتبط می‌دانند.

◉ شرکت اطلس لیتیوم در برزیل نیز از جمله شرکت‌های فعال در حوزه اکتشاف است. وضعیت این شرکت و پروژه‌های آن چه تصویری از فعالیت شرکت‌های نوپا در بازار لیتیوم ارائه می‌دهد؟

اطلس لیتیوم، شرکت اکتشافی مستقر در برزیل، تمرکز اصلی خود را بر پروژه لیتیوم میناس گرایس قرار داده است. این پروژه محدوده‌ای به وسعت ۴۶۸ کیلومتر مربع را شامل می‌شود و دارای ۸۵ حق امتیاز معدنی است. این شرکت همچنین پروژه کوچک‌تری برای لیتیوم در شمال شرق برزیل دارد.

اطلس لیتیوم در حال حاضر حدود ۱۰۰ هزار دلار درآمد معدنی در برزیل ایجاد می‌کند و ارزش بازار آن تقریباً ۵۷ میلیون دلار است. با توجه به درآمد محدود و ارزش بازار نسبتاً پایین در مقایسه با مقیاس فعالیت‌های معدنی، این شرکت را می‌توان یکی از سرمایه‌گذاران نوپا در حوزه لیتیوم برزیل دانست.

◉ توسعه پروژه‌های لیتیومی نیازمند سرمایه‌گذاری مستمر، مطالعات اکتشافی دقیق و عبور از مراحل مختلف ارزیابی اقتصادی است. بنابراین، موفقیت این شرکت‌ها در نهایت به توانایی تأمین مالی و تبدیل ذخایر اکتشافی به پروژه‌های اقتصادی وابسته خواهد بود.

شرکت 5E Advanced Materials در پروژه فورت کادی کالیفرنیا بر اکتشاف بورات‌ها و لیتیوم تمرکز دارد. این شرکت فعالیت‌های مربوط به لیتیوم را از طریق سرمایه‌های داخلی موجود در ایالات متحده تأمین مالی کرده است.

5E Advanced Materials درآمد اولیه خود را حفظ کرده و ارزش بازار سهام آن حدود ۱۰۴ میلیون دلار است. این شرکت در حوزه فرآوری بورات‌ها و توسعه ظرفیت‌های مرتبط با لیتیوم در فورت کادی، واقع در صحرای موهاوی، برنامه‌های بلندمدتی را دنبال می‌کند.

آینده این پروژه به میزان موفقیت فعالیت‌های اکتشافی و توانایی تأمین مالی آن بستگی دارد. این شرکت ماهانه حدود ۲ میلیون دلار هزینه می‌کند و مسئله اصلی آن است که آیا منابع مالی کافی برای ادامه اکتشاف و رسیدن به تولید معنادار فراهم خواهد شد یا خیر.

◉ با توجه به گسترش خودروهای برقی و سامانه‌های ذخیره‌سازی انرژی، چشم‌انداز تقاضای جهانی لیتیوم چگونه ارزیابی می‌شود؟ کدام مناطق جهان بیشترین سرمایه‌گذاری را در پروژه‌های جدید انجام می‌دهند؟

انتظار می‌رود گسترش خودروهای برقی و توسعه سامانه‌های ذخیره‌سازی انرژی، به‌عنوان مکمل تولید متناوب برق از منابعی مانند باد و خورشید، تقاضای جهانی لیتیوم را به میزان قابل توجهی افزایش دهند. برخی پیش‌بینی‌ها از احتمال سه برابر شدن تقاضا برای این ماده معدنی حکایت دارند.

در این شرایط، زنجیره تأمین جهانی لیتیوم از معدن تا فرآوری و تولید محصول نهایی، به یکی از موضوعات مهم اقتصادی و راهبردی تبدیل شده است. بسیاری از کشورها برنامه‌های جامع اکتشاف و تولید لیتیوم تا سال‌های ۲۰۵۰ و حتی ۲۰۶۰ تدوین کرده‌اند و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اکتشافی داخل و خارج از مرزهای خود را دنبال می‌کنند.

بر اساس پیش‌بینی بنچمارک، سهم آمریکای شمالی از استخراج لیتیوم تا سال ۲۰۵۰ افزایش قابل توجهی خواهد یافت. داده‌های اینداستریال اینفو نیز نشان می‌دهد آمریکای شمالی در پروژه‌های جدید با ۳۶ پروژه و سرمایه‌گذاری ۱۹.۴ میلیارد دلاری، معادل ۳۷.۴ درصد از ارزش سرمایه‌گذاری جهانی، در جایگاه نخست قرار دارد.

آمریکای جنوبی با ۳۹ پروژه و سرمایه‌گذاری کمتر از ۱۳.۷ میلیارد دلار در رتبه دوم قرار گرفته و آسیا با ۳۴ پروژه و ارزش سرمایه‌گذاری ۱۲.۳ میلیارد دلار در جایگاه سوم است. از نظر کشورها نیز ایالات متحده با ۱۳.۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در رتبه نخست و چین با ۱۲.۳۲ میلیارد دلار در رتبه دوم قرار گرفته است.

این آمار نشان می‌دهد رقابت برای توسعه منابع لیتیوم تنها به کشورهای دارای ذخایر شناخته‌شده محدود نیست. کشورها تلاش می‌کنند ظرفیت‌های جدید استخراج و فرآوری ایجاد کنند تا در آینده از وابستگی به منابع محدود و زنجیره‌های تأمین متمرکز جلوگیری شود.

◉ با توجه به این تحولات جهانی، وضعیت اکتشاف و توسعه لیتیوم در ایران چگونه ارزیابی می‌شود؟ آیا در سال‌های گذشته اقدامات مؤثری برای شناسایی ذخایر و توسعه فناوری استحصال صورت گرفته است؟

در ایران طی سال‌های گذشته اخبار متعددی درباره شناسایی منابع لیتیوم، مطالعات شورابه‌ها و برنامه‌های توسعه زنجیره ارزش این ماده معدنی منتشر شده است. این اخبار نشان می‌دهد لیتیوم از مدت‌ها قبل در دستور کار سازمان‌های معدنی و پژوهشی کشور قرار داشته، اما روند توسعه آن با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است.

در ۷ اسفند ۱۳۹۵، سازمان زمین‌شناسی در گزارش عملکرد خود از طراحی روش‌های نوین استحصال کربنات لیتیوم با خلوص ویژه از شورابه‌ها خبر داد. همچنین در ۱۴ آبان همان سال، مدیر اکتشافات ایمیدرو اعلام کرد ۳۰۰ منطقه امیدبخش معدنی، از جمله محدوده‌هایی برای آهن و فلزات ارزشمندی مانند لیتیوم، شناسایی شده‌اند. این خبر اهمیت داشت؛ زیرا شناسایی لیتیوم برای نخستین بار در تاریخ معدن ایران مطرح شد.

در ۹ اسفند ۱۳۹۶، رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان جنوبی از شناسایی لیتیوم در نوار مرزی زیرکوه خبر داد. در همان سال، مطالعات مشترک ایران و بولیوی درباره منابع صنعتی لیتیوم بولیوی در جلسات ایمیدرو مطرح شد. تهیه نقشه راه لیتیوم و استفاده از استانداردهای کانادا برای اکتشاف منابع شورابه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفت.

ایمیدرو از قرار گرفتن طرح توسعه زنجیره ارزش لیتیوم در دستور کار خود خبر داد. پس از آغاز اکتشاف پهنه‌های معدنی از سال ۱۳۹۳، شناسایی فلزات کمیاب مانند لیتیوم در مناطق مختلف کشور مطرح شد و فعالیت‌هایی برای حرکت به سمت استحصال نیمه‌صنعتی آغاز شد.

معاون اکتشاف سازمان زمین‌شناسی نیز اعلام کرد حدود ۶۰ پلایا در کشور وجود دارد که می‌توانند حاوی مقادیری لیتیوم باشند. افزون بر منابع شورابه‌ای، امکان وجود لیتیوم در آب دریا نیز مورد توجه قرار گرفته است. سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور اقداماتی در این زمینه انجام داده و لیتیوم را به‌عنوان یکی از پروژه‌های اولویت‌دار خود معرفی کرده است.

در ۲۷ خرداد ۱۳۹۸، رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور اعلام کرد شناسایی مناطق مستعد لیتیوم در دستور کار این سازمان قرار گرفته و تعدادی محدوده مستعد در استان‌های مختلف شناسایی شده‌اند.

در ۷ اسفند ۱۴۰۰، مدیر امور معادن و اکتشاف تجلی از شناسایی ۱۸ محدوده دارای پتانسیل لیتیوم برای سرمایه‌گذاری خبر داد و اعلام کرد شرکت تجلی می‌تواند در آینده تحول اساسی در حوزه کشف، استخراج و بهره‌برداری ایجاد کند.

در ۲۰ اسفند ۱۴۰۱، معاون معدن و فرآوری مواد وزارت صمت با اشاره به کشف ذخایر لیتیوم در همدان، اظهار کرد انتظار دارد تولید کشور طی دو تا سه سال آینده آغاز شود. یک روز بعد نیز مدیرکل اکتشاف وزارت صمت از صدور نخستین مجوز بهره‌برداری از ذخیره لیتیوم خبر داد و بر ضرورت راه‌اندازی واحدهای صنعتی فرآوری تأکید کرد.

در ۱۱ شهریور ۱۴۰۲، ایمیدرو اعلام کرد برای حرکت هدفمند در حوزه مواد معدنی حیاتی و راهبردی مانند لیتیوم، نقشه راهی تهیه کرده و اقدامات منسجمی برای توسعه اکتشاف و فرآوری آغاز شده است. شرکت‌های روسی دارای دانش فنی و تجربه کافی شناسایی شدند و مذاکرات برای انتقال تجربیات و فناوری تولید لیتیوم از ذخایر داخلی آغاز شد.

در نخستین برنامه مشترک، متخصصان روسی با حضور در ایران از منابع شورابه‌ای قم، خور و بیابانک، مهرجان، میانی، ترود و حاج علیقلی نمونه‌برداری کردند. تبادل تجربیات در زمینه نمونه‌برداری، آنالیز، استحصال و فرآوری انجام شد و مقرر شد پس از بررسی نمونه‌ها و آزمایش‌های متالورژیکی، درباره انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری مشترک تصمیم‌گیری شود.

در ۱۵ آبان ۱۴۰۲، مقامات وزارت صمت اعلام کردند ذخایر قابل توجه لیتیوم شناسایی‌شده در همدان به دلایلی مانند ضعف فناوری و نبود سرمایه‌گذار در وضعیت سکون قرار گرفته‌اند. مدیرکل اکتشاف وزارت صمت نیز تأکید کرد دانش فنی استحصال لیتیوم در مقیاس صنعتی در ایران وجود ندارد، هرچند ممکن است در مقیاس پایلوت فعالیت‌هایی انجام شده باشد.

همچنین اعلام شد شورابه‌های ایران حاوی لیتیوم هستند، اما استان‌های جنوبی و جنوب شرق کشور از ظرفیت بیشتری برخوردارند و مطالعات عمیقی درباره ذخایر آنها صورت نگرفته است.

این موضوع نشان می‌دهد شناسایی اولیه ذخایر به‌تنهایی برای دستیابی به تولید صنعتی کافی نیست. توسعه لیتیوم به اکتشاف دقیق، تعیین عیار و حجم ذخایر، فناوری استحصال، مطالعات متالورژیکی، تأمین مالی و ایجاد زیرساخت‌های فرآوری نیاز دارد.

در ۲۷ فروردین ۱۴۰۳، مدیرعامل شرکت تجلی توسعه معادن و فلزات اعلام کرد تعداد معادن این شرکت به ۲۴ معدن افزایش یافته و پنج معدن به لیتیوم اختصاص دارند. وی از برنامه سرمایه‌گذاری سنگین در حوزه لیتیوم و عناصر نادر خاکی نیز خبر داد.

در ۱۰ تیر و ۱۹ مهر ۱۴۰۳، مدیرعامل شرکت تجلی بر افزایش تمرکز بر مواد نادر خاکی، لیتیوم، طلا و مس تأکید کرد. گزارش‌ها حاکی از آن بود که فعالیت‌های اکتشافی اولیه در پنج معدن لیتیومی پایان یافته و آزمایش‌های فرآوری هم‌زمان با ادامه اکتشاف در حال انجام است.

نتایج اولیه آزمایش‌ها مثبت ارزیابی شده و نمونه‌هایی برای بررسی به آزمایشگاه‌های معتبر خارجی ارسال شده است. همکاری با یک شرکت دانش‌بنیان در حوزه لیتیوم نیز آغاز شده و برنامه‌هایی برای تأسیس شرکت مشترک، انتقال دانش فنی و حرکت تدریجی به سمت فعالیت‌های صنعتی مطرح شده است.

◉ در سال ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ نیز اخبار جدیدی درباره ذخایر لیتیوم و توسعه فناوری فرآوری منتشر شده است. این تحولات چه چشم‌اندازی برای آینده این صنعت در ایران ایجاد می‌کنند؟

در اول دی ۱۴۰۳، شرکت تجلی توسعه معادن و فلزات از رشد سبد دارایی‌ها و پروژه‌های خود در سومین سال حضور در فرابورس ایران خبر داد. این شرکت اعلام کرد مطالعات اکتشافی اولیه لیتیوم با موفقیت انجام شده و تلاش‌ها برای دستیابی به عیار مورد نیاز فرآوری و تولید ادامه دارد. در گزارش مذکور، بر طولانی بودن مسیر توسعه صنعتی و ضرورت برنامه‌ریزی دقیق تأکید شد.

در ۲۵ اسفند ۱۴۰۳، وزارت صمت نتایج یک سال نمونه‌برداری علمی از شورابه‌های نمکی سه استان را منتشر کرد. این پروژه با همکاری کارشناسان روسیه و استفاده از فناوری‌هایی مانند ICP-OES انجام شده بود و وجود ذخایر لیتیوم با غلظت‌های رقابتی در سطح جهانی را تأیید می‌کرد.

در ۱۰ خرداد ۱۴۰۵، رئیس سازمان نقشه‌برداری کشور با اشاره به نقشه معادن لیتیومی تأکید کرد مکان این معادن به‌صورت محرمانه تهیه شده و کشور با مشکل نبود نقشه و موقعیت مشخص معادن لیتیوم مواجه نیست.

همچنین در ۱۶ مرداد ۱۴۰۵، معاون پژوهشی جهاد دانشگاهی تربیت مدرس از آمادگی انتقال دانش فنی تولید کربنات لیتیوم به بخش صنعت و معدن خبر داد. این موضوع می‌تواند نشانه حرکت تدریجی پژوهش‌ها به سمت کاربرد صنعتی باشد؛ هرچند تحقق تولید پایدار همچنان به سرمایه، فناوری و زیرساخت‌های مناسب وابسته است.

◉ با توجه به تجربه جهانی و وضعیت داخلی، مهم‌ترین ضرورت پیش روی سیاست‌گذاران و فعالان معدنی ایران در حوزه لیتیوم چیست؟ آیا ادامه روند فعلی می‌تواند به عقب‌ماندگی در این بازار راهبردی منجر شود؟

متولیان، قانون‌گذاران، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و نیمه‌دولتی و همچنین سازمان‌های مردم‌نهاد حوزه معدن و صنایع معدنی، باید تحولات اقتصادی و فنی مرتبط با مواد معدنی خاص، بحرانی و ارزشمند را با دقت بیشتری دنبال کنند. لیتیوم نمونه روشنی از این گروه است که اهمیت آن در اقتصاد جهانی به‌سرعت افزایش می‌یابد. تولیدات معدنی کشور در شرایط فعلی ارزشمند هستند و بخشی از نیازهای داخلی را تأمین می‌کنند، اما مسئله اصلی این است که آیا روند کنونی طی پنج سال آینده با تحولات جهانی، توسعه فناوری‌ها و تغییر الگوی تولید و مصرف مواد معدنی هماهنگ خواهد بود یا خیر. در ایران طی سال‌های گذشته اخبار متعددی درباره شناسایی ذخایر لیتیوم، مطالعات شورابه‌ها، تهیه نقشه راه، همکاری‌های بین‌المللی و فعالیت‌های اکتشافی منتشر شده است. با این حال، هنوز باید پرسید چرا حساسیت لازم برای عبور از مرحله انتشار اخبار به اکتشاف گسترده، توسعه فناوری و تولید صنعتی شکل نگرفته است.

اگر امروز برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری مؤثر انجام نشود، احتمال دارد کشور در کمتر از پنج سال با عقب‌ماندگی قابل توجهی در زنجیره تأمین و تولید لیتیوم مواجه شود؛ عقب‌ماندگی‌ای که جبران آن می‌تواند چند دهه زمان نیاز داشته باشد و هزینه‌های ارزی سنگینی به اقتصاد تحمیل کند.

در مقابل، اگر ایران با تکیه بر ظرفیت‌های زمین‌شناسی، منابع شورابه‌ای، دانش فنی داخلی، همکاری‌های بین‌المللی و سرمایه‌گذاری هدفمند مسیر توسعه لیتیوم را دنبال کند، امکان تبدیل تهدید به فرصت اقتصادی فراهم خواهد شد. در چنین شرایطی، لیتیوم می‌تواند علاوه بر کاهش وابستگی به واردات مواد اولیه، زمینه ایجاد ارزش افزوده، توسعه صنایع پایین‌دستی و ارزآوری را فراهم کند.

در نهایت، آینده لیتیوم در ایران به مدیریت فاصله میان شناسایی ذخایر و دستیابی به تولید صنعتی وابسته است. این فاصله را نمی‌توان صرفاً با اعلام کشف ذخایر یا تدوین نقشه راه پر کرد؛ بلکه به اکتشاف مستمر، توسعه فناوری، سرمایه‌گذاری، ایجاد واحدهای فرآوری و هماهنگی میان سیاست‌گذاران و فعالان بخش معدن نیاز دارد.

اگر لیتیوم قرار است در آینده به یکی از مواد معدنی راهبردی کشور تبدیل شود، تصمیم‌گیری درباره آن باید از امروز آغاز شود؛ چراکه در رقابت جهانی مواد معدنی، تأخیر در اقدام می‌تواند به از دست رفتن فرصت‌هایی منجر شود که بازگشت آنها به‌سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود.

ایران تولیدکننده ۹۰ درصد زعفران جهان



محمدعلی رضایی، رئیس اتحادیه گیاهان دارویی، زعفران و فرآورده‌های غذایی، گفت: درحال‌حاضر ۹۰ درصد زعفران جهان در ایران تولید می‌شود، اما تنها ۱۲ درصد از تجارت جهانی این محصول در اختیار ایران است.

به گفته وی، بر اساس آمار، سطح زیر کشت زعفران در کشور حدود ۱۵۰ هزار هکتار است و ایجاد زنجیره ارزش این محصول باید در دستور کار قرار گیرد. همچنین با مکانیزه کردن فرآیند تولید و آموزش کشاورزان می‌توان بهره‌وری مزارع را افزایش داد.

رضایی ادامه داد: درحال‌حاضر به‌طور میانگین سه کیلوگرم زعفران در هر هکتار برداشت می‌شود، در حالی که با ارتقای دانش فنی و آموزش کشاورزان می‌توان این میزان را به ۱۰ کیلوگرم در هکتار افزایش داد.

به گزارش تجارت نیوز، وی با بیان اینکه ظرفیت کارخانه‌های تولید و فرآوری زعفران در کشور به میزان کافی وجود دارد، افزود: در حوزه فرآوری محصولات و فناوری‌های مورد استفاده، برخی کشورهای دیگر در زمینه فروش جایگاه بالاتری دارند، اما در حوزه تولید عصاره زعفران، شرکت‌های دانش‌بنیان خوبی در کشور فعالیت می‌کنند و اقدامات مناسبی انجام شده است. این مقام مسئول یکی از نقاط ضعف حوزه صادرات را مشکلات مربوط به بازگشت ارز حاصل از صادرات دانست و گفت: این موضوع معضل جدی برای صادرکنندگان ایجاد کرده است و امیدواریم بانک مرکزی برای حل این مشکلات اقدام کند.

رضایی با بیان اینکه مشکلات بازگشت ارز به قاچاق محصول دامن زده است، افزود: با توجه به آمار برداشت زعفران، میزان صادرات و موجودی محصول در انبارها می‌توان برآوردی از میزان قاچاق این محصول داشت.

به گفته وی، با توجه به شرایط جنگی کشور، هزینه‌های حمل‌ونقل نسبت به ماه‌های اخیر چند برابر شده و گمرکات برخی کشورها نیز بسته شده است؛ از این رو صادرکنندگان با هزینه و ریسک بالایی اقدام به صادرات می‌کنند.

رضایی سطح زیر کشت زعفران در کشور را ۱۵۰ تا ۱۶۰ هزار هکتار اعلام کرد و افزود: ظرفیت تولید بیش از ۵۰۰ تا ۶۰۰ تن زعفران در کشور وجود دارد و امیدواریم در آینده بتوانیم میزان تولید را به هزار تن برسانیم تا جایگاه خود را به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده این محصول در جهان حفظ کنیم.

به گفته وی، پیش‌بینی می‌شود امسال میزان تولید زعفران در کشور به بیش از ۳۰۰ تن برسد.

ثبات نرخ برنج در بازار

قاسم پیشه‌ور، عضو اتاق اصناف کشاورزی، از رشد ۱۵ تا ۲۰ درصدی تولید برنج در کشور نسبت به سال گذشته خبر داد و گفت: با توجه به شرایط مساعد اقلیمی، وضعیت تولید برنج در استان‌های شمالی مطلوب بوده است.

وی با اشاره به افزایش هزینه‌های تولید اظهار کرد: با وجود رشد چشمگیر هزینه‌های تولید، نرخ برنج در بازار نسبت به سال گذشته تغییر محسوسی نداشته و از ثبات نسبی برخوردار بوده است.

پیشه‌ور با اشاره به چالش‌های آماری در حوزه مصرف برنج کشور بیان کرد: بر اساس آمارهای رسمی و با در نظر گرفتن میزان تولید داخلی و مصرف، سالانه تنها به واردات ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تن برنج نیاز داریم؛ با این حال، اختلاف قابل توجهی میان آمارهای ارائه‌شده درباره سرانه مصرف وجود دارد؛ به‌طوری‌که مرکز آمار ایران سرانه مصرف را ۲۷ کیلوگرم و تجار این رقم را ۳۴ کیلوگرم اعلام می‌کنند. همین اختلاف آماری موجب شده است میزان نیاز کشور به واردات برنج بیش از نیاز واقعی برآورد شود.

عضو اتاق اصناف کشاورزی با تأکید بر ظرفیت تولید داخلی برنج گفت: با توجه به رونق کشت برنج در استان‌های شمالی و گسترش آن در سایر استان‌ها، ضرورتی برای وابستگی به واردات وجود ندارد و کشور از ظرفیت مناسبی برای افزایش تولید برخوردار است.

وی افزود: از یک سو عنوان می‌شود که قدرت خرید مردم کاهش یافته و باید برنج ارزان‌قیمت در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گیرد، اما از سوی دیگر، ظرفیت لازم برای دستیابی به خودکفایی در تولید برنج در کشور وجود دارد. بر این اساس، دولت می‌تواند با خرید محصول از کشاورزان و



عرضه آن با نرخ مناسب به مصرف‌کنندگان، هم از تولید داخلی حمایت کند و هم زمینه تأمین برنج مورد نیاز خانوارها را فراهم آورد.

پیشه‌ور با بیان اینکه بر اساس آمار تولید داخلی و سرانه مصرف، سالانه به واردات حدود ۵۰۰ هزار تن برنج برای تأمین ذخایر راهبردی نیاز است، تصریح کرد: این میزان واردات می‌تواند در مواقع ضروری و بروز کسری احتمالی مورد استفاده قرار گیرد.

وی در پایان تأکید کرد: با فراهم شدن زیرساخت‌های لازم، حمایت مؤثر از کشاورزان و تقویت تولید داخلی، می‌توان وابستگی کشور به واردات برنج را کاهش داد و در نهایت به خودکفایی در این محصول دست یافت.

افت ۱۰ درصدی نرخ برخی گوشی‌های اقتصادی در بازار موبایل

قیمت برخی مدل‌های اقتصادی موبایل با عملیاتی شدن سهمیه یک هشتم، در معاملات شنبه ۱۶ آبان‌ماه تا ۱۰درصد کاهش یافت.

بررسی فهرست نرخ تلفن‌های همراه در بازار نشان می‌دهد هم‌زمان با معاملات روز شنبه ۱۶ آبان‌ماه، نرخ برخی مدل‌های اقتصادی با کاهش نسبتا قابل توجه در برخی مدلها همراه شده است؛ به‌طوری‌که میزان افت نرخ در بعضی مدل‌ها به حدود ۱۶ درصد رسیده است.

بر اساس بررسی قیمت‌ها، گوشی سامسونگ A۰۸ بیشترین کاهش نرخ را در میان مدل‌های مورد بررسی تجربه کرده و نرخ آن در معاملات روز شنبه حدود ۱۶ درصد افت داشته است.

همچنین مدل A۱۷ با کاهش حدود ۱۰ درصدی نرخ مواجه شده و مدل‌های مختلف A۰۷ نیز بسته به نسخه و مشخصات، افت قیمتی بین ۵ تا ۷ درصد را ثبت کرده‌اند.

به گزارش تسنیم، در سایر مدل‌ها نیز روند کاهشی نرخ مشاهده می‌شود؛ به‌طوری‌که نرخ گوشی FE S۲۵ حدود ۵ درصد و مدل‌های A۲۶، A۲۷ و A۳۷ نیز حدود ۳ درصد کاهش یافته است.

این تغییرات در شرایطی ثبت شده که بخش قابل توجهی از کاهش قیمت‌ها با توجه به محدود شدن ثبت سفارش به موبایل زیر ۴۰۰ یورو به مدل‌های اقتصادی و میان‌رده بازار موبایل مربوط می‌شود.



در شهریور ماه تخصیص یک هشتم اول صنعت تلفن همراه برای ثبت سفارشهای سال ۱۴۰۵ بر حسب سابقه واردات عملیاتی شد. در مهر ماه فرآیند تخصیص ارز تلفن همراه عملا متوقف ماند و در آبان ماه سهمیه یک هشتم دوم به صورت نسبی وتدریجی کارسازی شده است که نتایج آن در قالب افت نسبی مدلهای اقتصادی قابل رصد است.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای فیروز غفوری بنمایندگی از بانک رفاه کارگران اصالتا برابر نامه ۶۰/۱۴۰۵/۷۰۳۴۵۹ – ۱۴۰۵/۶/۱۰ اداره املاک بانک رفاه کارگران با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۴۵۱ و شناسه یکتا ۱۴۰۵۰۲۱۴۱۲۲۶۰۰۰۲۳۴ و رمز تصدیق ۳۱۴۰۲۴ دفترخانه ۱۷۵۱ تهران طی درخواست وارده ۱۴۸۷۶ مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۶ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:

سند مالکیت ۶ دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۷۵ متر مربع قطعه ۲۲ تفکیکی شماره ۱۰۱۲۴ فرعی از ۴۷۳۰ اصلی مفروز و مجزی از ۱۱۲۰ فرعی از اصلی مذکور بخش ۶ تهران ذیل ثبت ۳۸۶۵۳ صفحه ۲۹ دفتر ۳۰۴ بنام اسمعیل حاتمی بشماره چاپی ۵۷۶۶۷۰ صادر و تسلیم شده و در نهایت ۶ دانگ برابر سند قطعی ۲۸۱۹۶–۵۳/۶/۷ دفتر ۲۰۰ تهران ۶ دانگ به بانک رفاه کارگران منتقل شده است

پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. ۵

۱۵۳۸۸ / م الف فاطمه دهقان زاده –سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ثبت ملک مولوی تهران

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای فیروز غفوری بنمایندگی از بانک رفاه کارگران اصالتا برابر نامه ۶۰/۱۴۰۵/۶۳۴۸۳۶ –۱۴۰۵/۵/۲۶ اداره املاک بانک رفاه کارگران با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۴۲۸ و شناسه یکتا ۱۴۰۵۰۲۱۴۱۲۲۶۰۰۰۲۱۱ و رمز تصدیق ۱۸۳۴۷۸ دفتر خانه ۱۷۵۱ تهران طی درخواست وارده ۱۴۸۲۲ مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۲ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:

سند مالکیت ۶ دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۷۰ مترمربع قطعه ۱۸۱ تفکیکی شماره ۹۷۷۲ فرعی از ۴۷۳۰ اصلی مفروز و مجزی از ۱۱۲۰ فرعی از اصلی مذکور بخش ۶ تهران ذیل ثبت ۳۴۶۸۱ صفحه ۸۱ دفتر ۲۹۳ بنام علی تیموری بشماره ۳۵۹۴۲۸ چاپی صادر و تسلیم شده در نهایت ۶ دانگ برابر سند قطعی ۲۹۰۱۲–۵۳/۸/۸ دفتر ۲۰۰ تهران ۶ دانگ به بانک رفاه کارگران منتقل شده است

پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. نشانی ثبت محل : خیابان شیخ هادی نرسیده به خیابان جمهوری نبش کوچه رجب بیگی پلاک ۳۶۶ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی ۵

۱۵۳۸۹ / م الف فاطمه دهقان زاده –سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای فیروز غفوری بنمایندگی از بانک رفاه کارگران اصالتا برابر نامه ۶۰/۱۴۰۵/۶۳۴۸۲۳ – ۱۴۰۵/۵/۲۶ اداره املاک بانک رفاه کارگران با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۴۱۶ و شناسه یکتا ۱۴۰۵۰۲۱۴۱۲۲۶۰۰۰۱۹۹ و رمز تصدیق ۳۸۴۰۹۴ دفترخانه ۱۷۵۱ تهران طی درخواست وارده ۱۴۸۳۷ مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۵ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:

۴– سند مالکیت ۶ دانگ یکبابخانه ساخته شده در یک قطعه زمین به مساحت ۳۴ متر مربع قطعه تفکیکی شماره ۷۲۳۶ فرعی از ۴۷۳۰ اصلی مفروز و مجزی از ۷۱ فرعی از اصلی مذکور بخش ۶ تهران ذیل ثبت ۳۱۷۰۱ صفحه ۳۹۱ دفتر ۲۵۷ بنام علی محمد تیموری فر بشماره چاپی ۰۲۷۵۸۱ صادر و تسلیم شده سپس برابر سند قطعی ۱۳۲۰۸–۴۸/۸/۲۶ دفتر ۲۷۹ تهران به ذبیح اله لک و ریا عیسی وند هر کدام ۳ دانگ منتقل و برابر سند ۲۷۹۲۳–۵۳/۵/۳ دفتر ۲۰۰ تهران ۶ دانگ به بانک رفاه کارگران منتقل شده است

پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. ۵

۱۵۳۸۲ / م الف فاطمه دهقان زاده –سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای فیروز غفوری بنمایندگی از بانک رفاه کارگران اصالتا برابر نامه ۶۰/۱۴۰۵/۷۳۰۴۸۴ –۱۴۰۵/۶/۱۵ اداره املاک بانک رفاه کارگران با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۴۷۲ و شناسه یکتا ۱۴۰۵۰۲۱۴۱۲۲۶۰۰۰۲۵۴ و رمز تصدیق ۵۵۸۰۹۴ دفترخانه ۱۷۵۱ تهران طی درخواست وارده ۱۵۳۱۶ مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۸ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد:

سند مالکیت ۶ دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۶۰ متر مربع قطعه ۱۰ تفکیکی شماره ۹۲۸۶ فرعی از ۴۷۳۰ اصلی مفروز و مجزی از ۷۱ فرعی از اصلی مذکور بخش ۶ تهران ذیل ثبت ۳۳۳۹۵ صفحه ۵۴۷ دفتر ۲۸۱ بنام مینا غلامی بشماره چاپی ۸۹۴۵۱۹ صادر و تسلیم شده و در نهایت ۶ دانگ برابر سند قطعی ۲۸۳۰۶–۵۳/۶/۱۶ دفتر ۲۰۰ تهران ۶ دانگ به بانک رفاه کارگران منتقل شده است

حقوق ارتفاقی ملک ندارد

پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. ۵

۱۵۳۸۳ / م الف فاطمه دهقان زاده –سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران



م الف ۳۴۲

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم **پروانه مسعودی‌نیا** بااستناد دو برگ استشهاد محلی که به امضا شهود و به گواهی دفتر اسناد رسمی شماره ۵۲ زابل رسیده مدعی است که **سند مالکیت به شماره چاپی ۷۴۳۰۹۴ ششدانگ خانه پلاک ۱ فرعی از ۶۱۱ - اصلی واقع در بخش یک سیستان** بعلت جابه‌جایی از بین رفته درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب باستناد تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین‌نامه ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود یا انجام معامله نسبت به ملک مرقوم می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف ده روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله نسبت به این اداره اعلام و رسید دریافت نمایند تا مورد رسیدگی و ترسیدن واخواهی و یا درصورت اعتراض اصل سند ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۸/۱۸

رییس ثبت اسناد و املاک



م الف ۸۶

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای **امید رضا سپهری‌نیا** باستناد دو برگ استشهاد محلی که به امضا شهود و به گواهی دفتر اسناد رسمی شماره ۳۰ چابهار رسیده مدعی است که **سند مالکیت به شماره چاپی ۶۱۲۱۸۸ ششدانگ پلاک ۱۵۳/ ۱۰۶۵ - اصلی واقع در بخش ۱۶ بلوچستان شهر چابهار** بعلت جابه‌جایی از بین رفتن درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب باستناد تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین نامه ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود یا انجام معامله نسبت به ملک مرقوم می‌باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف ده روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله نسبت به این اداره اعلام و رسید دریافت نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی و یا درصورت اعتراض اصل سند ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۸/۱۸

رییس ثبت اسناد و املاک

گزارش خبری

صادرات قراضه آلمان در مدار ثبات

صادرات قراضه آهنی آلمان در هشت‌ماهه نخست سال ۲۰۲۶ با ثبت رقم ۵.۱۸ میلیون تن، تقریباً در سطح مدت مشابه سال گذشته باقی ماند؛ با این حال، واردات این محصول ۸ درصد افزایش یافت و به ۳ میلیون تن رسید. در این میان، ایتالیا با خرید ۱.۱ میلیون تن، جایگاه بزرگ‌ترین مقصد صادرات قراضه آلمان را به خود اختصاص داد؛ تغییری که در کنار اختلال‌های لجستیکی و افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، از تحولات جریان تجارت قراضه در بازار اروپا حکایت دارد.

صادرات قراضه آهنی آلمان در هشت‌ماهه نخست سال ۲۰۲۶ تقریباً بدون تغییر نسبت به مدت مشابه سال گذشته، به ۵.۱۸ میلیون تن رسید. در همین مدت، واردات قراضه این کشور با رشد ۸ درصدی همراه شد و به ۳ میلیون تن افزایش یافت؛ روندی که از تغییرات جریان تجارت قراضه در بازار اروپا حکایت دارد. این کشور در فاصله ژانویه تا اوت ۲۰۲۶، در مجموع ۵.۱۸ میلیون تن قراضه آهنی صادر کرده است. ارزش صادرات قراضه آلمان در این دوره به ۲.۴ میلیارد یورو رسید.

مقایسه آمارها نشان می‌دهد حجم صادرات قراضه آلمان در هشت‌ماهه نخست سال ۲۰۲۶ تقریباً با مدت مشابه سال ۲۰۲۵ برابر بوده است؛ به‌طوری‌که این کشور در هشت ماه نخست سال گذشته ۵.۱۹ میلیون تن قراضه صادر کرده بود. در مقابل، واردات قراضه آهنی آلمان در همین بازه زمانی با رشد ۸ درصدی نسبت به سال قبل، به ۳ میلیون تن رسید. ارزش این واردات نیز بالغ بر ۱.۴ میلیارد یورو گزارش شده است.

■ ایتالیا؛ بزرگ‌ترین خریدار قراضه آلمان

اگرچه حجم کلی صادرات قراضه آلمان در هشت‌ماهه نخست سال جاری تقریباً ثابت باقی مانده، اما بررسی مقاصد صادراتی از تغییر در الگوی توزیع محموله‌ها حکایت دارد. بر اساس داده‌های اداره فدرال آمار آلمان، صادرات قراضه به ایتالیا در این دوره افزایش قابل‌توجهی داشته است. این کشور با واردات ۱.۱ میلیون تن قراضه از آلمان، به بزرگ‌ترین خریدار قراضه آهنی این کشور در هشت‌ماهه نخست ۲۰۲۶ تبدیل شد.

در همین حال، کاهش سطح آب رودخانه‌های راین، دانوب و اودر، اختلال‌هایی در انتقال قراضه به واحدهای فولادسازی آلمان ایجاد کرده است. پیش‌تر چندین انجمن فعال در حوزه بازیافت و مدیریت پسماند آلمان با اشاره به این شرایط، از تأثیر محدودیت‌های حمل‌ونقل آبی بر روند تأمین قراضه صنعت فولاد این کشور خبر داده بودند.

از سوی دیگر، قیمت قراضه در بازار آلمان طی ماه اکتبر بدون تغییر باقی ماند؛ این در حالی است که فعالان بازار انتظار داشتند افزایش فعالیت معاملاتی به رشد قیمت‌ها منجر شود. بر اساس ارزیابی بیشتر منابع بازار، شرایط در ماه نوامبر نیز احتمالاً تغییر محسوسی نخواهد داشت. تداوم مشکلات لجستیکی و بالا بودن هزینه‌های حمل‌ونقل از جمله عواملی هستند که همچنان بر بازار قراضه آلمان تأثیر می‌گذارند.

■ افزایش صادرات قراضه آلمان در سال ۲۰۲۵

آلمان در سال ۲۰۲۵ صادرات قراضه آهنی خود را با رشد ۵ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۴، به ۷.۷ میلیون تن افزایش داد. ارزش صادرات این محصول در سال گذشته به ۴.۵۴ میلیارد یورو رسید. در مقابل، واردات قراضه آلمان در سال ۲۰۲۵ با کاهش ۹ درصدی نسبت به سال قبل، به ۳.۹۸ میلیون تن رسید که ارزش آن حدود ۲.۳ میلیارد یورو برآورد شد.

■ ثبات صادرات در سایه تغییرات زنجیره تأمین

ثبات نسبی صادرات قراضه آلمان در هشت‌ماهه نخست سال جاری را می‌توان نشانه‌ای از تداوم جریان تجارت این محصول در بازار اروپا دانست؛ با این حال، افزایش واردات نشان می‌دهد که تحولات عرضه و تقاضا همچنان بر ساختار تأمین مواد اولیه صنعت فولاد این کشور اثرگذار است. در شرایطی که فولادسازان اروپایی به‌تدریج به سمت کاهش انتشار کربن و افزایش سهم مواد بازیافتی در فرآیند تولید حرکت می‌کنند، قراضه آهنی بیش از گذشته به یکی از منابع راهبردی تأمین خوراک کارخانه‌ها تبدیل شده است.

افزایش تقاضا برای فولاد کم‌کربن، به‌ویژه در میان تولیدکنندگان مجهز به کوره‌های قوس الکتریکی، اهمیت دسترسی پایدار به قراضه باکیفیت را افزایش می‌دهد. این روند می‌تواند در بلندمدت بر مسیرهای تجاری، الگوی صادرات و واردات و حتی رقابت میان کشورهای اروپایی برای تأمین مواد اولیه اثر بگذارد. از این منظر، تغییرات حجم تجارت قراضه صرفاً به معنای جابه‌جایی کالا میان کشورها نیست، بلکه بخشی از تحول ساختاری صنعت فولاد اروپا در مسیر گذار به تولید پایدارتر محسوب می‌شود.

در همین چارچوب، افزایش واردات قراضه آلمان می‌تواند بازتاب نیاز بیشتر صنایع داخلی به مواد اولیه بازیافتی باشد؛ نیازی که در کنار محدودیت‌های حمل‌ونقل و هزینه‌های لجستیکی، مدیریت زنجیره تأمین را به مسئله‌ای مهم برای فعالان بازار تبدیل می‌کند. تداوم این شرایط می‌تواند در ماه‌های آینده نیز بر تصمیم‌های تجاری بازیافت‌کنندگان، صادرکنندگان و فولادسازان اثرگذار باشد.

در مجموع، بازار قراضه آهنی آلمان در سال ۲۰۲۶ با ترکیبی از ثبات در صادرات، رشد واردات و چالش‌های لجستیکی مواجه است. اگرچه آمارهای هشت‌ماهه نخست از تغییر محدود در حجم کلی صادرات حکایت دارند، تحولات مقاصد تجاری و افزایش نیاز به مواد اولیه بازیافتی نشان می‌دهد که بازار قراضه همچنان در حال تطبیق با شرایط جدید صنعت فولاد اروپا است. در این میان، دسترسی پایدار به قراضه، مدیریت هزینه‌های حمل‌ونقل و حفظ تعادل میان صادرات و تأمین نیاز داخلی، از عوامل تعیین‌کننده مسیر آینده این بازار خواهند بود.

نقش معدن‌کاری داخلی در آینده صنعتی و فناورانه امریکا را بررسی کرد؛

آینده صنعت امریکا زیر سایه مس



گروه معدن
editor@smtnews.ir

در رقابت جهانی بر سر مواد معدنی حیاتی، امریکا به‌دنبال بازگرداندن معدن‌کاری به قلب سیاست صنعتی خود است؛ مس، فلزی که زیرساخت‌های برق، خودروهای برقی، صنایع دفاعی و اقتصاد هوش مصنوعی به آن وابسته‌اند، حالا به یکی از محورهای این تلاش تبدیل شده است. در شبه‌جزیره بالایی میشیگان، پروژه کاپرووود قرار است بخشی از این نیاز را تأمین کند؛ اما مسیر تبدیل ذخایر زیرزمینی به ظرفیت تولید، با چالش‌هایی فراتر از زمین‌شناسی روبه‌روست. هزینه‌های سنگین سرمایه‌گذاری، ملاحظات زیست‌محیطی، مدیریت باطله، نگرانی جوامع محلی و رقابت با تولیدکنندگان جهانی، همگی آینده این پروژه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. صمت در این گزارش، چالش‌های تبدیل ذخایر مس امریکا به ظرفیت تولید و موانع پیش‌روی بازگشت معدن‌کاری به این کشور را بررسی می‌کند.

کاپرووود؛ آزمون دشوار بازگشت معدن‌کاری به امریکا

در کوه‌های دورافتاده میشیگان، مسی زیر جنگل‌ها خوابیده که امریکا برای آینده صنعتی خود به آن نیاز دارد. اما استخراج آن فقط مسئله معدن نیست؛ آزمونی برای سیاست صنعتی جدید امریکاست. کاپرووود نشان می‌دهد در عصر مواد معدنی حیاتی، داشتن ذخیره کافی نیست؛ سرمایه، محیط‌زیست، امنیت زنجیره تأمین و منطق بازار باید هم‌زمان کنار هم قرار گیرند.

در اعماق جنگل‌های میشیگان، مس نهفته است که امریکا به آن نیاز دارد؛ اما میان «داشتن معدن» و «ساختن معدن» شکافی به عمق اقتصاد، محیط‌زیست و سیاست صنعتی وجود دارد.

در شبه‌جزیره بالایی میشیگان، یا همان «یوپی»، جنگل‌ها از هر سو گسترده‌اند و زمستان گاهی تا ۹ متر برف بر زمین می‌نشاند. گرگ و گوزن شمالی در این منطقه پرسه می‌زنند و بیش از ۸۰ درصد خرس‌های میشیگان در همین پهنه زندگی می‌کنند؛ منطقه‌ای که کمتر از ۳ درصد جمعیت ایالت را در خود جای داده است. اما زیر این طبیعت دست‌نخورده، چیزی صنعتی‌تر پنهان است: مس.

یوپی در قرن نوزدهم با معدن‌کاری ساخته شد. نام شهرهایی مانند Copper Harbor و Ironwood هنوز یادگار همان دوران‌اند. پس از جنگ جهانی دوم، معادن هزاران نفر را به کار گرفتند. امروز اما سهم معدن بیشتر در موزه‌ها دیده می‌شود تا در اقتصاد. حالا مس دوباره بازگشته است؛ نه برای تلگراف‌های قرن نوزدهم، بلکه برای شبکه‌های برق، خودروهای برقی، تجهیزات نظامی و مراکز داده‌ای که اقتصاد هوش مصنوعی را تغذیه می‌کنند.

دولت امریکا در سال‌های اخیر کاهش وابستگی به واردات مواد معدنی حیاتی را به یکی از محورهای سیاست صنعتی خود تبدیل کرده است. مس در این میان جایگاه ویژه‌ای دارد. رشد تقاضا برای شبکه‌های برق و مراکز داده، هم‌زمان با محدودیت عرضه، قیمت مس را طی سه سال حدود ۶۰ درصد افزایش داده است. از این منظر، کاپرووود فقط یک معدن نیست؛ آزمونی است برای اینکه آیا «ساخت امریکا» می‌تواند از شعار به زنجیره تأمین واقعی تبدیل شود. اما معدن‌کاری با شعار ساخته نمی‌شود.

پروژه کاپرووود، متعلق به Highland Copper، یکی از پیشرفته‌ترین پروژه‌های مس امریکا است و بخش بزرگی از مجوزهای لازم را دریافت کرده است. بااین‌حال، سال‌هاست در آستانه ساخت مانده است. طبق برنامه فعلی، ساخت‌وساز زودتر از ۲۰۲۸ آغاز نمی‌شود و تولید نیز حدود ۲۰۳۰ شروع خواهد شد. همین فاصله، پارادوکس پروژه را آشکار می‌کند: امریکا به مس نیاز دارد، ذخیره وجود دارد، قیمت‌ها جذاب‌اند؛ اما معدن هنوز ساخته نشده است.

■ ۹۴ درصد باطله؛ هزینه پنهان استخراج

در محل پروژه، مایک فولی، مدیر سایت، زمینی را نشان می‌دهد که قرار است به یکی از بزرگ‌ترین تأسیسات ذخیره باطله معدن تبدیل شود. عیار سنگ معدن کاپرووود حدود ۱.۵ درصد مس است. پس از فرآوری، تنها بخش کوچکی از ماده استخراج‌شده به ذوب می‌رسد و حدود ۹۴ درصد باقی می‌ماند؛ حجمی که قرار است در تأسیساتی به وسعت حدود ۳۵۰ زمین فوتبال انباشته شود. مخالفان پروژه نگرانند که شکست سد باطله، اکوسیستم منطقه و دریاچه سوپریور را تهدید کند. این احتمال هرچند بسیار پایین است، اما در معدن‌کاری، ریسک‌های کوچک نیز می‌توانند پیامدهای بزرگی داشته باشند.

مسئله باطله در پروژه‌های معدنی جدید، تنها موضوعی فنی یا مربوط به طراحی تأسیسات نیست؛ بلکه به یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی هزینه‌های اقتصادی و زیست‌محیطی تبدیل شده است. هرچه عیار کانسنگ پایین‌تر باشد، برای تولید مقدار مشخصی فلز باید حجم بیشتری از سنگ استخراج و فرآوری شود. این موضوع به افزایش مصرف انرژی، آب، مواد شیمیایی و ظرفیت موردنیاز برای انباشت باطله منجر می‌شود. بنابراین، ارزیابی اقتصادی یک معدن نمی‌تواند صرفاً بر میزان ذخیره قابل استخراج یا قیمت محصول نهایی متمرکز باشد؛ هزینه مدیریت مواد باقی‌مانده نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از محاسبات پروژه است.

در کاپرووود، این مسئله اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا پروژه در منطقه‌ای قرار گرفته که ارزش طبیعی آن تنها به منابع معدنی محدود نمی‌شود. جنگل‌ها، زیستگاه‌های حیات‌وحش و ارتباط اکولوژیکی منطقه با دریاچه سوپریور، بخشی از سرمایه طبیعی این پهنه محسوب می‌شوند. به همین دلیل، مخالفان پروژه بر پیامدهای احتمالی استخراج و نحوه مدیریت باطله تأکید دارند. از سوی دیگر، طرفداران معدن معتقدند می‌توان با طراحی مهندسی، پایش مستمر و رعایت استانداردهای ایمنی، ریسک‌ها را کنترل کرد.

این اختلاف نشان می‌دهد که پذیرش اجتماعی یک پروژه معدنی به همان اندازه مجوزهای رسمی اهمیت دارد. حتی اگر یک معدن از نظر قانونی مجاز باشد، نبود اعتماد عمومی می‌تواند روند توسعه آن را طولانی کند، هزینه‌های اجرایی را افزایش دهد و سرمایه‌گذاران را با عدم قطعیت بیشتری مواجه سازد. در شرایطی که پروژه‌های معدنی برای تأمین مالی به افق بلندمدت نیاز دارند، ثبات اجتماعی و اعتماد به عملکرد زیست‌محیطی می‌تواند به یکی از عوامل تعیین‌کننده تصمیم سرمایه‌گذاری تبدیل شود.

بازگشت معدن؛ اشتغال کمتر، بهره‌وری بیشتر

معدن می‌تواند بخشی از اقتصاد ازدست‌رفته را بازگرداند؛ اما یک پرسش باقی می‌ماند: چند شغل؟ معدن‌کاری امروز بسیار بهره‌ورتر از گذشته است و به نیروی انسانی کمتری نیاز دارد. بازگشت معدن، الزاماً بازگشت اشتغال قرن بیستم نیست.

در گذشته، معادن مس یوپی به نیروی انسانی گسترده‌ای متکی بودند و فعالیت‌های استخراج، حمل‌ونقل و فرآوری، بخش مهمی از زندگی اقتصادی شهرهای اطراف را شکل می‌دادند. اما فناوری‌های جدید، تجهیزات خودکار، سامانه‌های کنترل از راه دور و روش‌های پیشرفته فرآوری، ساختار نیروی کار معدن را تغییر داده‌اند. معدن مدرن ممکن است با ظرفیت تولید بالا فعالیت کند، اما تعداد کارکنان مستقیم آن به‌مراتب کمتر از معادن تاریخی باشد.

با این حال، اشتغال مستقیم تنها بخشی از اثر اقتصادی یک پروژه معدنی است. توسعه معدن می‌تواند تقاضا برای خدمات مهندسی، پیمانکاری، حمل‌ونقل، تعمیر و نگهداری تجهیزات، خدمات آزمایشگاهی و تأمین کالاهای صنعتی را افزایش دهد. همچنین، فعالیت معدن به زیرساخت‌هایی مانند جاده، برق، ارتباطات و تأسیسات خدماتی نیاز دارد که در صورت طراحی مناسب، می‌توانند به سایر فعالیت‌های اقتصادی منطقه نیز کمک کنند.

در چنین شرایطی، پرسش اصلی برای جوامع محلی این است که آیا منافع اقتصادی معدن در طول عمر پروژه توزیع خواهد شد یا عمدتاً به دوره ساخت محدود می‌شود. پروژه‌های معدنی معمولاً در مرحله ساخت به نیروی انسانی بیشتری نیاز دارند؛ اما پس از آغاز تولید، سطح اشتغال تثبیت می‌شود. بنابراین، ارزیابی منافع اجتماعی باید علاوه بر تعداد فرصت‌های شغلی، به کیفیت مشاغل، دستمزدها، آموزش نیروی کار محلی و ظرفیت ایجاد کسب‌وکارهای مرتبط نیز توجه کند.

■ مسئله‌ای به نام اقتصاد

شاید بزرگ‌ترین مانع کاپرووود نه محیط‌زیست، بلکه اقتصاد پروژه باشد. عیار ۱.۵ درصدی مس، در مقایسه با معادنی در جمهوری دموکراتیک کنگو که عیار آنها می‌تواند به ۶ درصد یا بیشتر برسد، چندان بالا نیست. هزینه نیروی کار، ساخت‌وساز و زیرساخت در امریکا نیز بر هزینه نهایی می‌افزاید. اینجاست که سیاست صنعتی وارد محاسبات معدن می‌شود.

میشیگان برای زیرساخت پروژه به دنبال کمک ۵۰ میلیون دلاری بوده و Highland Copper امیدوار است وامی ۲۵۰ میلیون دلاری از بانک صادرات و واردات امریکا دریافت کند؛ حمایتی که می‌تواند بخش بزرگی از نیاز مالی پروژه را پوشش دهد. منطق سیاست صنعتی روشن است: اگر کشورها امنیت زنجیره تأمین مس را می‌خواهند، شاید ناچار باشند بخشی از هزینه تولید داخلی را نیز بپردازند. اما اینجا پرسش دشوارتری مطرح می‌شود: امنیت زنجیره تأمین، چه قیمتی دارد؟

سرمایه‌گذاری در معدن مس، برخلاف بسیاری از صنایع دیگر، به دوره‌ای طولانی برای آماده‌سازی و توسعه نیاز دارد. در این میان، حمایت دولتی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند. وام‌های تضمین‌شده، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های عمومی، قراردادهای خرید بلندمدت و مشوق‌های مالیاتی از جمله ابزارهایی هستند که می‌توانند ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش دهند. بااین‌حال، استفاده از این ابزارها مستلزم ارزیابی دقیق هزینه و منفعت عمومی است. حمایت از معدن داخلی زمانی می‌تواند به سیاستی پایدار تبدیل شود که علاوه بر ایجاد ظرفیت تولید، منافع آن در امنیت صنعتی، اشتغال، توسعه فناوری و کاهش آسیب‌پذیری زنجیره تأمین قابل سنجش باشد.

■ امنیت زنجیره تأمین؛ فراتر از مرزهای معدن

مسئله از کاپرووود بزرگ‌تر است. مطالعه آزمایشگاه ملی لارنس برکلی نشان می‌دهد تولید مس امریکا در صورت توسعه پروژه‌های جدید می‌تواند به بیش از ۲.۵ میلیون تن در سال برسد؛ رقمی تقریباً معادل حجم فعلی واردات کشور. به همین دلیل، کاپرووود را باید بخشی از رقابت تازه بر سر مواد معدنی حیاتی دانست؛ رقابتی که در آن معدن به حلقه‌ای از امنیت صنعتی، انرژی، فناوری و سیاست تجاری تبدیل شده است. بااین‌حال، بازار منتظر سیاستمداران نمی‌ماند.

مس یکی از مواد پایه اقتصاد صنعتی است و کاربرد آن به یک بخش خاص محدود نمی‌شود. شبکه‌های انتقال و توزیع برق، تجهیزات تولید انرژی، خودروهای برقی، سامانه‌های الکترونیکی، زیرساخت‌های ارتباطی و صنایع دفاعی همگی به این فلز وابسته‌اند. توسعه مراکز داده و زیرساخت‌های محاسباتی نیز به دلیل نیاز گسترده به برق و تجهیزات انتقال انرژی، تقاضای بیشتری برای مس ایجاد می‌کند. در نتیجه، افزایش مصرف این فلز می‌تواند به‌طور هم‌زمان در چند بخش اقتصادی رخ دهد و فشار بر بازار را افزایش دهد.

با وجود این، افزایش ظرفیت استخراج داخلی به‌تنهایی به معنای دستیابی به امنیت کامل زنجیره تأمین نیست. تولید مس مستلزم مجموعه‌ای از حلقه‌های به‌هم‌پیوسته است؛ از اکتشاف و استخراج گرفته تا خردایش، فرآوری، تولید کنسانتره، ذوب، پالایش و در نهایت عرضه محصول قابل استفاده برای صنایع پایین‌دستی. ضعف یا محدودیت در هر یک از این مراحل می‌تواند مانع تبدیل ذخایر معدنی به محصول صنعتی شود.

از این منظر، توسعه معدن کاپرووود باید در کنار سایر ظرفیت‌های فرآوری و پالایش امریکا بررسی شود. اگر تولید داخلی افزایش یابد، اما ظرفیت کافی برای تبدیل مواد استخراج‌شده به مس قابل استفاده در صنایع وجود نداشته باشد، بخشی از ارزش اقتصادی همچنان در خارج از کشور ایجاد خواهد شد. این موضوع نشان می‌دهد سیاست صنعتی مؤثر باید به کل زنجیره ارزش توجه کند، نه فقط به مرحله استخراج.

■ رقابت جهانی و محدودیت زمان

توسعه پروژه‌های معدنی در امریکا در شرایطی دنبال می‌شود که کشورهای دیگر نیز برای افزایش ظرفیت تولید و جذب سرمایه رقابت می‌کنند. پروژه‌های جدید در امریکای لاتین، آفریقا و سایر مناطق معدنی جهان می‌توانند در آینده عرضه مس را افزایش دهند. در صورت ورود هم‌زمان این ظرفیت‌ها به بازار، فشار بر قیمت‌ها ممکن است کاهش یابد و پروژه‌هایی که هزینه تولید بالاتری دارند، با چالش بیشتری مواجه شوند.

از سوی دیگر، رشد تقاضای جهانی برای مس لزوماً به معنای افزایش دائمی قیمت نیست. چرخه‌های اقتصادی، تغییرات فناوری، بهبود بهره‌وری مصرف مس، جایگزینی برخی مواد و توسعه بازیافت می‌توانند بر میزان تقاضا اثر بگذارند. بنابراین، تصمیم‌گیری درباره توسعه معدن باید بر پایه سناریوهای مختلف بازار انجام شود، نه صرفاً بر مبنای تداوم قیمت‌های بالا.

برای کاپرووود، زمان‌بندی پروژه اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر ساخت‌وساز از ۲۰۲۸ آغاز شود و تولید حدود ۲۰۳۰ به مرحله بهره‌برداری برسد، این معدن در دوره‌ای وارد بازار خواهد شد که شرایط عرضه و تقاضا ممکن است با وضعیت فعلی تفاوت داشته باشد. به همین دلیل، سرعت توسعه پروژه در کنار کنترل هزینه‌ها و حفظ استانداردهای زیست‌محیطی، می‌تواند بر رقابت‌پذیری آن اثر بگذارد.

■ معدن‌کاری مدرن؛ موازنه میان توسعه و حفاظت

در کوه‌های پورکوپاین، مس هنوز زیر خاک است. چالش واقعی اما یافتن آن نیست؛ ساختن اقتصادی است که استخراجش را توجیه کند. کاپرووود در نهایت یک حقیقت ساده اما مهم را نشان می‌دهد: برای ساختن معدن، داشتن ذخیره کافی نیست؛ مجوز، سرمایه، زیرساخت، فناوری، قیمت جهانی و پذیرش اجتماعی باید هم‌زمان کنار هم قرار گیرند.

این پروژه همچنین نشان می‌دهد که سیاست صنعتی جدید امریکا با مجموعه‌ای از تناقض‌ها روبه‌روست. دولت می‌خواهد وابستگی به واردات را کاهش دهد و تولید داخلی را تقویت کند؛ اما توسعه معدن در داخل کشور با هزینه‌های بالاتر، الزامات زیست‌محیطی سخت‌گیرانه‌تر و حساسیت بیشتر جوامع محلی همراه است. این تفاوت‌ها را نمی‌توان صرفاً با تأکید بر اهمیت راهبردی مس نادیده گرفت.

در چنین شرایطی، موفقیت کاپرووود تنها به استخراج فلز و فروش آن وابسته نخواهد بود. نحوه مدیریت باطله، حفاظت از منابع آب، کنترل اثرات زیست‌محیطی، ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای جوامع محلی و شفافیت در ارزیابی ریسک‌ها نیز بخشی از معیارهای موفقیت پروژه خواهند بود. معدن‌کاری در قرن بیست‌ویکم، بیش از گذشته، به توانایی ایجاد موازنه میان منافع صنعتی و مسئولیت‌های اجتماعی و محیط‌زیستی وابسته است.

اگر کاپرووود بتواند از مرحله برنامه‌ریزی به تولید برسد، تجربه آن می‌تواند برای سایر پروژه‌های معدنی امریکا نیز اهمیت داشته باشد. این تجربه نشان خواهد داد که سیاست‌های حمایتی تا چه اندازه می‌توانند فاصله میان ذخیره زمین‌شناسی و ظرفیت واقعی تولید را کاهش دهند و آیا تولید داخلی در شرایط رقابت جهانی امکان حفظ پایداری اقتصادی را دارد.

در نهایت، مسئله اصلی نه صرفاً بازگشت مس به میشیگان، بلکه بازتعریف رابطه میان منابع طبیعی و اقتصاد صنعتی امریکا است. ذخایر معدنی می‌توانند بخشی از امنیت اقتصادی و فناوری کشور را تقویت کنند؛ اما تنها زمانی که توسعه آنها با برنامه‌ریزی بلندمدت، سرمایه‌گذاری هدفمند، فناوری مناسب و اعتماد عمومی همراه باشد. کاپرووود هنوز در مرحله‌ای قرار دارد که نتیجه آن قطعی نیست؛ اما همین مسیر توسعه، تصویری روشن از دشواری تبدیل منابع زیرزمینی به مزیت صنعتی پایدار ارائه می‌دهد.

سخن پایانی

در نهایت، پروژه کاپرووود را باید فراتر از یک طرح معدنی در میشیگان ارزیابی کرد؛ این پروژه آزمونی برای سنجش توانایی امریکا در تبدیل منابع طبیعی به مزیت صنعتی پایدار است.

افزایش تقاضای مس و ضرورت کاهش وابستگی به واردات، اهمیت توسعه معادن داخلی را دوچندان کرده است، اما دستیابی به این هدف بدون سرمایه‌گذاری بلندمدت، زیرساخت مناسب، مدیریت مسئولانه باطله و جلب اعتماد جوامع محلی امکان‌پذیر نخواهد بود. کاپرووود نشان می‌دهد که در رقابت بر سر مواد معدنی حیاتی، برخورداری از ذخایر تنها نقطه آغاز است و موفقیت واقعی زمانی رقم می‌خورد که اقتصاد، فناوری، محیط‌زیست و امنیت زنجیره تأمین در مسیری مشترک قرار گیرند.

صادرکننده میان دو لبه قیچی تعهد ارزی و توقف سامانه تجارت

سراب تنظیم‌گری با فیلترهای سامانه‌ای



کیمیا ملکی: **سیاست‌گذار پولی سال‌هاست که بازگشت ارز حاصل از صادرات را رکن اصلی ثبات‌بخشی به تراز پرداخت‌ها و استمرار جریان بازرگانی خارجی می‌داند. در این میان، الگوی واردات در برابر صادرات خود همواره به‌عنوان کارآمدترین کانال خوداتکایی ارزی و راهکاری برای مصون‌سازی بنگاه‌ها از صف‌های طولانی تالارهای ارزی معرفی شده است؛ مسیری که در آن صادرکننده با اتکا به منابع ارزی اختصاصی خود، اقدام به تأمین نیازهای وارداتی می‌کند. با این حال، کالبدشکافی لایه‌های اجرایی تجارت خارجی حاکی از آن است که خلق ارز صادراتی، الزاماً به معنای رفع موانع وارداتی نیست. فعالان اقتصادی در عمل با زنجیره‌ای از سدهای پیشین از جمله نظام سهمیه‌بندی ثبت‌سفارش در سامانه جامع تجارت، محدودیت‌های انضباطی کارت‌های بازرگانی نوپا و اولویت‌بندی‌های تعرفه‌ای مواجه‌اند؛ گلوگاه‌هایی که با ایجاد اصطکاک اداری و انجماد منابع، مفهوم سیالیت منابع ارزی را در بخش واقعی اقتصاد به چالش کشیده‌اند.**

گسست ساختاری میان تولیت پولی و کنترل‌های مقداری

مسئله بنیادین در فرآیند تجارت خارجی کشور، تفکیک میان حق بهره‌برداری از منابع ارزی و مجوز مقداری ورود کالا است. از منظر سیاست‌گذار پولی، صادرکننده‌ای که به تکالیف بازگشت ارز در مهلت‌های قانونی عمل می‌کند، واجد شرایط استفاده از روش‌های مصرح در آیین‌نامه اجرایی بازگشت ارز از جمله تهاتر و واردات در قبال صادرات است. در نقطه مقابل اما سیاست‌گذار صنعتی و تجاری با اعمال قواعد کنترل سهمیه، واردات را نه بر پایه دسترسی آزاد به ارز، بلکه بر مبنای توان ترخیص تاریخی، اولویت‌های کد تعرفه و سقف اعتباری کارت‌های بازرگانی تنظیم می‌کند.

نتیجه این نگاه دوگانه، شکل‌گیری یک پارادوکس تجاری است: ارز در اختیار فعال اقتصادی قرار دارد و بدون تحمیل تقاضا به منابع تحت مدیریت بانک مرکزی یا صف‌های تخصیص نیما و مرکز مبادله آماده تزریق به چرخه واردات است، اما به دلیل انسداد درگاه ثبت‌سفارش، امکان استفاده از آن سلب می‌شود. این گسست نهادی سبب شده بنگاه از هر دو سمت متضرر شود؛ از یک سو با سررسید مهلت‌های رفع تعهد ارزی و ریسک اعمال محدودیت‌های انضباطی سامانه مواجه است و از سوی دیگر، به علت ناتوانی در ثبت درخواست کالایی، جریان زنجیره تأمین و سرمایه در گردش آن قفل می‌شود.

اولویت‌بندی تعرفه‌ای و مخاطرات خطوط تولید

چالش دیگر صادرکنندگان، دایره محدود کالاهای مجاز در روش‌های خودتأمینی است. بازنگری‌های پیاپی در گروه‌بندی‌های ارزی و تقسیم‌بندی کد تعرفه‌ها به دسته‌های چهارگانه اولویت، تعیین می‌کند که هر کالا از چه محلی امکان تأمین ارز دارد. در مواردی حتی اگر فعال اقتصادی سهمیه مقداری داشته باشد، برای ثبت سفارش برخی اقلام صنعتی یا مصرفی، با پیام خطای عدم انطباق محل تأمین ارز با اولویت تعرفه مواجه می‌شود.

پیامد عینی این محدودیت‌ها مستقیماً خطوط تولید را نشانه می‌رود. بسیاری از واحدهای صادراتی برای استمرار عملیات کارگاهی نیازمند واردات پیوسته قطعات یدکی، مواد شیمیایی خاص یا نهاده‌های مصرفی هستند. هنگامی که ورود این اقلام به دلایلی نظیر عدم تناسب تعرفه با سهمیه کارت با تأخیر یا ابطال مواجه می‌شود، نه‌تنها جریان عادی صادرات پیش‌رو آسیب می‌بیند، بلکه نرخ بهره‌برداری از ظرفیت اسمی کارخانه‌ها کاهش می‌یابد. اختلال در زنجیره تأمین یک ماده اولیه اساسی در کارگاه، به معنی توقف فرآوری و از دست رفتن تدریجی بازارهای مقصدی است که تصاحب آن‌ها مستلزم صرف سال‌ها هزینه بازاریابی بوده است.

افق پیش‌رو و ضرورت بازآرایی سازوکارهای رگولاتوری

کاهش شکاف میان منابع ارزی و ظرفیت اجرایی واردات نیازمند همگرایی سیاستی میان بانک مرکزی و وزارت صمت است. اگر هدف کلان اقتصادی تسهیل واردات نهاده‌ها و کالاهای موردنیاز تولید بدون اعمال فشار بر ذخایر بانک مرکزی است، سهمیه واردات در مقابل صادرات خود باید ماهیتی مجزا و خودتنظیم پیدا کند.

برای نیل به این هدف، اجرای چند گام سیاستی ناگزیر است:ایجاد مسیر سبز ثبت‌سفارش بر پایه اعتبار صادراتی: بنگاه‌هایی که ارزآوری آن‌ها از طریق سامانه‌های گمرکی اثبات شده، باید بتوانند بدون سد سابقه گذشته یا فرمول‌های سخت‌گیرانه سنواتی، معادل درصد مشخصی از ارز تحققی خود ثبت‌سفارش کنند.

تفکیک کامل سهمیه خودتأمینی از صف‌های دولتی: کنترل‌های مقداری سهمیه نباید همانند واردکنندگانی که متقاضی ارز نیمایی یا بانکی هستند، روی منابع ارزی بخش خصوصی اعمال شود.

پاسخ‌گویی شفاف و ماشینی سامانه‌ها: اعلام دقیق و برخط علت رد درخواست‌ها اعم از عدم تطابق کد ISIC، نقص حوزه سهمیه یا ناهماهنگی تعرفه‌ای همراه با مهلت موقت برای رفع ابهام بدون سرایت انضباطی به فرآیند تعهد ارزی.

معادله دشوار کارت‌های بازرگانی نوپا

نظام مدیریت سهمیه ارزی در سامانه جامع تجارت، بخش عمده‌ای از مجازهای وارداتی را به میانگین عملکرد ترخیص بنگاه در سال‌های ماقبل گره زده است؛ الگویی که در اصطلاح مقرراتی به قواعد سهمیه‌بندی بازرگانی و تولیدی موسوم است. این سازوکار اگرچه با هدف مهار تقاضاهای نامولد و جلوگیری از سوءاستفاده‌های سامانه‌ای تدوین شده، اما در عمل مانعی جدی پیش پای بنگاه‌های تازه‌تأسیس یا صادرکنندگانی است که به تازگی کارت بازرگانی دریافت کرده‌اند.

برای کارت‌های سال اولی یا فاقد سابقه، سقف‌های عددی محدودی در نظر گرفته می‌شود که تناسبی با حجم ارزی صادرات بنگاه ندارد. زمانی که یک واحد موفق به صدور میلیون‌ها دلار کالا و خدمات می‌شود، به استناد قواعد سابقه نمی‌تواند سهمیه وارداتی معادل با درآمد ارزی خود دریافت کند. طراحی سهمیه‌های موسوم به «صادرات خود-مازاد» نیز با توجه به شروط پیچیده، محدودیت در پوشش فصول تعرفه‌ای و وابستگی به وب‌سرویس‌های برخط میان چند نهاد، نتوانسته انعطاف لازم را برای جذب سریع منابع بازگشتی فراهم کند. بدین ترتیب، سرمایه تجاری واردکننده عملاً در تله فقدان سابقه متوقف می‌ماند.

انجماد سرمایه، هزینه‌های لجستیک و تباهی بهره‌وری

فرآیند طولانی بررسی، ارجاعات متوالی اداری و توقف محموله‌ها در مبادی ورودی و گمرکات، هزینه‌های مبادله را در اقتصاد کلان تشدید می‌کند. اگر کالایی پیش از تأیید نهایی ثبت‌سفارش یا به امید حل سریع مسائل اداری خریداری و به مرزهای ورودی حمل شود، تا زمان رفع مشکل سهمیه با ریسک متروکه شدن و هزینه‌های گزاف دموراژ و انبارداری روبه‌رو می‌شود. این انجماد دارایی‌ها بر جریان وجوه نقد بنگاه سایه می‌اندازد. در شرایط تورمی، حبس سرمایه در کالاهای متوقف‌شده در بنادر و گمرکات، افت شدید ارزش زمانی پول را به بار می‌آورد. علاوه‌بر این، زنجیره لجستیک نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ توقف کشنده‌ها و کانتینرها در پایانه‌های گمرکی یا خاک کشورهای همسایه به دلیل مسدودی مسیرهای سیستمی ترخیص، بهای خدمات ترانزیت را افزایش داده و ریسک طرف‌های تجاری را برای همکاری با ناوگان داخلی بالا می‌برد. تمام این موارد، هزینه‌های سرباری هستند که بدون ایجاد کمترین ارزش افزوده، قیمت تمام‌شده کالاهای واسطه‌ای و صادراتی را افزایش می‌دهند.

از تعلیق کارت تا خروج فعالان شناسنامه‌دار

پیچیدگی دیگر این چرخه، سازوکار قهری رفع تعهد ارزی است. مطابق ضوابط ابلاغی، بنگاه‌هایی که نسبت بازگشت ارز آن‌ها در سامانه به زیر نصاب‌های معین افت کند، ابتدا با هشدار پیامکی مواجه شده و در صورت عدم تسویه، کارت بازرگانی آن‌ها به حالت غیرفعال درمی‌آید. تعلیق کارت بازرگانی نقطه آغاز سلسله‌ای از محدودیت‌های سیستمی دیگر است: عدم امکان ترخیص بارهای پیشین، سلب حق درخواست ثبت سفارش جدید و از دست رفتن رتبه اعتباری. در چنین ساختاری، چنانچه صادرکننده به دلیل قفل‌بودن سهمیه وارداتی نتواند ارز خود را طبق برنامه زمان‌بندی به کالا تبدیل و اظهار گمرکی کند، خودبه‌خود در آستانه ورود به فهرست بدهکاران ارزی قرار می‌گیرد. این وضعیت فعالان اقتصادی شناسنامه‌دار را به سمتی سوق می‌دهد که به جای بهره‌برداری مستقیم و شفاف از ارز، به فروش امتیاز کوتاژ یا واگذاری حواله‌ها به واسطه‌ها متوسل شوند؛ پدیده‌ای که برخلاف اهداف اولیه سیاست‌گذار، بسترساز غیرشفاف شدن معاملات و افزایش تقاضا در بازارهای غیررسمی است.

چندصدایی پشت فرمان تجارت

محمد غفرالهی، رئیس انجمن شرکت‌های مدیریت صادرات ایران با اشاره به ورود نهادهای مختلف به حوزه سیاست‌گذاری تجاری به صمت گفت: یکی از مشکلات اساسی در حوزه صادرات، ورود نهادهایی به عرصه سیاست‌گذاری تجارت است که مأموریت اصلی آنها در این حوزه تعریف نشده است.

وی توضیح داد: از زمانی که بانک مرکزی به‌جای تمرکز بر سیاست‌های پولی و ارزی، در زمینه ضوابط ارزی و فرآیندهای تجاری نیز وارد سیاست‌گذاری شد، تناقض‌هایی در تصمیم‌گیری‌ها به وجود آمد که نتیجه آن کند شدن فرآیندها و افزایش تصمیم‌گیری‌های متعدد و بعضا غیرکارشناسی بوده است.

او با اشاره به ناهماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی افزود: در سیاست‌گذاری تجاری نیز میان وزارت جهاد کشاورزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت رویه‌های متفاوتی وجود دارد و گاهی تصمیم‌های این دستگاه‌ها با یکدیگر همخوانی ندارند.

این وضعیت در کنار تعدد مراکز تصمیم‌گیری، فعالان اقتصادی را با ابهام در اجرای مقررات و تغییر مکرر رویه‌ها مواجه می‌کند.

غفرالهی مشکلات سامانه‌ای و اختلال در ارتباط میان سامانه‌های دستگاه‌های مختلف را از دیگر موانع فعالیت تجاری دانست و گفت: سامانه جامع تجارت قرار است بستر تجمیع اطلاعات و داده‌های تجاری باشد، اما اختلال در عملکرد آن یا قطع ارتباط با سامانه‌های دیگر می‌تواند فرآیندهای تجاری را متوقف یا با تأخیر مواجه کند.

رئیس انجمن شرکت‌های مدیریت صادرات ایران در تشریح راهکار کاهش تداخل وظایف دستگاه‌ها تأکید کرد: هر نهادی باید مسئولیت مشخص خود را بر عهده بگیرد و در قبال همان مسئولیت نیز پاسخگو باشد.

برای مثال، وزارت صنعت، معدن و تجارت متولی حوزه تولید و تجارت است و تولیدکنندگان و تجار کشور نیز در چارچوب سیاست‌های این وزارتخانه فعالیت می‌کنند.

بنابراین، تصمیم‌گیری درباره صادرات، واردات، نوع کالاهای وارداتی، شیوه واردات و اشخاص واجد صلاحیت برای انجام این فعالیت‌ها باید در همین وزارتخانه متمرکز باشد.

او با انتقاد از ورود دستگاه‌های مختلف به فرآیند سیاست‌گذاری تجاری از طریق کارگروه‌ها، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها افزود: اینکه نهادهای دیگر با استفاده از اختیارات خود در کارگروه‌های مختلف، از طریق قانون‌گذاری، تدوین آیین‌نامه یا صدور بخشنامه وارد زنجیره تجارت شوند و در فرآیندهای آن اختلال ایجاد کنند، باعث می‌شود فعال اقتصادی نه تکلیف خود را به‌درستی بداند و نه در زمان بروز مشکل، مرجع مشخصی برای پاسخگویی وجود داشته باشد.



رئیس انجمن شرکت‌های مدیریت صادرات ایران در پایان تأکید کرد: مشخص نبودن حدود اختیارات و مسئولیت دستگاه‌ها، هم فرآیند تصمیم‌گیری را مختل می‌کند و هم پاسخگویی را از میان می‌برد.

از این منظر، کاهش تداخل نهادی در تجارت خارجی مستلزم تعیین مرجع مشخص سیاست‌گذاری، تفکیک مسئولیت دستگاه‌ها و پاسخگو بودن نهاد متولی در قبال تصمیم‌ها و پیامدهای اجرایی آنهاست.

سخن پایانی

تحقق جهش در صادرات غیرنفتی بدون فراهم‌سازی زیرساخت‌های پایدار برای گردش آزاد منابع ارزی امکان‌پذیر نخواهد بود. اتخاذ سیاست‌های انقباضی و اعمال فیلترهای لایه‌درلایه در سامانه جامع تجارت اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت کنترل‌های صوری بر تراز تجاری را نشان دهد، اما در عمل هزینه تجارت شناسنامه‌دار را به شکلی نامتعارف بالا برده است. وقتی صادرکننده واقعی پس از بازگرداندن منابع به کشور، در خط پیچیده سهمیه‌بندی، اولویت‌بندی تعرفه و مقررات سابقه سنواتی گرفتار می‌شود، انگیزه شفافیت در زنجیره تولید و توزیع رنگ می‌بازد. تداوم پویایی بخش واقعی اقتصاد مستلزم آن است که مرز میان انضباط مالی و ایستایی تجاری به درستی ترسیم شود؛ بازنگری بنیادین در مقررات واردات با ارز اشخاص و اعطای استقلال عملیاتی به سهمیه‌های صادرات‌محور، پیش‌شرط حیاتی بازگرداندن ثبات، اعتماد و پیش‌بینی‌پذیری به فعالان عرصه تجارت خارجی کشور است.

درخواست افزایش ۵۵ درصدی قیمت هم‌زمان با سقوط تیراژ ۷ ماهه ایران‌خودرو

پارادوکس قیمت و تیراژ در جاده مخصوص!



شروین اشیدری: **بازار خودرو بار دیگر با خبری درباره افزایش قیمت کارخانه‌ای روبه‌رو شده است؛ این بار در شرایطی که فاصله قیمت بازار و نمایندگی برخی محصولات ایران‌خودرو از دو میلیارد تومان گذشته و تولید شرکت نیز نسبت به پارسال کاهش یافته است. بر اساس جدول قیمت شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۵، پژو ۲۰۷ اتوماتیک پانوراما در بازار ۴ میلیارد و ۵۵۰ میلیون تومان و در نمایندگی دو میلیارد و ۲۲۶ میلیون تومان قیمت دارد؛ شکافی که به‌تنهایی از بهای نمایندگی خودرو بیشتر است. هم‌زمان، گزارش‌هایی از درخواست افزایش ۵۵درصدی قیمت محصولات ایران‌خودرو منتشر شده، اما تایید رسمی این درخواست گزارش نشده است. موضوع فقط موافقت یا مخالفت با یک عدد نیست. پرسش اقتصادی این است که در بازاری با عرضه محدود، هزینه‌های رو به رشد و قدرت خرید فرسوده، افزایش قیمت کارخانه چه سهمی از شکاف موجود را کم می‌کند، چه اثری بر تولید می‌گذارد و چه تضمینی وجود دارد که مصرف‌کننده در برابر پرداخت بیشتر، خودروی بیشتر و بهتری دریافت کند.**

۵۵ درصد؛ درخواست است، نه مصوبه

خبر افزایش ۵۵درصدی باید از قیمت‌های فعلی جدا خوانده شود. گزارش منتشرشده درباره درخواست ایران‌خودرو تصریح می‌کند که فهرست محصولات مشمول، مبنای محاسبه و موافقت نهایی مراجع مسئول اعلام نشده است. بنابراین، نوشتن اینکه خودروها ۵۵ درصد گران شدند در وضعیت فعلی دقیق نیست. آنچه می‌توان بررسی کرد، اثر فرضی پذیرش کامل این درخواست بر قیمت‌های درج‌شده در جدول امروز است؛ فرضی که الزاما با تصمیم نهایی یا قیمت قابل پرداخت مصرف‌کننده یکسان نخواهد بود.

برای نمونه، اگر افزایش ۵۵درصدی بدون تغییر در سایر شرایط بر نرخ نمایندگی پژو ۲۰۷ اتوماتیک پانوراما اعمال شود، حاصل محاسبه حدود سه میلیارد و ۴۵۰ میلیون تومان خواهد بود. این رقم هنوز نزدیک به یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان کمتر از قیمت اعلامی امروز بازار است. چنین محاسبه‌ای نشان می‌دهد حتی یک افزایش بزرگ کارخانه‌ای هم ممکن است شکاف را از میان نبرد. در سوی مقابل، هزینه خرید رسمی برای مصرف‌کننده‌ای که موفق به تهیه خودرو می‌شود، به‌شدت بالا می‌رود. نتیجه نهایی به واکنش عرضه و تقاضا بستگی دارد؛ نمی‌توان فرض کرد قیمت بازار در برابر تغییر نرخ کارخانه ثابت می‌ماند.

درآمد بیشتر، سود بیشتر نیست

گزارش فروش هفت‌ماهه ایران‌خودرو سوی دیگر معادله را نشان می‌دهد. طبق ارقام گزارش فعالیت شرکت، درآمد فروش تجمیعی تا پایان مهر ۱۴۰۵ حدود ۳۸۹ هزار میلیارد تومان بوده و در مقایسه با دوره مشابه سال قبل نزدیک به ۵۰ درصد رشد اسمی داشته است. کنار هم قرار گرفتن این رقم با کاهش ۲۴.۲درصدی تولید، پرسش مهمی درباره اثر تغییر قیمت‌ها، ترکیب محصولات و سایر اقلام فروش بر درآمد شرکت ایجاد می‌کند. اما از این دو عدد نمی‌توان به‌تنهایی نتیجه گرفت که سود خالص شرکت نیز ۵۰ درصد افزایش یافته است.

درآمد فروش پیش از کسر بهای مواد، دستمزد، سربار، هزینه‌های مالی و دیگر هزینه‌ها ثبت می‌شود. افزون بر آن، افزایش اسمی درآمد در محیط تورمی لزوما به معنای رشد واقعی فعالیت اقتصادی نیست. از سوی دیگر، تقسیم کل درآمد گزارش‌شده بر تعداد خودروهای تولیدی نیز راه قابل اتکایی برای محاسبه متوسط قیمت هر خودرو نیست؛ دامنه اقلام فروش و زمان ثبت فروش الزاما با آمار تولید یکسان نیست. برای قضاوت درباره توان مالی خودروساز، باید صورت‌های مالی، حاشیه سود، بدهی‌ها و نرخ فروش مدل‌های همسان در دوره‌های قابل مقایسه بررسی شوند. افزایش درآمد، پرسش درباره ضرورت گرانی تازه را جدی‌تر می‌کند، اما به‌خودی‌خود پاسخ آن نیست.

واگذاری مدیریت و آزمون کیفیت

واگذاری مدیریت ایران‌خودرو به بخش خصوصی، مسئله پاسخ‌گویی را نیز برجسته کرده است. خصوصی‌شدن مدیریت، به‌خودی‌خود نه افزایش تولید را تضمین می‌کند و نه رقابت را به بازاری وارد می‌کند که انتخاب خریدار در آن محدود است. نتیجه این تغییر باید در شاخص‌های قابل سنجش دیده شود: تیراژ، هزینه تولید، کیفیت تحویل، خدمات پس از فروش و توان عرضه محصولی که با قیمت خود رقابت کند. افت تولید هفت‌ماهه نشان می‌دهد دست‌کم در شاخص تیراژ، کارنامه امسال نیازمند توضیح جدی است.

درباره کیفیت، با این حال، تعبیر مطلق هیچ بهبودی رخ نداده با اطلاعات منتشرشده سازگار نیست. گزارشی که به ارزیابی شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران استناد می‌کند، از بهبود برخی شاخص‌های ایران‌خودرو در سال ۱۴۰۴ خبر داده و رضایت از کیفیت اولیه محصول در سه ماه نخست مالکیت را ۷۳.۵ درصد اعلام کرده است. این داده نه همه انتقادهای مصرف‌کنندگان را رد می‌کند و نه به‌تنهایی ثابت می‌کند کیفیت تمام محصولات متناسب با افزایش قیمت رشد کرده است. معیارهای کوتاه‌مدت رضایت باید در کنار دوام بلندمدت، هزینه نگهداری، ایمنی و تجربه خدمات بررسی شوند. نقد دقیق، مطالبه انتشار منظم و قابل مقایسه همین شاخص‌هاست، نه نادیده‌گرفتن داده‌ای که با فرض اولیه گزارش همخوانی ندارد.

شکاف میلیاردی

جدول قیمت روز، تصویری از مسئله‌ای ارائه می‌دهد که میان بحث‌های کلی درباره گرانی خودرو گم می‌شود.

پژو ۲۰۷ اتوماتیک پانوراما با قیمت نمایندگی دو میلیارد و ۲۲۶ میلیون تومان، در بازار چهار میلیارد و ۵۵۰ میلیون تومان اعلام شده است. اختلاف دو نرخ، دو میلیارد و ۳۲۴ میلیون تومان، معادل حدود ۱۰۴.۴ درصد قیمت نمایندگی است. برای پژو ۲۰۷ اتوماتیک معمولی نیز فاصله دو میلیارد و ۱۸۸ میلیون تومانی ثبت شده؛ یعنی قیمت اعلامی بازار تقریباً دو برابر نرخ نمایندگی است.

این ارقام محاسبه‌ای از جدول قیمت‌اند، نه برآورد سود خودروساز یا واسطه‌ها.

در مدل‌های دیگر، شدت شکاف یکسان نیست. دنا پلاس اتوماتیک با قیمت نمایندگی دو میلیارد و ۶۱۱ میلیون تومان و قیمت بازار چهار میلیارد و ۵۸۰ میلیون تومان، یک میلیارد و ۹۶۹ میلیون تومان فاصله دارد؛ رقمی معادل حدود ۷۵.۴ درصد نرخ نمایندگی. فاصله تارا دستی V1 حدود یک میلیارد و ۲۴۶ میلیون تومان، معادل ۶۰.۴ درصد است. در مقابل، اختلاف قیمت وانت آریسان حدود ۲۱۳ میلیون تومان، یا ۱۰.۵ درصد قیمت نمایندگی، اعلام شده است. همین تفاوت‌ها نشان می‌دهد نمی‌توان با یک درصد ثابت، وضعیت همه محصولات را توضیح داد. مطلوبیت هر مدل، میزان عرضه، شرایط فروش و انتظار خریداران در شکل‌گیری قیمت بازار نقش دارند.

با این حال، باید درباره معنای این ارقام دقیق بود. قیمت‌های روزانه بازار لزوما نرخ قطعی همه معاملات نیستند و اختلاف دو نرخ نیز به‌طور خودکار به حساب تولیدکننده واریز نمی‌شود. در عین حال، وجود شکاف بزرگ نشانه‌ای است که سازوکار عرضه رسمی و دسترسی مصرف‌کننده به خودرو، پاسخ روشنی برای تقاضای موجود فراهم نکرده است. اگر هدف قیمت‌گذاری، حمایت از خریدار نهایی باشد، باید نشان داد چه تعداد از خریداران واقعی امکان خرید با نرخ نمایندگی را پیدا می‌کنند و هزینه انتظار و عدم‌قطعیت برای دیگران چقدر است.

تولیدی که پشت قیمت نایستاده است

در ارزیابی هر درخواست افزایش قیمت، کارنامه تولید نقطه شروع مهمی است. بر پایه گزارش فعالیت ماهانه ایران‌خودرو، این شرکت از ابتدای فروردین تا پایان مهر ۱۴۰۵، ۲۴۴ هزار و ۷۹۲ دستگاه خودرو تولید کرده است؛ در دوره مشابه سال قبل، تولید ۳۲۳ هزار و ۸۵ دستگاه بود. به بیان دیگر، تیراژ هفت‌ماهه ۷۸ هزار و ۲۹۳ دستگاه، معادل ۲۴.۲ درصد کاهش یافته است. تولید مهر نیز با ثبت ۴۰ هزار و ۱۴۵ دستگاه، حدود ۴.۳ درصد کمتر از شهریور گزارش شده است. این ارقام با ادعای رشد تولید در دوره مورد بررسی سازگار نیستند.

البته افت تیراژ، به‌تنهایی علت خود را توضیح نمی‌دهد. محدودیت تامین قطعه، نقدینگی، اختلال زنجیره تأمین، ترکیب محصولات و تصمیم‌های مدیریتی هرکدام می‌توانند موثر باشند. نسبت‌دادن تمام کاهش تولید به یک عامل، بدون انتشار اطلاعات تفصیلی، داوری شتاب‌زده است. اما همین محدودیت در نتیجه‌گیری، مسئولیت شرکت را کمتر نمی‌کند. وقتی بنگاه افزایش قیمت می‌خواهد، انتظار می‌رود هم‌زمان توضیح دهد چه سهمی از افت تولید ناشی از عوامل خارج از اختیارش بوده، برای بازگشت تیراژ چه برنامه‌ای دارد و منابع حاصل از نرخ‌های جدید چگونه به تولید قابل تحویل تبدیل خواهد شد.

اهمیت این پرسش در بازار کم‌عرضه بیشتر است. اگر قیمت کارخانه افزایش یابد اما تعداد خودروهای قابل عرضه تغییر محسوسی نکند، بخشی از فشار تقاضا همچنان در بازار باقی می‌ماند. در چنین وضعی، سیاست‌گذار نمی‌تواند صرفا با اتکا به کوچک‌شدن اختلاف حسابی دو قیمت، از بهبود وضعیت مصرف‌کننده سخن بگوید. معیار اصلی، دسترسی واقعی به خودرو در زمان قابل پیش‌بینی است.

هزینه تولید؛ واقعیتی که نباید حذف شود

در طرف مقابل، تحلیل اقتصادی نمی‌تواند افزایش هزینه تولید را نادیده بگیرد. خودروساز به مواد اولیه، قطعات، خدمات حمل‌ونقل و سرمایه در گردش وابسته است؛ تغییر قیمت هرکدام می‌تواند بهای تمام‌شده را بالا ببرد. داده‌های منتشرشده از شاخص قیمت تولیدکننده نیز از فشار تورمی بر فعالیت‌های صنعتی حکایت دارند. بنابراین، این گزاره که هر درخواست تعدیل قیمت، صرف‌نظر از شرایط هزینه‌ای، فاقد مبنای اقتصادی است، به اندازه تأیید بی‌قیدوشرط آن نادقیق خواهد بود.

اما رشد هزینه‌ها، مجوز خودکار برای هر میزان افزایش قیمت نیست. صورت‌مسئله دقیق‌تر این است: کدام هزینه، برای کدام خودرو، در چه دوره‌ای و به چه میزان تغییر کرده است؟ چه بخشی از افزایش بهای تمام‌شده به عوامل بیرونی مربوط می‌شود و چه بخشی را می‌توان با کاهش ضایعات، بهبود خرید قطعه یا افزایش بهره‌وری مهار کرد؟ بدون انتشار پاسخ قابل رسیدگی به این پرسش‌ها، نه مصرف‌کننده می‌تواند درباره منصفانه‌بودن نرخ تازه قضاوت کند و نه تولیدکننده می‌تواند انتظار داشته باشد درخواستش صرفا با ارجاع کلی به تورم پذیرفته شود.

تنظیم‌گر در برابر ساعت تصمیم‌گیری

نقش دولت و نهاد تنظیم‌گر نیز باید بر اساس اختیار و تصمیم مشخص سنجیده شود، نه صرفا بر پایه برداشت از روند بازار. در متن دستورالعمل تنظیم بازار خودرو آمده است که عرضه‌کننده قیمت محاسبه‌شده را به سازمان حمایت اعلام می‌کند و این سازمان برای اظهارنظر حداکثر یک ماه فرصت دارد؛ طبق همان متن، عدم اظهارنظر در مهلت مقرر به‌منزله تایید قیمت اعلامی است و در صورت مخالفت، نظر سازمان حمایت ملاک عمل خواهد بود. همچنین قیمت محاسباتی عرضه‌کننده، پیش از هزینه‌هایی مانند مالیات، بیمه و شماره‌گذاری تعریف شده است. این جزئیات نشان می‌دهد هم زمان واکنش نهاد ناظر اهمیت دارد و هم باید میان قیمت پایه و مبلغ نهایی پرداختی خریدار تمایز گذاشت.

سخنگوی شورای رقابت نیز در گفت‌وگویی منتشرشده در ۹ آبان گفته بود دستورالعمل قیمت‌گذاری تغییر رسمی نکرده است. پس نمی‌توان بحث کارشناسی درباره تغییر فرمول را معادل تصویب شیوه‌ای تازه دانست. از طرف دیگر، اگر تنظیم‌گر به درخواست قیمت پاسخ می‌دهد، لازم است مبنای تصمیم خود را نیز به‌قدر کافی روشن کند: هزینه‌های پذیرفته‌شده کدام‌اند، شاخص رقابت‌پذیری چگونه لحاظ شده و خریدار در برابر نرخ بالاتر چه تعهدی از عرضه‌کننده دریافت می‌کند؟ مخالفت یا موافقت بدون انتشار منطق تصمیم، ابهام بازار را برطرف نمی‌کند.

واردات؛ محدودیت واقعی، توقف کلی نه

در بحث رقابت، خبر اخیر واردات خودرو نیز نیازمند دقت است. ابلاغیه سازمان توسعه تجارت، افتتاح و ویرایش ثبت‌سفارش‌های مربوط به بند «ر» تبصره یک قانون بودجه ۱۴۰۴ را محدود کرده و برای پرونده‌هایی که پیش‌تر تأمین ارز شده‌اند، با شروط مشخص استثنا گذاشته است. توضیح بعدی سازمان نیز حاکی از آن است که این تصمیم به معنای توقف همه مسیرهای واردات خودرو در سال ۱۴۰۵ نیست و واردات بر پایه قانون ساماندهی صنعت خودرو، با رعایت سیاست‌های ارزی، امکان ادامه دارد. بنابراین گزاره واردات خودرو به‌طور کامل متوقف شده تصویر دقیقی از تصمیم اخیر ارائه نمی‌کند.

این تصحیح، اثر اقتصادی محدودیت‌ها را بی‌اهمیت نمی‌کند. هرچه مسیر ورود رقیب دشوارتر، زمان‌برتر یا نامطمئن‌تر باشد، توان مصرف‌کننده برای جایگزین‌کردن محصول داخلی کاهش می‌یابد. در عین حال، واردات نیز راه‌حل فوری و بی‌هزینه همه بخش‌های بازار نیست؛ ترکیب خودروهای واردشده، منابع ارزی و قیمت تمام‌شده آنها تعیین می‌کند که تا چه حد می‌توانند با محصولات داخلی رقابت کنند. پرسش اصلی برای سیاست‌گذار، شفافیت و ثبات قواعد رقابت است، نه اعلام کلی بازبودن یا بسته‌بودن بازار.

سخن پایانی

درخواست افزایش قیمت ایران‌خودرو را نمی‌توان با یک پاسخ ساده جمع کرد. حفظ قیمت کارخانه، بدون توجه به هزینه‌های واقعی تولید، ممکن است توان بنگاه برای تامین قطعه و ادامه فعالیت را تضعیف کند؛ افزایش قیمت بدون تعهد قابل سنجش نیز می‌تواند هزینه بیشتری به خریدار تحمیل کند، بی‌آنکه عرضه یا کیفیت متناسبی ایجاد شود. داده‌های امروز یک هشدار روشن دارند: شکاف برخی قیمت‌های بازار و نمایندگی میلیاردی است، تولید هفت‌ماهه شرکت ۲۴.۲ درصد افت کرده و در عین حال درآمد فروش اسمی افزایش یافته است. این سه واقعیت باید هم‌زمان، نه گزینشی، مبنای تصمیم باشند. معیار قضاوت درباره هر نرخ تازه، انتشار مستندات هزینه، اعلام روشن تصمیم تنظیم‌گر و ارائه برنامه‌ای قابل پیگیری برای تولید و تحویل است. تا زمانی که این پیوند برقرار نشود، گرانی کارخانه شاید صورت‌حساب شرکت را تغییر دهد اما لزوما مسئله اصلی بازار خودرو دسترسی خریدار به محصول رقابتی با قیمت قابل پیش‌بینی را حل نخواهد کرد.

جریان ورود و خروج سرمایه به تالار شیشه‌ای

شهناز صفایی
editor@smtnews.ir



بررسی آمارهای رسمی سازمان بورس و اوراق بهادار نشان می‌دهد از زمان بازگشایی بازار سهام در ۲۹ اردیبهشت تا پایان مهرماه امسال، حدود ۹۸ هزار میلیارد تومان پول حقیقی به سهام و صندوق‌های سهامی وارد شده است؛ به طوری که خالص خرید سرمایه‌گذاران حقیقی در بیش از ۶۰ درصد روزهای معاملاتی مثبت بوده است.

در همین مدت صندوق‌های درآمد ثابت و اوراق بدهی نیز ۶۶ همت و صندوق‌های کالایی ۵۶.۶ همت ورود خالص پول حقیقی را تجربه کرده‌اند.

جریان ورود و خروج پول حقیقی یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی وضعیت بازار سرمایه و میزان استقبال سرمایه‌گذاران از بورس محسوب می‌شود؛ شاخصی که در کنار تغییرات نماگرهای اصلی بازار، ارزش معاملات و رفتار سهامداران حقوقی می‌تواند تصویر دقیق تری از وضعیت تقاضا و عرضه در بازار سهام ارائه دهد.

به گزارش ایسنا، بررسی داده‌های آماری اداره تحلیل‌های اقتصادی و ریسک سازمان بورس و اوراق بهادار نشان می‌دهد در ۱۰۳ روز معاملاتی از ۲۹ اردیبهشت تا ۲۸ مهر ۱۴۰۵، مجموع ارزش خالص خرید سهامداران حقیقی در سهام و صندوق‌های سهامی به ۹۸ هزار و ۹۷ میلیارد تومان رسیده است. به عبارت دیگر، در این دوره نزدیک به ۹۸.۱ همت ورود خالص سرمایه حقیقی به بازار سهام و صندوق‌های سهامی ثبت شده است.

▣ ۶۱ درصد روزهای معاملاتی با ورود پول حقیقی

یکی از نکات قابل توجه در بررسی عملکرد سرمایه‌گذاران حقیقی، تعداد روزهایی است که جریان نقدینگی به نفع این گروه بوده است.

بر اساس آمار سازمان بورس، از مجموع ۱۰۳ روز معاملاتی مورد بررسی، در ۶۳ روز خالص خرید حقیقی‌ها مثبت و در ۴۰ روز منفی بوده است. این آمار نشان می‌دهد در حدود ۶۱ درصد روزهای معاملاتی، ورود پول حقیقی بر خروج آن غلبه داشته است؛ موضوعی که از تمایل نسبی سرمایه‌گذاران خرد به حضور در بازار سهام، با وجود نوسانات و دوره‌های اصلاحی، حکایت دارد.

البته این روند در تمام ماه‌های مورد بررسی یکسان نبوده است. بر اساس داده‌های منتشرشده، ورود پول حقیقی در ۲۵ خرداد با ثبت رقم مثبت ۹.۴ همت به بیشترین میزان روزانه خود رسید. در مقابل، بیشترین خروج روزانه پول حقیقی نیز در هفتم تیرماه و به میزان ۹.۳ همت ثبت شد.

▣ رفت و برگشت نقدینگی در تابستان

بررسی روند تجمعی خالص خرید حقیقی‌ها نشان می‌دهد بازار سهام پس از بازگشایی در ابتدا با استقبال قابل توجه سرمایه‌گذاران مواجه شد. به طوری که خالص خرید تجمعی حقیقی‌ها در سهام و صندوق‌های سهامی در ۲۷ خردادماه به ۷۸.۳ همت رسید. با این حال در ادامه و همزمان با افزایش عرضه‌ها و اصلاح قیمت‌ها، بخشی از این منابع از بازار خارج شد و خالص خرید تجمعی حقیقی‌ها تا ۲۸ تیرماه به ۳۲.۸ همت کاهش یافت.

این روند در ادامه تغییر کرد و از اوایل مرداد ماه بار دیگر ورود نقدینگی حقیقی به بازار سهام تقویت شد. به این ترتیب، خالص خرید حقیقی‌ها در ۲۹ شهریورماه به ۸۶.۳ همت رسید و در نهایت در پایان مهرماه از ۹۸ همت عبور کرد. این رفت و برگشت نشان می‌دهد اگرچه بازار سهام در مقاطعی با خروج قابل توجه منابع حقیقی مواجه شده، اما در مجموع توانسته بخش مهمی از نقدینگی خارج‌شده را دوباره جذب کند و خالص خرید سرمایه‌گذاران حقیقی را در محدوده مثبت حفظ کند.

▣ مقصد ۲۲۰ همتی پول حقیقی‌ها کجا بود؟

نکته مهم دیگر در گزارش آماری سازمان بورس، بررسی رفتار سرمایه‌گذاران حقیقی در سایر ابزارهای بازار سرمایه است. آمارها نشان می‌دهد ورود نقدینگی تنها به بازار سهام محدود نبوده و صندوق‌های سرمایه‌گذاری نیز سهم قابل توجهی از منابع حقیقی را جذب کرده‌اند.

در پنج ماه پس از بازگشایی بازار سهام، خالص خرید حقیقی‌ها در صندوق‌های درآمد ثابت و اوراق بدهی به ۶۶ هزار و هفت میلیارد تومان رسیده است. همچنین صندوق‌های کالایی شامل ابزارهای سرمایه‌گذاری مبتنی بر کالا نیز ۵۶ هزار و ۵۹۶ میلیارد تومان خالص ورود پول حقیقی را تجربه کرده‌اند.

با جمع این ارقام و احتساب ۹۸ هزار و ۹۷ میلیارد تومان خالص خرید در سهام و صندوق‌های سهامی، مجموع خالص خرید حقیقی‌ها در این سه گروه از ابزارهای بازار سرمایه به حدود ۲۲۰ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان، معادل ۲۲۰.۷ همت رسیده است.

به این ترتیب، بازار سهام و صندوق‌های سهامی با جذب حدود ۴۴.۵ درصد از این رقم، بزرگ‌ترین مقصد سرمایه‌گذاران حقیقی در میان سه گروه مورد بررسی بوده‌اند. صندوق‌های درآمد ثابت و اوراق بدهی نیز حدود ۲۹.۹ درصد و صندوق‌های کالایی حدود ۲۵.۶ درصد از خالص خرید حقیقی‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

▣ برتری معاملاتی حقیقی‌ها در برابر حقوقی‌ها

از منظر ترکیب بازیگران بازار نیز آمارهای سازمان بورس نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران حقیقی نقش پررنگ تری در معاملات سهام دارند. بر اساس داده‌های منتشر شده از معاملات شهریورماه، سهم حقیقی‌ها از ارزش معاملات بازار سهام به حدود ۶۹ درصد رسیده، در حالی که سهم سهامداران حقوقی ۱۲.۷ درصد و صندوق‌های سهامی ۶.۴ درصد بوده است.

همچنین تعداد سهامداران فعال بازار در شهریورماه به بیش از دو میلیون نفر رسید که بیش از دو میلیون و ۵۵ هزار نفر از آنها حقیقی و سه هزار و ۷۳۰ نفر حقوقی بودند. البته باید توجه داشت سهم از ارزش معاملات با خالص ورود و خروج پول یکسان نیست.

بالا بودن سهم حقیقی‌ها از معاملات نشان دهنده مشارکت بیشتر این گروه در خرید و فروش است، اما برای تعیین میزان خرید یا فروش خالص حقوقی‌ها باید جریان نقدینگی این گروه به‌صورت جداگانه بررسی شود.

▣ آیا بورس سرمایه جدید جذب کرده است؟

در مجموع آمارهای پنج ماه پس از بازگشایی بازار نشان می‌دهد بورس و سایر ابزارهای سرمایه‌گذاری بازار سرمایه توانسته‌اند در جذب منابع حقیقی عملکرد مثبتی داشته باشند. ورود خالص ۹۸ همت به سهام و صندوق‌های سهامی و ثبت مجموع ۲۲۰.۷ همت خالص خرید حقیقی در سه گروه اصلی، از بازگشت بخشی از اعتماد سرمایه‌گذاران به بازار سرمایه حکایت دارد.

با این حال، نباید تمام این رقم را به معنای ورود سرمایه جدید از خارج بازار سرمایه دانست، چرا که بخشی از جابه‌جایی منابع می‌تواند ناشی از انتقال پول میان صندوق‌های مختلف و بازار سهام باشد.

همچنین خالص خرید حقیقی‌ها لزوما معادل افزایش سرمایه‌گذاری جدید در شرکت‌ها نیست و برای ارزیابی تامین مالی واقعی بنگاه‌ها باید آمار انتشار سهام، افزایش سرمایه و عرضه‌های اولیه نیز بررسی شود. از سوی دیگر تداوم ورود پول حقیقی به تنهایی تضمین‌کننده رشد پایدار بورس نیست و تغییرات شاخص کل و هم‌وزن، ارزش معاملات و نسبت عرضه به تقاضا نیز در ارزیابی وضعیت بازار اهمیت دارند.

سخن پایانی

بنابراین، اگرچه کارنامه نقدینگی بورس در دوره پس از بازگشایی مثبت بوده، اما میزان پایداری این ورود سرمایه و تبدیل آن به سرمایه‌گذاری بلندمدت در بازار سهام همچنان یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی بازار سرمایه محسوب می‌شود.

??????

چکیده

هشدار اقتصادی جدید رئیس صندوق بین‌المللی پول

مدیرکل صندوق بین‌المللی پول گفت: بانک‌های مرکزی در سراسر جهان، هنگام ارزیابی اقدامات لازم برای مقابله با تورم، باید هرگونه کاهش رشد اقتصادی ناشی از هوش مصنوعی را نیز در نظر بگیرند.

به گزارش مهر، کریستالینا جورجیوا، مدیرکل صندوق بین‌المللی پول اظهار کرد: نگرانی‌ها درباره وابستگی به رونق سرمایه‌گذاری در حوزه هوش مصنوعی و ارزش‌گذاری‌های بالای دارایی‌ها، بر بازارهای سراسر جهان تاثیر گذاشته است.

وی در جمع حاضران در مقر صندوق بین‌المللی پول در واشنگتن گفت: قیمت‌ها در حال بالا و پایین رفتن هستند و احتمالا این روند ادامه خواهد داشت. این نوسانات بازار، در شرایطی که خطرات تهدیدکننده ثبات قیمت‌ها افزایش یافته‌اند، کار بانک‌های مرکزی را پیچیده‌تر خواهد کرد.

پنج‌شنبه گذشته، موجی از سقوط شدید سهام شرکت‌های فناوری به بازارهای مختلف سرایت کرد و نگرانی‌ها از اینکه پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا، نظارت‌های قانونی بر هوش مصنوعی را افزایش دهد و روند توسعه مراکز داده را آهسته کند، سرمایه‌گذاران را به سمت دارایی‌های امن‌تری مانند اوراق قرضه سوق داد.

این نگرانی‌های سیاسی به بازار معاملات مرتبط با هوش مصنوعی نیز سرایت کرده است که پیش از این هم به دلیل تردیدها درباره بازدهی سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در زیرساخت‌های مرتبط با هوش مصنوعی، وضعیت متزلزلی داشت. این ریزش بازار، درخواست تامین وجه تضمین از سرمایه‌گذاران دارای معاملات اعتباری را افزایش داده و هم سرمایه‌گذاران خرد و هم صندوق‌های پوشش ریسک را نگران کرده است.

جورجیوا گفت: رونق سرمایه‌گذاری در حوزه هوش مصنوعی، رشد اقتصادی را در برخی کشورها افزایش داده و به جبران شوک منفی عرضه نفت ناشی از جنگ علیه ایران کمک کرده است اما همین حال فشارهای تورمی و نگرانی‌ها درباره ثبات مالی را نیز افزایش می‌دهد.

صندوق بین‌المللی پول ماه گذشته، در کنار عوامل دیگری از جمله تداوم طولانی‌مدت تجاوز امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، درباره خطرات قابل توجه برای رشد اقتصادی و ثبات مالی در صورت پایان رونق سرمایه‌گذاری در حوزه هوش مصنوعی هشدار داده بود.

این نهاد در آن زمان هشدار داد کاهش شدید سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی می‌تواند به افت چشمگیر نرخ دارایی‌ها منجر شود و در نهایت، تا ۲۰۲۸، تولید ناخالص داخلی جهان را ۱.۱ درصد و تولید اقتصادی امریکا را ۱.۸ درصد کاهش دهد.

جورجیوا روز جمعه پیش‌بینی مربوط به پیامدهای منفی را تکرار نکرد، اما نوسانات اخیر بازار را به رسمیت شناخت. وی گفت: اگر شتاب رشد اقتصادی ناشی از هوش مصنوعی کاهش یابد، بانک‌های مرکزی باید هنگام ارزیابی اقدامات ضروری برای مقابله با تورم ماندگار، این موضوع را نیز در محاسبات خود لحاظ کنند.

خبرگزاری رویترز به نقل از دستیاران کنگره و فعالان این حوزه گزارش کرد که دموکرات‌ها قصد دارند پس از در دست گرفتن کنترل کنگره امریکا در ژانویه، مجموعه گسترده‌ای از طرح‌های قانونی جدید را با هدف تنظیم فعالیت سامانه‌های هوش مصنوعی و توسعه مراکز داده ارائه کنند.

این اقدام نشان‌دهنده تغییر چشمگیری در مقایسه با کنگره تحت رهبری جمهوری‌خواهان خواهد بود که قانون‌گذاران عمدتا بر ترویج توسعه هوش مصنوعی تمرکز داشتند و از تصویب قوانینی برای محدود کردن این فناوری خودداری می‌کردند.

محدودیت سهمیه، چالش تازه صادرکنندگان

با وجود تاکید سیاست‌گذاران بر استفاده از ارز حاصل از صادرات برای تامین نیازهای وارداتی، برخی فعالان اقتصادی از محدودیت سهمیه واردات، مشکلات ثبت سفارش و طولانی شدن فرآیند رفع تعهد ارزی گلایه دارند؛ مشکلاتی که به گفته آنها، در مواردی به توقف کالا در گمرک، بلاتکلیفی سرمایه و حتی تهدید ادامه فعالیت واحدهای تولیدی منجر شده است.

به گزارش ایسنا، یکی از موضوعات مهم در تجارت خارجی کشور، چگونگی استفاده صادرکنندگان از ارز حاصل از صادرات برای واردات کالا و تامین نیازهای تولیدی است؛ موضوعی که در صورت تسهیل آن می‌تواند به تداوم فعالیت بنگاه‌های اقتصادی، تامین مواد اولیه و کاهش وابستگی به ارز دولتی کمک کند. با این حال، برخی فعالان اقتصادی معتقدند محدودیت‌های موجود در فرآیند ثبت سفارش و تخصیص سهمیه واردات، عملا استفاده از ارز حاصل از صادرات را نیز با دشواری مواجه کرده است.

بررسی مشکلات مطرح‌شده از سوی یکی از فعالان حوزه صادرات و واردات نشان می‌دهد که حتی انجام صادرات و تامین ارز مورد نیاز از محل منابع شخصی نیز لزوما به معنای امکان واردات نیست؛ چراکه محدودیت‌های مربوط به کارت بازرگانی، سهمیه وارداتی و فرآیندهای اداری می‌تواند مسیر تجارت را با وقفه‌های طولانی مواجه کند.

این فعال اقتصادی که در حوزه صادرات خشکبار فعالیت دارد، از صادرات حدود پنج میلیون دلار کالا شامل بادام‌زمینی، کشمش و خرما به کشورهای همسایه خبر داده و می‌گوید: با وجود انجام صادرات، حدود شش ماه تا نزدیک یک سال است که درگیر فرآیند رفع تعهد ارزی و مسائل مربوط به واردات شده است. بخشی از کالاهای متعلق به این مجموعه در گمرک جلفا متوقف مانده و پس از پیگیری مراحل قانونی، به دلیل کارت‌اولی بودن کارت بازرگانی، سهمیه واردات به این کارت تعلق نگرفته؛ موضوعی که امکان ثبت سفارش و ادامه فرآیند واردات را با مشکل مواجه کرده است.

▣ صادرات انجام شده، اما سهمیه واردات وجود ندارد

یکی از چالش‌های مطرح‌شده از سوی این فعال اقتصادی، نبود تناسب میان میزان صادرات انجام‌شده و امکان استفاده از ارز حاصل از آن برای واردات است. وی تاکید دارد که درخواستش دریافت ارز دولتی نیست، بلکه می‌خواهد بتواند از منابع ارزی حاصل از صادرات خود برای تامین کالاهای مورد نیاز استفاده کند. با وجود آنکه انتظار می‌رود صادرکننده متناسب با میزان صادرات خود بتواند نسبت به واردات اقدام کند، نبود سهمیه واردات عملا امکان ثبت سفارش را محدود کرده است.

این فعال اقتصادی همچنین از پیگیری موضوع در بخش‌های مختلف وزارت صنعت، معدن و تجارت خبر داده و گفته است که در ماه‌های گذشته بارها برای حل مشکل مراجعه و مکاتبه کرده، اما موضوع میان بخش‌های مختلف ارجاع شده و همچنان پاسخ روشنی درباره علت نبود سهمیه و مسیر قانونی حل مشکل دریافت نکرده است.

▣ ابطال درخواست‌های وارداتی و بلاتکلیفی منابع

موضوع دیگری که این صادرکننده مطرح کرده، ابطال درخواست‌های وارداتی مربوط به موز و انبه است. حدود پنج میلیون دلار از درخواست‌های وارداتی از سوی دولت ابطال شده، در حالی که این درخواست‌ها از سوی او لغو نشده بود.پس از این اتفاق، اعلام شده که باید در صف بازگشت مبالغ قرار بگیرد؛ مسئله‌ای که به اعتقاد او، علاوه بر ایجاد بلاتکلیفی مالی، برنامه‌ریزی برای ادامه فعالیت تجاری را نیز دشوار کرده بنابراین خواستار شفاف شدن سازوکار ابطال درخواست‌های وارداتی و تعیین تکلیف منابعی هستیم که در نتیجه این تصمیم بلاتکلیف مانده‌اند.

▣ محدودیت واردات تا خط تولید هم رسید

مشکلات مطرح‌شده تنها به تجارت خارجی و ترخیص کالا محدود نمی‌شود و تامین برخی مواد مورد نیاز خط تولید را نیز تحت تاثیر قرار داده است.

وی با اشاره به نیاز واحد تولیدی خود به موادی از جمله اکسیژن و اسید نیتریک اظهار کرده که به دلیل نبود سهمیه واردات، امکان تامین این اقلام فراهم نشده و ادامه فعالیت خط تولید با خطر توقف مواجه است. در شرایطی که از یک سو دستگاه‌های مختلف بر ادامه فعالیت واحدهای تولیدی و انعقاد قرارداد تاکید می‌کنند، از سوی دیگر محدودیت‌های موجود در فرآیند تجارت خارجی امکان تامین نیازهای واحدها را دشوار کرده است. حتی زمانی که فعال اقتصادی آمادگی دارد هزینه واردات را از محل ارز حاصل از صادرات خود تامین کند، محدودیت‌های سامانه‌ای و نبود سهمیه می‌تواند مانع انجام این فرآیند شود.

▣ بلاتکلیفی کشنده‌ها در ترکیه

یکی دیگر از مشکلات مطرح‌شده، بلاتکلیفی تعدادی از کشنده‌های متعلق به این مجموعه در ترکیه است. این صادرکننده مدعی است چند دستگاه کشنده حدود شش ماه در این کشور متوقف مانده‌اند و در این مدت برخی از آنها توسط افراد محلی توقیف شده یا از دسترس خارج شده‌اند.

ادامه این وضعیت علاوه بر تحمیل هزینه‌های مضاعف، سرمایه مجموعه را نیز با خطر بلاتکلیفی و از دست رفتن مواجه کرده است.

▣ ضرورت شفاف‌سازی رفع تعهد ارزی

مجموع مشکلات مطرح‌شده از سوی این فعال اقتصادی، بار دیگر مسئله هماهنگی میان سیاست‌های ارزی، مقررات وارداتی و نیازهای واقعی فعالان تجاری را مطرح می‌کند؛ اینکه آیا صادرکننده‌ای که ارز حاصل از فعالیت صادراتی خود را در اختیار دارد، می‌تواند بدون قرار گرفتن در صف تخصیص ارز دولتی، نیازهای وارداتی خود را تامین کند و اگر پاسخ مثبت است، چه محدودیت‌هایی در این مسیر وجود دارد؟

در این میان، موضوع اختصاص سهمیه واردات به کارت‌های بازرگانی جدید، نحوه استفاده از ارز حاصل از صادرات، دلایل ابطال درخواست‌های وارداتی و زمان‌بندی فرآیندهای اداری از جمله مسائلی است که نیازمند شفاف‌سازی دستگاه‌های مسئول است. از سوی دیگر، اتاق بازرگانی به‌عنوان نماینده بخش خصوصی می‌تواند با بررسی این موارد و پیگیری مشکلات مطرح‌شده، زمینه مشخص شدن موانع اجرایی و ارائه راهکار برای تسهیل تجارت را فراهم کند. آنچه فعالان اقتصادی در این زمینه مطالبه می‌کنند، دریافت امتیاز ویژه یا استفاده از منابع ارزی دولتی نیست، بلکه فراهم شدن امکان استفاده از منابع حاصل از فعالیت خود و برخورداری از یک مسیر شفاف، قابل پیش‌بینی و متناسب با میزان صادرات و نیازهای وارداتی است؛ مسیری که در صورت اختلال، نه‌تنها تجارت خارجی، بلکه تأمین مواد اولیه، سرمایه در گردش و ادامه فعالیت واحدهای تولیدی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

با این حال، برای روشن شدن ابعاد موضوع، پاسخ وزارت صنعت، معدن و تجارت و گمرک درباره علت اختصاص نیافتن سهمیه واردات، وضعیت کالاهای متوقف‌شده در گمرک جلفا و امکان استفاده از ارز حاصل از صادرات برای واردات ضروری است.

عقب‌نشینی فلز زرد پس از جهش تاریخی به قله ۴۱۵۰ دلاری

ترمز طلا در پیچ تند فدرال‌رزرو



گروه بازار: طلا پس از ثبت یکی از قوی‌ترین جهش‌های روزانه خود از ماه اوت، در پایان هفته بخشی از رشد را پس داد. پیروزی دموکرات‌ها، افت قیمت نفت و تضعیف دلار ابتدا موجی از خرید را در بازار ایجاد کرد، اما بازگشت نگرانی‌ها درباره نرخ بهره، آمار قدرتمند اشتغال آمریکا و تشدید نوسانات بازار سهام از شتاب صعود کاست.

طلا هفته منتهی به ۶ نوامبر ۲۰۲۶ را با بازگشتی قابل توجه پشت سر گذاشت؛ بازگشتی که پس از سقوط قیمت به زیر ۳ هزار و ۹۰۰ دلار و ثبت کف جدید سال ۲۰۲۶ آغاز شد. اونس طلا در ادامه معاملات تا محدوده ۴ هزار و ۱۵۰ دلار پیش رفت، اما نتوانست در این سطح باقی بماند و در پایان هفته به محدوده ۴ هزار و ۷۰ دلار عقب نشست.

طلا در ابتدای هفته از بهبود فضای ریسک‌پذیری و کاهش ارزش دلار حمایت گرفت. اظهارات مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، درباره تمایل دونالد ترامپ به حل‌وفصل دیپلماتیک جنگ ایران نیز به افزایش امیدها برای کاهش تنش‌ها کمک کرد. با این حال، نتیجه انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا و پیامدهای آن برای بازارهای مالی، مسیر قیمت را به‌سرعت تغییر داد.

پیروزی دموکرات‌ها ابتدا به سود طلا تمام شد

با مشخص شدن پیروزی دموکرات‌ها در رقابت‌های مهم و به دست گرفتن کنترل کنگره آمریکا، بازارها احتمال دادند که دولت ترامپ در ادامه دوره ریاست‌جمهوری با محدودیت‌های سیاسی بیشتری مواجه شود. این تحول از دو مسیر بر بازار طلا اثر گذاشت.

نخست، احتمال افزایش فشار کنگره برای محدود کردن اختیارات دولت در موضوع جنگ ایران، امید به کاهش تنش‌های منطقه‌ای را تقویت کرد. دوم، افت قیمت نفت در پی تغییر انتظارات سیاسی، نگرانی‌ها درباره تورم ناشی از انرژی را کاهش داد.

در چنین فضایی، دلار آمریکا تحت فشار فروش قرار گرفت و طلا توانست در روز چهارشنبه بیش از ۳ درصد رشد کند. این جهش در ادامه به ثبت بالاترین قیمت دو هفته اخیر، نزدیک به ۴ هزار و ۱۵۰ دلار، در روز پنجشنبه منجر شد.

اما اثر انتخابات بر بازار به همین‌جا محدود نماند. نگرانی سرمایه‌گذاران از پیامدهای کنترل کنگره توسط دموکرات‌ها بر سیاست‌های دولت، به‌ویژه در حوزه هوش مصنوعی، موج تازه‌ای از فروش در سهام فناوری ایجاد کرد.

ریزش سهام فناوری، معادله بازار را تغییر داد

یکی از مهم‌ترین اتفاقات هفته، تغییر جهت بازار سهام آمریکا پس از روشن شدن نتایج انتخابات بود. استراتژیست‌های بانک OCBC معتقدند نگرانی درباره کند شدن سرمایه‌گذاری در حوزه هوش مصنوعی، به فروش شدید سهام مرتبط با این صنعت منجر شد.

بر اساس ارزیابی این بانک، شاخص اس‌اندپی ۵۰۰ در جریان این تحولات ۴.۴ درصد افت کرد و شاخص نوسان بازار سهام آمریکا، موسوم به وی‌آی‌ایکس، به بالاترین سطح هشت ماه اخیر رسید. سرمایه‌گذارانی که پیش‌تر موقعیت‌های بزرگی در سهام مرتبط با هوش مصنوعی ایجاد کرده بودند، برای کاهش ریسک و تامین نقدینگی به فروش دارایی‌های خود روی آوردند.

این تغییر رفتار برای طلا اهمیت داشت. در شرایط عادی، افت بازار سهام می‌تواند تقاضا برای دارایی امنی مانند طلا را افزایش دهد؛ اما هنگامی که سرمایه‌گذاران با فشار نقدینگی روبه‌رو می‌شوند، ممکن است برای جبران زیان یا تامین وجه نقد، طلا را نیز بفروشند. به همین دلیل، هم‌زمان با افزایش نااطمینانی در بازار سهام، رشد طلا نیز متوقف شد.

تنش‌های خاورمیانه همچنان تعیین کننده‌اند

تحولات خاورمیانه نیز همچنان یکی از عوامل اصلی نوسان طلا خواهد بود. با وجود ادامه تلاش‌های دیپلماتیک برای دستیابی به توافق میان ایران و آمریکا، گزارش‌ها از آمادگی تهران برای احتمال تشدید درگیری حکایت دارند. همچنین اظهارات ترامپ درباره احتمال ادامه اقدامات نظامی علیه ایران، نگرانی‌ها را دوباره افزایش داده است.

این تحولات از مسیر بازار نفت بر طلا اثر می‌گذارند. تشدید درگیری‌ها می‌تواند قیمت انرژی را بالا ببرد و نگرانی‌های تورمی را تقویت کند؛ عاملی که از منظر نرخ بهره به زیان طلاست. در مقابل، پیشرفت مذاکرات و کاهش تنش‌ها ممکن است قیمت نفت را پایین بیاورد و فشار بر سیاست پولی را کمتر کند.

از سوی دیگر، تقاضای بانک‌های مرکزی همچنان پشتوانه بلندمدت بازار طلا محسوب می‌شود. بر اساس داده‌های شورای جهانی طلا که در گزارش اف‌ایکس‌استریت به آن اشاره شده، بانک‌های مرکزی در سپتامبر ۶۱ تن طلا خریداری کردند و مجموع خرید آنها در سه‌ماهه سوم به ۲۲۸ تن رسید؛ رقمی که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷ درصد کاهش داشت. لهستان و چین از خریداران اصلی این دوره بودند.

آمار اشتغال آمریکا، انتظارات نرخ بهره را تغییر داد

عامل مهم دیگر در عقب‌نشینی طلا، انتشار گزارش اشتغال آمریکا در روز جمعه بود. طبق آمار اداره آمار کار آمریکا، اقتصاد این کشور در ماه اکتبر ۱۶۵ هزار شغل غیرکشاورزی ایجاد کرد؛ در حالی که انتظار بازار افزایش ۶۵ هزار شغل بود. همچنین آمار اشتغال سپتامبر از ۲۹ هزار به ۶۰ هزار شغل اصلاح شد و نرخ بیکاری نیز از ۴.۲ درصد به ۴.۱ درصد کاهش یافت. این ارقام نشان داد بازار کار آمریکا همچنان مقاوم‌تر از برآوردهای قبلی است.

انتشار این داده‌ها باعث تقویت دلار شد و احتمال افزایش نرخ بهره در نشست دسامبر فدرال رزرو را بالا برد. بر اساس ابزار فدواچ بورس کالای شیکاگو، بازارها در زمان انتشار گزارش اف‌ایکس‌استریت حدود ۷۶ درصد احتمال می‌دادند نرخ بهره در دسامبر ۲۵ واحد پایه افزایش یابد.

برای طلا، این تحول یک پیام روشن داشت: حتی اگر تحولات سیاسی و کاهش قیمت نفت در کوتاه‌مدت از این فلز حمایت کنند، تا زمانی که بازار احتمال افزایش نرخ بهره را جدی بداند، مسیر صعودی طلا با محدودیت مواجه خواهد بود.

تورم آمریکا، آزمون بعدی بازار طلا

در هفته پیش رو، توجه معامله‌گران به انتشار شاخص قیمت مصرف‌کننده آمریکا برای ماه اکتبر معطوف خواهد شد. بازار انتظار دارد شاخص تورم هسته، که قیمت مواد غذایی و انرژی را کنار می‌گذارد، در مقیاس ماهانه ۰.۲ درصد افزایش یابد؛ در حالی که این رقم در سپتامبر ۰.۳ درصد بود.

اگر تورم هسته به ۰.۴ درصد یا بیشتر برسد، احتمال افزایش نرخ بهره در دسامبر می‌تواند تقویت شود. در چنین شرایطی، دلار و بازده اوراق خزانه‌داری آمریکا ممکن است افزایش یابند و فشار بیشتری بر طلا وارد کنند. در مقابل، انتشار رقمی برابر یا پایین‌تر از پیش‌بینی‌ها می‌تواند انتظارات برای افزایش نرخ بهره را تعدیل کند و فرصت تازه‌ای برای بازیابی قیمت طلا فراهم آورد.

محدوده ۴۰۷۰ دلار؛ مرز مهم برای ادامه صعود

از منظر تکنیکال، جهش اخیر هنوز برای تایید تغییر روند نزولی کافی نیست. شاخص قدرت نسبی طلا پس از ناتوانی در عبور از سطح ۵۰، اندکی عقب‌نشینی کرده و قیمت نیز با وجود بسته شدن بالاتر از میانگین متحرک ۲۰روزه در روز پنجشنبه، هنوز نتوانسته این محدوده را به‌عنوان حمایت تثبیت کند. محدوده ۴ هزار و ۶۵ تا ۴ هزار و ۷۰ دلار نخستین منطقه مهم برای حفظ شتاب صعودی است. اگر طلا بتواند بالای این محدوده تثبیت شود، مقاومت بعدی در بازه ۴ هزار و ۱۸۵ تا ۴ هزار و ۲۰۰ دلار قرار می‌گیرد. عبور از این سطح می‌تواند مسیر حرکت به سمت ۴ هزار و ۲۸۵ تا ۴ هزار و ۳۰۰ دلار را هموار کند.

در سمت مقابل، سطح ۴ هزار دلار نخستین حمایت مهم بازار است و در صورت از دست رفتن آن، کف سال ۲۰۲۶ در محدوده ۳ هزار و ۸۷۰ دلار دوباره در کانون توجه قرار خواهد گرفت.

بازگشت طلا هنوز به تثبیت نیاز دارد

آنچه در هفته گذشته رخ داد، بیش از آنکه نشانه پایان روند نزولی باشد، بیانگر کاهش فشار فروش و بازگشت بخشی از تقاضا به بازار است. نتیجه انتخابات آمریکا، افت نفت و تضعیف دلار به طلا فرصت بازیابی دادند، اما آمار اشتغال نشان داد اقتصاد آمریکا هنوز آن‌قدر قدرتمند است که احتمال افزایش نرخ بهره را زنده نگه دارد.

در هفته پیش رو، داده‌های تورمی آمریکا و تحولات جنگ ایران دو متغیر اصلی تعیین‌کننده خواهند بود. اگر تورم کاهش یابد و مسیر دیپلماسی در خاورمیانه تقویت شود، طلا می‌تواند شانس بیشتری برای تثبیت بالای ۴ هزار و ۷۰ دلار داشته باشد. اما اگر تورم بالاتر از انتظار باشد یا تنش‌های منطقه‌ای قیمت نفت را دوباره افزایش دهد، این بازگشت شکننده ممکن است با موج تازه‌ای از فشار فروش روبه‌رو شود.



خرید مسکن با بلیت بخت آزمایی

بازار معاملات ملکی در فضای مجازی، برای برخی خریداران و مستاجران به میدانی پرریسک تبدیل شده است؛ جایی که یک آگهی جذاب با قیمت استثنایی می‌تواند به جای خانه‌دار شدن، به از دست رفتن پس‌انداز چندین ساله مردم ختم شود. انتشار آگهی‌های جعلی، معرفی املاک بدون اختیار قانونی، وعده فروش فوری و دریافت بیعانه پیش از بازدید، از شگردهایی است که اعتماد متقاضیان را هدف می‌گیرد. در چنین فضایی، مرز میان یک فرصت استثنایی و دام کلاهبرداری چندان روشن نیست و گاهی خریدار بدون آنکه از واقعی بودن ملک یا هویت آگهی‌دهنده اطمینان داشته باشد، سرمایه خود را به خطر می‌اندازد. مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که پرداخت‌ها بدون رسید معتبر انجام شود و توافق‌ها پشتوانه حقوقی نداشته باشند. به این ترتیب، خرید خانه در فضای مجازی برای برخی به بلیت بخت‌آزمایی تبدیل شده است؛ معامله‌ای که نتیجه آن بیش از هر چیز به آگاهی و احتیاط متقاضی بستگی دارد.



گروه زیرساخت
editor@smtnews.ir

معاملات مسکن در منطقه ناامن

بازار مسکن به‌دلیل ارزش بالای معاملات و نیاز فوری بسیاری از خانوارها به خرید یا اجاره خانه، همواره در معرض سوءاستفاده افراد سودجو قرار دارد. گسترش پلتفرم‌های اینترنتی نیز اگرچه امکان مقایسه قیمت‌ها، مشاهده تصاویر و ارتباط سریع با فروشندگان و مشاوران املاک را فراهم کرده، اما در کنار این مزایا، فرصت‌های تازه‌ای برای کلاهبرداری ایجاد کرده است. در این فضا، فاصله میان یک آگهی واقعی و یک پیشنهاد ساختگی گاهی فقط به چند تصویر، شماره تماس و وعده تحویل فوری ملک محدود می‌شود.

▣ قیمت پایین؛ نخستین زنگ خطر

یکی از شگردهای رایج در آگهی‌های جعلی، ارائه ملک با قیمتی پایین‌تر از عرف منطقه است. کلاهبرداران با آگاهی از حساسیت متقاضیان نسبت به قیمت، از این امتیاز برای جلب توجه و ایجاد عجله استفاده می‌کنند. گاهی ادعا می‌شود مالک به دلیل مهاجرت، نیاز فوری به پول یا شرایط خاص خانوادگی قصد فروش یا اجاره ملک را دارد و به همین دلیل حاضر است با قیمتی استثنایی معامله کند. در چنین موقعیتی، متقاضی ممکن است برای از دست ندادن فرصت، بدون بررسی کافی به تماس و مذاکره ادامه دهد یا حتی مبلغی را به‌عنوان بیعانه واریز کند. تعداد زیاد تصاویر، توضیحات کامل و حتی ارسال مدارکی که ظاهری رسمی دارند نیز به‌تنهایی نشانه اعتبار آگهی نیست. ممکن است تصاویر یک واحد واقعی از آگهی دیگری برداشته شده باشد یا فرد منتشرکننده هیچ ارتباطی با مالک نداشته باشد. بنابراین، تطبیق نشانی ملک، بازدید حضوری، بررسی مدارک مالکیت و اطمینان از هویت شخصی که مذاکره می‌کند، باید پیش از هرگونه پرداخت انجام شود.

▣ بیعانه بدون سند؛ راه ورود به دردسر

بخش مهمی از خسارت‌های ناشی از کلاهبرداری ملکی زمانی شکل می‌گیرد که متقاضی پیش از احراز هویت طرف معامله، پولی را به حساب شخصی واریز می‌کند. درخواست پرداخت فوری برای رزرو ملک، به‌ویژه زمانی که امکان بازدید یا ارائه مدارک وجود ندارد، باید جدی گرفته شود. پرداخت وجه نیز باید از مسیر قابل پیگیری و با ثبت دقیق علت پرداخت، مشخصات دریافت‌کننده و ارتباط آن با معامله صورت گیرد.

در کنار این موارد، تنظیم قرارداد مکتوب، درج مشخصات کامل طرفین، نشانی دقیق ملک، مبلغ توافق‌شده و شرایط بازپرداخت بیعانه اهمیت زیادی دارد. نگهداری رسیدهای بانکی، پیام‌ها، شماره تماس‌ها و نسخه آگهی نیز در صورت بروز اختلاف یا کلاهبرداری می‌تواند به پیگیری موضوع کمک کند.

معامله امن در فضای مجازی به معنای کنار گذاشتن پلتفرم‌های اینترنتی نیست؛ بلکه به این معناست که هیچ تصویر، وعده یا قیمت جذابی نباید جای احراز هویت، بازدید واقعی و مستندسازی توافق‌ها را بگیرد.

کلاهبرداری در بستر رکود بازار



حمید اسدی، حقوقدان، با اشاره به مسائل حقوقی خرید و فروش ملک و آپارتمان در فضای مجازی و پلتفرم‌های آگهی و تبلیغاتی اظهار کرد: بازار ملک از نظر حقوقی، بازاری پرریسک محسوب می‌شود. با توجه به رکود بسیار شدید و عمیقی که بر بازار ملک حاکم است و کاهش نقدشوندگی در این بازار، ممکن است برخی افراد با هدف سودجویی از شرایط موجود استفاده کنند و دست به کلاهبرداری بزنند.

وی با بیان اینکه یکی از شیوه‌های این افراد، معرفی خود در قالب مشاور املاک است، افزود: این افراد با استفاده از عکس‌ها و تصاویر غیرواقعی، املاکی را در اپلیکیشن‌ها و پلتفرم‌هایی مانند دیوار و شیپور آگهی می‌کنند. در واقع، آگهی منتشرشده ممکن است هیچ ارتباطی با ملک واقعی یا هویت منتشرکننده آن نداشته باشد و صرفا ابزاری برای جلب توجه متقاضیان و دریافت وجه از آنها باشد.

اسدی ادامه داد: پس از آنکه متقاضی برای بازدید از یک واحد آپارتمان با این افراد ارتباط برقرار می‌کند، آنها با استفاده از شگردهای سودجویانه تلاش می‌کنند او را به پرداخت وجه ترغیب کنند. یکی از این روش‌ها، طرح این ادعاست که ملک متقاضیان دیگری دارد و ممکن است به‌سرعت به فروش برسد؛ بنابراین خریدار باید برای قطعی کردن معامله یا جلوگیری از واگذاری ملک به شخص دیگر، مبلغی را به‌عنوان بیعانه پرداخت کند. در چنین شرایطی، ایجاد حس فوریت و نگرانی از دست دادن فرصت معامله، ممکن است باعث شود متقاضی بدون بررسی کافی و اطمینان از هویت طرف مقابل، وجهی را واریز کند.

▣ بیعانه را به حساب دفتر املاک واریز کنید

این حقوقدان با اشاره به اهمیت مستندسازی پرداخت بیعانه در معاملات ملکی خاطرنشان کرد: افراد باید هنگام پرداخت وجه دقت کنند که مبلغ بیعانه را به حساب همان شخص یا دفتر مشاور املاک واریز کنند و مستندات پرداخت را نیز نزد خود نگه دارند. در این صورت، اگر مشکلی در روند معامله به وجود بیاید، امکان پیگیری و اقدام برای استرداد بیعانه و مبالغ پرداختی وجود خواهد داشت.

وی با تاکید بر اینکه نحوه پرداخت وجه در معاملات ملکی اهمیت حقوقی دارد، بیان کرد: نگهداری مستندات پرداخت می‌تواند در زمان بروز اختلاف یا مواجهه با کلاهبرداری، برای اثبات پرداخت و پیگیری حقوقی موضوع کمک‌کننده باشد. بنابراین، متقاضیان نباید صرفا به توافق‌های شفاهی یا وعده‌های افراد اکتفا کنند و لازم است پرداخت‌های خود را به شکلی انجام دهند که امکان ارائه مدرک و پیگیری آن وجود داشته باشد.

اسدی با اشاره به خطر پرداخت بیعانه از طریق روش‌های غیرمتعارف افزود: اگر فرد وجه موردتوافق را با ابزارهای دیگری مانند طلا، دلار یا سایر اقلام پرداخت کند، در صورت بروز مشکل، امکان پیگیری و اثبات پرداخت بسیار دشوارتر خواهد شد. به همین دلیل، لازم است متقاضیان پیش از پرداخت هرگونه مبلغی، درباره هویت دریافت‌کننده و ارتباط او با ملک مورد معامله اطمینان حاصل کنند و از پرداخت وجه به افراد ناشناس خودداری کنند.

▣ در صورت کلاهبرداری، موضوع را به پلیس فتا اطلاع دهید

اسدی در پاسخ به پرسشی درباره اقدامات لازم پس از وقوع کلاهبرداری ملکی و امکان پیگیری موضوع پس از پرداخت وجه گفت: در چنین شرایطی افراد باید در اسرع وقت با پلیس فتا ارتباط بگیرند و موضوع را گزارش کنند. سرعت عمل در اطلاع‌رسانی و ارائه اطلاعات مربوط به فرد یا آگهی منتشرشده، برای پیگیری ماجرا اهمیت دارد. وی با اشاره به ضرورت تغییر شیوه ارتباط متقاضیان با آگهی‌دهندگان اظهار کرد: بهتر است افراد به‌جای انجام معاملات از طریق تماس‌های تلفنی و پرداخت وجه به اشخاص ناشناس، به‌صورت حضوری و مستقیم با مشاور املاک ارتباط داشته باشند. این حقوقدان در ادامه تاکید کرد: متقاضیان خرید و اجاره ملک نباید صرفا براساس تصاویر منتشرشده یا وعده‌های مطرح‌شده در فضای مجازی تصمیم بگیرند. ارتباط حضوری با دفتر مشاور املاک و توجه به نحوه پرداخت بیعانه می‌تواند از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری کند. در مجموع، استفاده از پلتفرم‌های اینترنتی برای جست‌وجوی ملک به‌خودی‌خود مسئله‌ساز نیست، اما اعتماد بی‌بررسی به آگهی‌ها و پرداخت وجه پیش از اطمینان از هویت طرف معامله، زمینه سوءاستفاده را فراهم می‌کند. از این‌رو، احراز هویت، ارتباط مستقیم با مشاور املاک و نگهداری مستندات پرداخت باید به بخش جدایی‌ناپذیر معاملات ملکی در فضای مجازی تبدیل شود.

پرداخت بیعانه در معاملات ملکی منع قانونی ندارد



داوود بیگی‌نژاد، نایب‌رئیس اتحادیه مشاوران املاک، درباره قانونی بودن دریافت و پرداخت بیعانه در معاملات ملکی اظهار کرد: در متن قانون و مقررات مربوط به الزام مورد بحث، ممنوعیت صریحی برای پرداخت بیعانه پیش‌بینی نشده است و این موضوع در چارچوب عرف جامعه و رویه‌های معمول فعالیت مشاوران املاک قرا ر دارد. وی با بیان اینکه پرداخت بیعانه به‌خودی‌خود اقدامی غیرقانونی محسوب نمی‌شود، افزود: این شیوه پرداخت در معاملات ملکی از جمله رویه‌هایی است که در میان مردم و فعالان این صنف رواج دارد، اما آنچه اهمیت دارد، رعایت ضوابط و دقت در نحوه انجام آن است. به همین دلیل، شهروندان باید هنگام توافق بر سر پرداخت بیعانه، نسبت به مشخصات طرف معامله و شرایط پرداخت توجه کافی داشته باشند.

بیگی‌نژاد با اشاره به اینکه پرداخت وجه در معاملات ملکی باید با دقت و شفافیت انجام شود، خاطرنشان کرد: صرف انجام پرداخت به معنای تضمین سلامت معامله نیست و لازم است تمام مراحل مالی به شکلی ثبت شود که در صورت بروز اختلاف، امکان مراجعه و پیگیری وجود داشته باشد. از این رو، ثبت دقیق مبلغ پرداختی، مشخص بودن دریافت‌کننده وجه و نگهداری مدارک مربوط به پرداخت، از نکاتی است که متقاضیان خرید و اجاره ملک نباید از آن غافل شوند.

▣ ثبت و مستندسازی پرداخت‌ها؛ ضرورتی برای معاملات امن

نایب‌رئیس اتحادیه مشاوران املاک با تاکید بر ضرورت مستندسازی مبادلات مالی در بازار مسکن ادامه داد: همواره به شهروندان توصیه شده است اطلاعات خود را در حوزه ملک و املاک افزایش دهند و تمامی پرداخت‌های مرتبط با معاملات ملکی را به‌صورت دقیق ثبت و مستند کنند.

وی با اشاره به اهمیت آگاهی حقوقی در معاملات افزود: مردم باید پیش از هرگونه پرداخت، از شرایط توافق و مشخصات فرد یا مجموعه دریافت‌کننده وجه اطمینان حاصل کنند و مدارک مربوط به مبالغ پرداختی را نزد خود نگه دارند. این کار می‌تواند در زمان بروز اختلاف، مسیر بررسی موضوع و پیگیری حقوقی را روشن‌تر کند.

▣ آگاهی حقوقی، راه کاهش ریسک معاملات

بیگی‌نژاد در ادامه بر نقش آگاهی شهروندان در پیشگیری از مشکلات معاملات ملکی تاکید کرد و گفت: افزایش شناخت مردم از ضوابط و رویه‌های بازار ملک، در کنار ثبت و نگهداری مستندات مالی، اهمیت زیادی دارد. متقاضیان نباید به توافق‌های شفاهی اکتفا کنند و لازم است پرداخت‌های خود را به شکلی انجام دهند که جزئیات آن قابل اثبات و پیگیری باشد.

وی در پایان یادآور شد: پرداخت بیعانه در معاملات ملکی منع قانونی ندارد، اما این موضوع نباید موجب بی‌احتیاطی شهروندان شود. ثبت دقیق تمام پرداخت‌ها و نگهداری مستندات، از مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند امنیت معاملات را افزایش دهد و در صورت بروز اختلاف، امکان پیگیری را برای طرفین فراهم کند.

سخن پایانی

گسترش معاملات ملکی در فضای مجازی، واقعیتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ همان‌طور که نمی‌توان از خطرهایی که در نبود نظارت و آگاهی کافی به وجود می‌آید، چشم‌پوشی کرد.

در بازاری که رکود و کاهش نقدشوندگی، قدرت تصمیم‌گیری خریداران و مستاجران را تحت تاثیر قرار داده، آگهی‌های ارزان و پیشنهادهای فوری می‌توانند به ابزاری برای سوءاستفاده از نیاز مردم تبدیل شوند.

اظهارات کارشناسان نیز نشان می‌دهد که مسئله فقط انتشار آگهی جعلی نیست، بلکه شیوه پرداخت بیعانه و نبود مستندات معتبر می‌تواند خسارت‌های مالی را سنگین‌تر کند. اگرچه پرداخت بیعانه در معاملات ملکی منع قانونی ندارد، اما این موضوع به معنای بی‌نیازی از احتیاط و رعایت ضوابط نیست. احراز هویت مالک و واسطه، بازدید حضوری، تنظیم توافق مکتوب و ثبت تمام پرداخت‌ها باید به اصول جدایی‌ناپذیر معاملات تبدیل شود. پلتفرم‌های اینترنتی می‌توانند مسیر دسترسی به بازار مسکن را کوتاه‌تر کنند، اما اعتماد به آگهی‌ها نباید جای بررسی و اطمینان را بگیرد. در نهایت، امنیت معامله بیش از هر چیز به شفافیت، آگاهی حقوقی و مسئولیت‌پذیری طرفین وابسته است.

نگهداری مستندات پرداخت می‌تواند در زمان بروز اختلاف یا مواجهه با کلاهبرداری، برای اثبات پرداخت و پیگیری حقوقی موضوع کمک‌کننده باشد

افزایش شناخت مردم از ضوابط و رویه‌های بازار ملک، در کنار ثبت و نگهداری مستندات مالی، اهمیت زیادی دارد

نظرگاه

آینده خوبی برای بازار ملک متصوریم



خسرو مختاری- رئیس هیئت عامل صندوق ملی مسکن: بازار مسکن ایران در شرایطی با چالش‌های پیچیده اقتصادی و ساختاری مواجه است که فاصله میان قدرت خرید خانوارها و هزینه تمام‌شده تولید واحدهای مسکونی به یکی از مهم‌ترین موانع این بخش تبدیل شده است. رسیدن هزینه ساخت مسکن به حدود متری ۸۰ میلیون تومان، نشان می‌دهد که تولید مسکن بیش از گذشته به منابع مالی، برنامه‌ریزی دقیق و سیاست‌های حمایتی مؤثر نیاز دارد. در چنین شرایطی، دیگر نمی‌توان صرفا با افزایش تعداد پروژه‌های ساختمانی یا تزریق منابع مالی، انتظار داشت مشکلات بازار مسکن برطرف شود. آنچه امروز اهمیت دارد، ایجاد تناسب میان هزینه تولید، توان اقتصادی متقاضیان و ظرفیت سرمایه‌گذاری در این بخش است.

مسکن از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور به شمار می‌رود که علاوه بر تأمین یکی از نیازهای اساسی جامعه، ارتباط مستقیمی با اشتغال، صنایع وابسته، گردش سرمایه و رشد اقتصادی دارد. از این منظر، حتی در شرایطی که قدرت خرید خانوارها کاهش یافته، وجود تقاضای انباشته در بازار همچنان ضرورت سرمایه‌گذاری در این بخش را حفظ می‌کند. با این حال، باید میان تقاضای بالقوه و تقاضای مؤثر تفاوت قائل شد. خانواری که به مسکن نیاز دارد اما توان تأمین هزینه خرید یا ساخت آن را ندارد، نمی‌تواند به‌عنوان متقاضی مؤثر در بازار عمل کند. بنابراین، وجود تقاضای انباشته زمانی به رونق تولید منجر می‌شود که سیاست‌های تأمین مالی و حمایتی بتوانند این تقاضا را به قدرت خرید واقعی تبدیل کنند.

در شرایط کنونی، هزینه ساخت مسکن در بالاترین سطح به حدود متری ۸۰ میلیون تومان رسیده و این رقم، ضرورت بازنگری در شیوه‌های تولید و تأمین مالی را دوچندان کرده است. افزایش هزینه‌های ساخت از یک سو سرمایه‌گذاری در این بخش را دشوارتر می‌کند و از سوی دیگر، امکان دسترسی خانوارها به واحدهای مسکونی را کاهش می‌دهد. در نتیجه، سیاست‌گذاری مسکن باید به‌گونه‌ای باشد که ضمن حفظ انگیزه سرمایه‌گذاران، هزینه‌های تولید نیز مدیریت شود. توسعه ساخت‌وساز حرفه‌ای، افزایش رقابت میان سازندگان و استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی از جمله مسیرهایی است که می‌تواند به بهبود شرایط کمک کند. یکی از مزیت‌های قابل توجه صنعت ساختمان در ایران، وابستگی محدود آن به واردات است. کشور در حوزه تولید مصالح ساختمانی و تأسیسات مکانیکی از ظرفیت‌های صنعتی مناسبی برخوردار است و حتی در برخی زمینه‌ها توان رقابت با تولیدکنندگان خارجی را دارد. این ویژگی می‌تواند در شرایط تحریم و محدودیت‌های بین‌المللی به فرصتی برای تقویت تولید داخلی تبدیل شود. با این حال، برخورداری از ظرفیت تولید به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه باید سازوکاری وجود داشته باشد که محصولات و توانمندی‌های داخلی در اولویت تأمین نیازهای پروژه‌های مسکونی قرار گیرند. تقویت ارتباط میان صنایع تولیدکننده مصالح و بخش ساختمان، علاوه بر حمایت از تولید داخلی، می‌تواند به کاهش وابستگی و مدیریت هزینه‌های ساخت کمک کند. در کنار توسعه ساخت‌وساز در محدوده‌های جدید شهری، بافت‌های فرسوده نیز ظرفیت مهمی برای افزایش عرضه مسکن دارند. این محدوده‌ها به دلیل برخورداری از امکان نوسازی و ظرفیت بارگذاری، می‌توانند بخشی از نیاز بازار را پاسخ دهند. با این حال، نوسازی بافت‌های فرسوده بدون حضور توسعه‌گران حرفه‌ای، تأمین مالی مناسب و ایجاد مشوق‌های اقتصادی با دشواری همراه خواهد بود. شکل‌گیری نهادهای تخصصی و حمایت از توسعه‌گری می‌تواند زمینه تجمیع سرمایه‌ها، کاهش پراکندگی پروژه‌ها و افزایش مشارکت بخش خصوصی را فراهم کند. از سوی دیگر، مقابله با احتکار زمین و املاک یکی از الزامات ساماندهی بازار مسکن است. زمین‌های فاقد ساختمان در محدوده شهرها، در صورت بلااستفاده ماندن، می‌توانند مانعی برای توسعه ساخت‌وساز و عرضه واحدهای جدید باشند. پیش‌بینی سازوکار دریافت عوارض از پلاک‌های فاقد ساختمان از سوی شهرداری‌ها، با هدف افزایش هزینه نگهداری زمین‌های بلااستفاده، می‌تواند مالکان را به استفاده از ظرفیت این املاک ترغیب کند. البته اجرای چنین سیاستی باید با در نظر گرفتن شرایط مالکان و ملاحظات اقتصادی همراه باشد تا به‌جای ایجاد محدودیت‌های جدید، زمینه افزایش عرضه واقعی مسکن را فراهم کند.

موضوع دیگری که در سال‌های گذشته مشکلات زیادی برای متقاضیان ایجاد کرده، ناهماهنگی میان تکمیل ساختمان‌ها و آماده‌سازی زیرساخت‌هاست. تحویل واحدهایی که فاقد انشعابات آب، برق، گاز و خدمات ضروری هستند، عملا به معنای تحویل مسکن قابل سکونت نیست. از این رو، تأمین زیرساخت‌ها باید هم‌زمان با پیشرفت عملیات ساختمانی دنبال شود. در این زمینه، حدود ۳۶ هزار میلیارد تومان از منابع صندوق ملی مسکن برای تأمین تأسیسات و زیرساخت پروژه‌ها اختصاص یافته است. براساس تقسیم کار صورت‌گرفته، مسئولیت تأمین منابع میان صندوق ملی مسکن، وزارت نیرو و شرکت‌های خدمات‌رسان تقسیم شده و سهم هر مجموعه یک‌سوم بوده است. با وجود تأمین کامل سهم صندوق، محدودیت منابع برخی دستگاه‌های مسئول موجب شده تعهدات در بعضی مناطق به‌طور کامل اجرا نشود. این وضعیت ضرورت هماهنگی فرابخشی و پایبندی همه دستگاه‌ها به تعهدات خود را نشان می‌دهد.

در همین راستا، حمایت از افتتاح ۱۳۰ هزار واحد مسکونی در سال جاری در دستور کار قرار گرفته است. نکته مهم در این زمینه، تخصیص هدفمند منابع و پرهیز از توزیع یکسان اعتبارات بدون توجه به میزان پیشرفت پروژه‌ها و نیاز متقاضیان است. استفاده از اطلاعات سامانه یکپارچه مسکن و سامانه تم و پایش مستمر روند اجرای پروژه‌ها می‌تواند به افزایش اثربخشی منابع و تسریع در تحویل واحدها کمک کند.

آگهی مفقودی

سند و فاکتور فروش و سند مالکیت (برگ سبز) و کارت پلاک و برگ گمرکی خودروی وانت تویوتا ۱۶۰۰ به رنگ آبی روغنی مدل ۱۹۸۰ به نام خداداد اسمعیل زهی قلعه بیدی به شماره انتظامی ۲۶۸ع۳۹-ایران ۸۵ به شماره موتور ۱۹۴۱۱۲۳ و شماره شاسی ۰۲۳۹۶۴ به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

سند و فاکتور فروش و سند مالکیت (برگ سبز) و کارت پلاک و برگ گمرکی خودروی وانت عمومی تویوتا ۲۰۰۰ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۹۸۳ به نام شیرو پرنداخ به شماره انتظامی ۶۸۴ع ۲۹-ایران ۸۵ به شماره موتور ۲۱۳۸۹۹۲ وشماره شاسی ۶۰۰۰۱۱ به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودروی کامیونت ون زامیاد Z۲۴NI مدل ۱۳۹۸ به رنگ آبی روغنی به شماره موتور Z۲۴۷۸۶۶۰۰Z و شماره شاسی NAZPL۱۴۰TK۰۵۳۵۲۷۹ به نام فائزه ناروئی به شماره انتظامی ۲۳۵ ج ۵۶-ایران ۹۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

سند و فاکتور فروش و سند مالکیت (برگ سبز) و کارت هوشمند سوخت خودروی سواری کرایه پژو ۴۰۵ جی‌ال ایکس ای ۱/۸ مدل ۱۳۸۸ به نام ابوالقاسم مومن به شماره انتظامی ۵۳۶ع۳۹-ایران ۸۶ به شماره موتور ۱۲۴۸۷۲۱۰۸۱۷ و شماره شاسی NAAM۰۱CA۴۹E۳۸۹۰۲۵ به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

پلاک خودرو وانت نیسان رنگ آبی -روغنی موتور ۵۱۶۶۶۱ شاسی NAZPL۱۴۰TIN۲۵۷۵۲۰ پلاک ۹۵ایران ۸۳۶ن۱۵ بنام عبدالغنی آلبا کدملی ۳۷۰۱۶۲۹۴۳۹ مفقود واز درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

تاوان جهش ۱۲۰۰ درصدی کرایه حمل بر گرده قطعه‌سازان

لنت‌های زیرپله‌ای با جان مردم بازی می‌کنند!



امروز خودرو به عنوان یک وسیله نقلیه برای جابه‌جایی نیاز به مراقبت مستمر دارد. در این میان، توجه به قطعات مصرفی خودرو، لوازمی که به واسطه استهلاک طبیعی در دوره‌های زمانی مشخص نیاز به تعویض دارند، از اهمیت حیاتی برخوردار است زیرا ایمنی خودرو به این امر مهم برمی‌گردد. غفلت از این قطعات نه‌تنها هزینه‌های سنگین تعمیرات را به دنبال دارد، بلکه مستقیماً با جان سرنشینان و امنیت ترافیکی جامعه گره خورده است. در بین تمامی قطعات مصرفی، لنت‌ترمز جایگاه ویژه‌ای دارد. استفاده از لنت‌های بی‌کیفیت، تقلبی یا فرسوده، خط ترمز را به شدت افزایش داده و در شرایط بحرانی، می‌تواند فجایع جبران‌ناپذیری را رقم بزند. سال‌هاست که با فشار تحریمی و کاهش قدرت خرید مردم و حتی صاحبان خودروهای گران‌قیمت، بازار زیرپله‌ای‌ها گرم شده است. این امر برای لنت‌ترمز که بخشی از ایمنی خودرو به آن برمی‌گردد هشداردهنده است. به گفته فعالان بازار لوازم یدکی بخشی از تجهیزات موجود در بازار، ورودی آنها مشخص نیست اما به دلیل قیمت پایین این قطعات، با وجود آگاهی از خطر آنها توسط افراد خریداری می‌شوند. در شرایطی که وضعیت اقتصادی خانواده‌ها به مرز هشدار رسیده است، افراد دیگر بلندمدت فکر نمی‌کنند و به دنبال مدیریت لحظه‌ای هستند. در حال حاضر، تولید و بازار لنت‌ترمز چه وضعیتی دارد؟

اقلام مصرفی مانند رزین دارای تاریخ انقضا هستند

مسعود حسن‌پور، دبیر انجمن تولیدکنندگان لنت‌ترمز و کلاچ ایران با اشاره به تأمین مواد اولیه و محدودیت‌های نگهداری مواد اولیه مورد نیاز تولید این قطعه مصرفی خودرو در گفت‌وگو با تجارت‌نیوز گفت: برخی اقلام مصرفی مانند «رزین» دارای تاریخ انقضا بوده و حداکثر امکان دپوی آن‌ها دو تا سه ماه است؛ چرا که پس از آن فاسد شده و قابلیت استفاده خود را از دست می‌دهند. وی افزود: پیش‌تر، رزین مورد نیاز کشور هم توسط ۳ تا ۴ واحد تولید داخلی تامین و هم از کشورهای هند، چین، ترکیه و اروپا وارد می‌شد. اما با تشدید تحریم‌ها در سال‌های اخیر، تامین از اروپا به طور کامل متوقف و واردات از هند نیز طی یکی دو سال گذشته قطع شده است. همچنان که رزین وارداتی از ترکیه هم کیفیت مطلوبی ندارد. به مرور زمان، تامین این ماده منحصراً به چین محدود شده بود که محاصره دریایی جلوی واردات آن را نیز گرفته و تولیدکنندگان به اجبار به رزین با درجه کیفی پایین‌تر ترکیه رضایت داده‌اند؛ البته شرکت تولیدکننده داخلی نیز خود با مشکل واردات مواد اولیه فنول مواجه است. دبیر انجمن تولیدکنندگان لنت‌ترمز و کلاچ ایران با اشاره به تنگناهای جدید لجستیکی تصریح کرد: پس از آغاز محاصره دریایی از سال گذشته، واردات از مبدأ چین بسیار دشوار شده چرا که مسیرهای جایگزین زمینی یا ریلی (مانند مسیرهای قزاقستان یا پاکستان) ظرفیت بالایی برای تامین نیاز صنعت را در خود ندارند. وی در خصوص مسیرهای جایگزین و جهش بی‌سابقه هزینه‌های حمل‌ونقل ادامه داد: برخی بازرگانان و تولیدکنندگان ناچارند کالا را از طریق دریا به ترکیه ارسال کرده و سپس به صورت زمینی وارد کشور کنند. در حالی که هزینه حمل دریایی مستقیم با کانتینر از چین کمتر از ۲ هزار دلار بود، در مسیر دورزننده از طریق ترکیه این مبلغ به حدود ۲۵ هزار دلار رسیده است؛ یعنی هزینه‌های لجستیک با افزایشی در حدود ۱۲۰۰ درصدی (۱۲ تا ۱۳ برابر) مواجه شده که فشار سنگینی بر قیمت تمام شده وارد می‌کند.

■ در حال حاضر ذخایر و دپوی گرافیت در انبارها ته کشیده است

حسن‌پور در بخش دیگری از اظهارات خود به وضعیت مواد معدنی از جمله «گرافیت» اشاره کرد و گفت: مواد معدنی برخلاف رزین تاریخ انقضا ندارند و می‌توان آن‌ها را برای مدت طولانی نگهداری کرد، اما متاسفانه معدن گرافیت در ایران وجود ندارد. از حدود ۲۰ سال پیش و همزمان با ممنوعیت مصرف آزبست، صنعت لنت‌سازی ناچار به استفاده از ترکیبی از مواد جایگزین شد که گرافیت یکی از ارکان اصلی آن است. این ماده که در صنایع دیگری چون تولید مداد و لوازم آرایشی و بهداشتی نیز کاربرد دارد، بسته به فرمولاسیون لنت، بین ۲۰ تا ۴۰ درصد ارزش این قطعه را تشکیل می‌دهد؛ با این حال، در حال حاضر ذخایر و دپوی گرافیت در انبارها ته کشیده و اصطلاحاً «کفگیر به ته دیگ خورده است». در کشور ما، به دلیل نبود امنیت زنجیره تامین و نااطمینانی‌های موجود، تولیدکنندگان ناچار به دپو و انبار کردن مواد اولیه هستند این مسئول صنفی و صنعتی با اشاره به اصول مدرن تولید صنعتی تاکید کرد: در اصول نوین تولید صنعتی، انبارداری و دپوی مواد اولیه توجیه‌پذیر نیست و سیستم به گونه‌ای طراحی شده که همزمان با سفارش‌دهی، ورودی و خروجی جریان داشته باشد تا قیمت تمام شده محصول افزایش نیابد. اما متاسفانه در کشور ما، به دلیل نبود امنیت زنجیره تامین و نااطمینانی‌های موجود، تولیدکنندگان ناچار به دپو و انبار کردن مواد اولیه هستند که این امر نیز اکنون با موانع و بن‌بست‌های جدی روبه‌رو شده است.

بیش از ۱۰۰ واحد تولیدی لنت‌ترمز در کشور فعال هستند

دبیر انجمن تولیدکنندگان لنت‌ترمز و کلاچ ایران در ادامه تشریح چالش‌های این صنعت، با اشاره به تنوع فرمولاسیون‌ها و گستردگی کاربرد لنت‌ترمزها تصریح کرد: طرح این پرسش که «چند درصد مواد اولیه وابستگی ارزی دارد» به صورت کلی پاسخ دقیقی ندارد؛ چرا که بیش از ۱۰۰ واحد تولیدی لنت‌ترمز در کشور فعال هستند و هر کدام فرمولاسیون مختص به خود را دارند. برای ساخت یک لنت‌ترمز، بسته به نوع آن، حدود ۱۷ تا ۱۸ نوع ماده معدنی و شیمیایی با یکدیگر ترکیب می‌شوند و ممکن است یک ماده معدنی در فرمولاسیون یک کارخانه موجود باشد اما در واحدی دیگر اصلا استفاده نشود.

■ بین ۱۵ تا ۲۰ درصد از ارزش مواد اولیه تولید وارداتی است

وی اضافه کرد: با این وجود، به صورت حدودی می‌توان برآورد کرد که بین ۱۵ تا ۲۰ درصد از ارزش مواد اولیه تولید هر لنت‌ترمز مربوط به مواد اولیه وارداتی است؛ رقمی که بسته به نوع کاربرد محصول – اعم از لنت موتورسیکلت، خودروهای سواری، نیمه‌سنگین، سنگین و حتی لنت‌های صنعتی – متغیر است. همچنین لنت‌ترمزها صرفاً خودرویی نیستند، بلکه در ماشین‌آلات صنعتی نظیر دستگاه‌های چاپ، نساجی، پرس، چرخ‌خیاطی و حتی توربین‌های بادی نیز کاربرد دارند و هر کدام فرمولاسیون تخصصی خود را می‌طلبند.

حسن‌پور درباره وضعیت واردات مواد اولیه مورد نیاز گفت: وضعیت بنادر و مسیرهای دریایی مشخص است؛ با توجه به خطرات موجود، واردات از طریق بنادر جنوبی کشور نظیر بندر عباس، بندر شهید رجایی یا بوشهر تقریبا به صفر رسیده است.

در چنین شرایطی، ناچار به استفاده از مسیرهای جایگزین هستیم؛ نظیر مسیرهای ریلی از چین به سمت قزاقستان و ترکمنستان (یا عبور از دریای خزر و جمهوری آذربایجان) و یا دور زدن مسیر و تخلیه کالا در بنادر مرسین ترکیه و بارگیری زمینی آن به سمت ایران. هرچند این مسیرها جایگزین شده‌اند، اما هزینه‌های سرسام‌آوری به همراه داشته و بهای تمام شده تولید را به شدت افزایش داده‌اند.

■ بیشتر مواد اولیه از چین تامین می‌شود

وی با اشاره به موانع ساختاری صادرات در کشورهای مبدا تصریح کرد: در حال حاضر بیشتر مواد اولیه مورد نیاز از چین و مقدار محدودی از ترکیه تامین می‌شود؛ این در حالی است که حتی کشورهایی نظیر هند نیز جلوی صادرات را گرفته‌اند. برای واردات اقلامی چون «گرافیت» از چین – به دلیل کاربردهای دوگانه و مصارف نظامی آن – موانع اداری نفس‌گیری وجود دارد. تولیدکننده باید تاییدیه‌های متعددی از اتاق بازرگانی ایران، وزارت امور خارجه، سفارت چین در تهران و اتاق بازرگانی چین اخذ کند و تازه پس از آن، تولیدکننده خارجی موفق به دریافت مجوز دولتی برای ارسال بار به ایران شود؛ بوروکراسی سنگینی که تا چند سال پیش به هیچ وجه وجود نداشت.

وی با هشدار نسبت به تهدید اشتغال در این صنعت اعلام کرد: این زنجیره از موانع و گرفتاری‌ها باعث شده است تا بسیاری از خطوط تولید ما زمین‌گیر شوند. از مجموع بیش از ۱۰۰ تولیدکننده لنت‌ترمز در سطح کشور، در حال حاضر حدود ۵۰ درصد با توقف‌های روزانه و تعطیلی‌های یک‌هفته‌ای مواجه‌اند. تداوم این وضعیت و ناگزیر شدن واحدهای تولیدی به تعدیل نیرو، فشار معیشتی جبران‌ناپذیری را به کارگران شاغل در این بخش وارد خواهد کرد که نیازمند مداخله و چاره‌اندیشی فوری مسئولان است.

■ حدود ۵ درصد از کل تولید لنت‌ترمز کشور صرف خطوط تولید خودروسازان می‌شود

دبیر انجمن تولیدکنندگان لنت‌ترمز و کلاچ ایران در بخش دیگری از ارزیابی خود از حجم بازار این صنعت، با اشاره به آمار ناوگان حمل‌ونقل کشور، میزان تقاضای سالانه برای لنت‌ترمز در کشور را تشریح کرد و گفت: در حال حاضر حدود ۲۵ میلیون خودروی سواری پلاک‌شده، بین ۴ تا ۵ میلیون خودروی سنگین و نیمه‌سنگین و حدود ۱۵ میلیون موتورسیکلت در کشور در حال تردد است که هر کدام بر اساس میزان پیمایش، نیازمند تعویض دوره‌ای لنت‌ترمز هستند.

حسن‌پور با اشاره به نحوه محاسبه تقاضای سالانه افزود: به عنوان مثال، برای ۲۵ میلیون خودروی سواری، سالانه به طور متوسط به ۲۵ میلیون دست لنت‌ترمز جلو نیاز است؛ لنت‌ترمزهای عقب نیز اگرچه مصرف کمتری دارند و شاید مثلاً هر دو سال یک‌بار تعویض شوند، اما در خودروهایی نظیر تاکسی‌ها که پیمایش بالایی دارند، این بازه زمانی به هر ۶ ماه یک‌بار کاهش می‌یابد. در خصوص موتورسیکلت‌ها و خودروهای سنگین و نیمه‌سنگین نیز روند مشابهی برقرار است، با این تفاوت که خودروهای سنگین به دلیل وزن بالا و تعداد محورها، مصرف بیشتر و بازه‌های تعویض کوتاه‌تری (نظیر هر ۶ ماه) دارند.

وی در تفکیک سهم بازار خطوط تولید (OEM) و بازار لوازم یدکی (Aftermarket) تصریح کرد: مجموع تولید سالانه خودروسازان بزرگ کشور یعنی ایران‌خودرو و سایپا به همراه سهم ۱۰ تا ۲۰ درصدی سایر خودروسازان، رقمی در حدود یک میلیون دستگاه در سال است. بر این اساس، فقط حدود ۴ تا ۵ درصد (معادل یک‌بیست‌ام تا یک‌بیست‌وپنجم) از کل تولید لنت‌ترمز کشور صرف خطوط تولید خودروسازان می‌شود و نزدیک به ۹۵ درصد از حجم بازار (حدود ۲۰ تا ۲۵ برابر بخش خودروسازی) مربوط به تامین نیاز بازار لوازم یدکی و قطعات مصرفی است که بخش عمده آن توسط تولیدکنندگان داخلی پوشش داده می‌شود.

تعویض دوره‌ای لنت‌ترمز تابع میزان پیمایش است

دبیر انجمن تولیدکنندگان لنت‌ترمز و کلاچ ایران در پاسخ به این پرسش که آیا افزایش سن ناوگان و فرسودگی خودروها تاثیری بر میزان مصرف لنت‌ترمز دارد یا خیر، توضیح داد: میزان مصرف لنت‌ترمز ارتباطی مستقیم با فرسوده بودن یا صفر کیلومتر بودن خودرو ندارد و مصرف آن تا حدودی برای هر دو دسته یکسان است.

این مسئول صنفی و صنعتی با بیان اینکه میزان مصرف لنت‌ترمز بیش از هر چیز به کارکرد و میزان پیمایش (کیلومتر طی شده) خودرو بستگی دارد، افزود: برای مثال، ممکن است یک لنت‌ترمز برای خودروی صفر کیلومتر به عنوان تاکسی به‌کار گرفته شود و به دلیل تردد شهری بالا، بسیار بیشتر از یک خودروی شخصی کار کند؛ بنابراین شاخص اصلی در تعیین زمان تعویض لنت‌ترمز، میزان کارکرد و استانداردهای مصرفی است و به طور میانگین هر خودرو سالانه به یک بار تعویض لنت‌ترمز نیاز دارد. دبیر انجمن تولیدکنندگان لنت‌ترمز و کلاچ ایران در ادامه به یکی از چالش‌های خطرناک بازار این قطعه یعنی رواج تولیدات زیرپله‌ای و اقلام تقلبی اشاره کرد و نسبت به مخاطرات آن برای ایمنی شهروندان هشدار داد.

حسن‌پور با تاکید بر اینکه لنت‌ترمز جزو ۵ قطعه فوق‌ایمنی خودرو به شمار می‌رود، گفت: این قطعه خودرو دارای استاندارد ملی اجباری است و تولیدکنندگان موظف به اخذ آن هستند؛ واحدهای دارای پروانه استاندارد به صورت ماهانه، دوماهانه و فصلی توسط سازمان ملی استاندارد مورد ارزیابی و بازرسی قرار می‌گیرند. با این حال، متاسفانه بخش بزرگی از بازار در تسخیر کارگاه‌های کوچک و اصطلاحاً «زیرپله‌ای» است که بدون دریافت مجوز و استاندارد، به تولید محصولات بی‌کیفیت مشغول‌اند.

وی با اشاره به محدودیت‌های نظارتی دستگاه‌های مربوطه، افزود: سازمان ملی استاندارد وظیفه شناسایی این واحدها را بر عهده دارد، اما به دلیل محدودیت در تعداد نیرو و پرسنل و وسعت کشور، امکان نظارت و رصد دقیق تمامی کارگاه‌های غیرمجاز وجود ندارد. تولیدکنندگان غیرقانونی اساساً فرآیند اخذ استاندارد را طی نکرده‌اند تا نام و نشانی از آن‌ها در دفاتر سازمان ثبت نشود؛ چرا که از بازرسی‌های دوره‌ای گریزانند.

وی درباره ترفندهای این واحدها، تصریح کرد: کارگاه‌های زیرپله‌ای بدون داشتن هزینه‌های سربار واحدهای رسمی و بدون دغدغه بازرسی، با جعل برندهای مطرح داخلی و خارجی و حتی سوءاستفاده از نشان استاندارد، محصولات غیرمعتبر خود را روانه بازار می‌کنند؛ وضعیتی که علاوه‌بر ضربه به تولیدکنندگان شناسنامه‌دار، امنیت جانی رانندگان و سرنشینان خودروها را به طور جدی به مخاطره می‌اندازد.

دبیر انجمن تولیدکنندگان لنت‌ترمز و کلاچ ایران در بخش پایانی سخنان خود، با اشاره به ناکارآمدی برخی ابزارهای کنترلی در برابر تخلفات و انتقاد شدید از عملکرد نهادهای دولتی و حمایتی، نسبت به شکسته‌شدن کمر صنعت تولید لنت‌ترمز زیر بار فشارهای داخلی و خارجی هشدار داد.

حسن‌پور درباره راهکارهای رهگیری قطعات گفت: اگرچه طرح شناسنامه‌دار کردن قطعات و شناسه کالا که از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) اجرا شد، طرحی مثبت بود، اما کنترل و نظارت بر اجرای آن در سطح کشور بسیار دشوار است. واحدهای تولیدی غیرقانونی و اصطلاحاً «زیرپله‌ای» که به جعل تمام ارکان مجهز هستند، حتی شناسه‌های یک‌بارمصرف و کدرهگیری را هم به راحتی کپی و تقلب می‌کنند. وی با ابراز گلایه شدید از رویکرد نهادهای دولتی در شرایط بحرانی فعلی در حوزه اقتصاد تصریح کرد: گلایه اصلی ما از دولت، سازمان تامین اجتماعی و اداره امور مالیاتی این است که در شرایط کاملاً غیرعادی کنونی، نه تنها هیچ‌گونه حمایتی از تولیدکننده انجام نمی‌دهند، بلکه مطالبات خود را با سخت‌گیرانه‌ترین روش‌ها پیگیری می‌کنند. اداره مالیات گویی با رویکردی تنبیهی عمل می‌کند و از هیچ مطالبه‌ای کوتاه نمی‌آید؛ سازمان تامین اجتماعی نیز به محض کوچک‌ترین تاخیر یا بدهی، حساب‌های بانکی واحدهای تولیدی را مسدود کرده و به بلوکه کردن اموال آن‌ها اقدام می‌کند. این مسئول صنفی و صنعتی با اشاره به تلاش طاقت‌فرسای تولیدکنندگان برای حفظ نیروی کار، افزود: بسیاری از کارخانه‌ها با وجود توقف بخشی از خطوط تولید و زیان‌دهی، با تمام توان تلاش کرده‌اند تا کارگران خود را حفظ کنند تا نیروی ماهر از دست نرود، اما سازمان تامین اجتماعی و دارایی به این شرایط بی‌توجهند. این نگاه نشان می‌دهد که در کنار فشارهای سنگین تحریم‌های خارجی، بوروکراسی و نهادهای داخلی نیز بار مضاعفی بر دوش تولید گذاشته‌اند.

با ادامه این روند، کمر تولیدکنندگان زیر بار فشارها در حال شکستن است / اقتصاد صنعتی مانند دکمه نیست که با یک بار خاموش و روشن شدن به حالت اول برگردد

حسن‌پور در پایان با هشدار نسبت به غیرقابل بازگشت بودن تعطیلی واحدهای صنعتی تاکید کرد: با ادامه این روند، کمر تولیدکنندگان زیر بار فشارها در حال شکستن است؛ خطوط تولید متوقف شده و واحدهای باقی‌مانده نیز تنها تا سقف مشخصی توان مقاومت دارند. باید توجه داشت که اقتصاد صنعتی مانند دکمه نیست که با یک بار خاموش و روشن شدن به حالت اول برگردد؛ اگر زنجیره تولید و اشتغال در این صنعت پاره و کارخانه‌ای ورشکست شود، دیگر به راحتی قابل ترمیم و بازگشت به چرخه فعالیت نخواهد بود و خسارات جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت.

تفویض اختیار به استان‌ها کلید سرعت‌بخشی به امور



گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

مشاور رییس سازمان اداری و استخدامی کشور در نشست شورای راهبری تحول اداری استان یزد با اشاره به بازدیدهای میدانی خود از مجتمع‌های اداری زارچ و مروست، بر ضرورت استفاده از ظرفیت‌های موجود برای تسریع در خدمات‌رسانی به مردم تأکید کرد و از تفویض اختیار به استاندار، تسهیل جذب نیروهای توانمند در دستگاه‌ها خبر داد. به گزارش صمت به نقل از روابط عمومی سازمان، سید علی تفرشی مشاور رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور در نشست شورای راهبری تحول اداری استان که صبح امروز برگزار شد، با اشاره به بازدیدهای روز گذشته خود از روند استقرار دستگاه‌های اجرایی در مجتمع‌های اداری شهرستان‌های تازه‌تأسیس زارچ و مروست و بررسی دغدغه‌های مراجعان تصریح کرد: بخشی از اصلاحات و مطالبات مورد نیاز در مرکز کشور پیگیری خواهد شد، اما تلاش اصلی بر این است که با تفویض اختیار بیشتر به استاندار، فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای امور سرعت بیشتری به خود بگیرد. سید علی تفرشی با تمجید از پیشتازی و موفقیت استان یزد در حوزه‌های بهره‌وری و اجرای طرح مجتمع‌های اداری، ابراز امیدواری کرد که این روند پیشرو، همچنان منشأ خیر، اثربخشی و ارتقای رضایتمندی شهروندان باشد. تفرشی با انتقاد شدید از معطل ماندن خدمات‌رسانی به شهروندان به بهانه ساخت ابنیه جدید خاطرنشان کرد: نباید فرآیندهای ارائه خدمت به مردم را متوقف بر ساخت‌وسازهای زمان‌بر کرد. وی با بیان اینکه بهترین و سریع‌ترین اقدام در شرایط فعلی، بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های ساختمانی موجود و استقرار موقت یا دائم دستگاه‌ها در این فضاهاست، افزود: تدابیری اتخاذ خواهد شد تا هر شهرستانی که بخشی از این طرح‌ها را تا پایان سال ۱۴۰۶ تکمیل کند، دستگاه‌های متمرکزی که تکالیف بخشنامه‌ای دارند را با قیمت مناسب‌تری در این مجتمع‌ها مستقر سازد. مشاور رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور، تکریم ارباب‌رجوع و ارائه خدمات باکیفیت‌تر و کم‌هزینه‌تر را از «خطوط قرمز دولت» برشمرد و تأکید کرد: فرمانداری‌ها موظفند سازوکار ارتباطی و ثبت شکایات مردمی را به‌صورت شفاف در محل استقرار ادارات نصب کنند تا هرگونه ناهماهنگی در ارائه خدمات، به‌صورت برخط و مستقیم مورد بازرسی و پیگیری قرار گیرد. تفرشی در بخش دیگری از سخنان خود در پاسخ به دغدغه‌های مطرح‌شده پیرامون پست‌های بلاتصدی و کمبود نیروی انسانی در ادارات شهرستانی گفت: حداقل نیروی انسانی پیش‌بینی‌شده در دستورالعمل‌ها، مانعی برای تقویت ساختار شهرستان‌های ویژه نیست. وی اظهار داشت: نگاه سازمان استخدامی به مقوله نیروی انسانی، دوگانه و متوازن است؛ از یک‌سو بر برگزاری آزمون‌های استخدامی در راستای رعایت عدالت‌محوری تأکید دارد و از سوی دیگر، تأمین نیرو را بر اساس کارایی واقعی دستگاه‌های اجرایی دنبال می‌کند.

وی در پایان از اعلام آمادگی کامل سازمان اداری و استخدامی برای جذب نیروهای توانمند خبر داد و یادآور شد: در صورت ارسال توجیه کارشناسی از سوی فرمانداری و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، مسیر اصلاح چارت سازمانی و جذب نیروهای بومی در مرکز با جدیت دنبال و تسهیل خواهد شد تا با همکاری همه‌جانبه استانداری و فرمانداران، دغدغه‌های این حوزه در اسرع وقت مرتفع شود.

انتخاب ۶۵ پروژه نشان‌دار مالیاتی در چهارمحال و بختیاری



مریم مهدیان- در راستای اجرای طرح «نشان‌دار کردن مالیات» و با هدف هدایت منابع مالیاتی به سمت طرح‌های اولویت‌دار و توسعه‌ای، تعداد ۶۵ پروژه در استان چهارمحال و بختیاری برای سال ۱۴۰۵ انتخاب شده است. به گزارش صمت از شهرکرد از مجموع این پروژه‌ها،۴۳ پروژه ملی و۲۲ پروژه استانی بوده و مجموع اعتبارات اختصاص‌یافته به این طرح‌ها ۵۲۲ میلیارد تومان است که شامل ۴۱۴ میلیارد تومان اعتبار پروژه‌های ملی و۱۰۸ میلیارد تومان اعتبار پروژه‌های استانی می‌شود.

این طرح در حوزه‌های مختلفی از جمله *صنعت و اشتغال، عمران شهری و روستایی، کشاورزی و منابع طبیعی، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، آب و زیرساخت‌ها و راهسازی و حمل‌ونقل* اجرا خواهد شد.

مودیان مالیاتی می‌توانند با مشارکت در طرح نشان‌دار کردن مالیات، در انتخاب محل هزینه‌کرد مالیات خود نقش داشته باشند و مالیات پرداختی آنان در مسیر اجرای پروژه‌های اولویت‌دار و توسعه‌ای استان قرار گیرد.*

در این طرح، پرداخت مالیات تنها یک تکلیف قانونی نیست؛ بلکه فرصتی برای *مشارکت مستقیم در آبادانی، توسعه زیرساخت‌ها و پیشرفت استان است.

معرفی پرترددترین محورهای استان یزد

بر اساس آمار مرکز مدیریت راه های استان، حجم سفرهای جاده‌ای در مهرماه ۱۴۰۵ جهشی چشمگیر نسبت به مدت مشابه سال گذشته را تجربه کرده و کمربندی زارچ - یزد به عنوان شلوغ‌ترین معبر استان شناخته شده است.

به گزارش صمت به نقل از روابط عمومی اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان یزد، ارزیابی آماری تردد وسایل نقلیه در شبکه راه‌های این استان طی مهرماه سال جاری، ابعاد تازه‌ای از وضعیت ترابری و پویایی محورهای مواصلاتی در کریدورهای شمال جنوب و شرق غرب کشور را نمایان ساخت. بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد که در این بازه زمانی، متوسط تردد ساعتی ثبت‌شده در محورهای استان به ۱۹۰ خودرو رسیده است. براساس داده‌های آماری مرکز مدیریت راه‌ها، حجم کل ترددهای بین‌استانی در مهرماه ۱۴۰۵ نسبت به ماه پیش از آن با یک افت ۶ درصدی همراه بوده؛ اما مقایسه این آمار با وضعیت مشابه در مهرماه سال ۱۴۰۴، از جهش ۲۰ درصدی حکایت دارد که بیانگر رونق سفرهای جاده‌ای و افزایش مراودات منطقه‌ای است. در بخش دیگری از این پایش تخصصی، محور کمربندی زارچ - یزد به عنوان پرترافیک‌ترین و پرترددترین شریان مواصلاتی استان در مهرماه معرفی شد و پس از آن، محورهای استراتژیک یزد - مهریز و یزد - تفت بیشترین بار ترافیکی و تردد خودروها را به خود اختصاص دادند. تحلیل پلاک‌های پایش شده در سطح جاده‌های استان نشان می دهد استان‌های کرمان با ۱۱ درصد، فارس با ۱۰ درصد و تهران با ۸ درصد، بیشترین سهم را در ورودی خودروهای غیربومی به جاده‌های استان یزد داشته‌اند. در مقابل، رانندگان خودروهای پلاک یزد نیز بیشترین سفرهای برون‌استانی خود را به ترتیب با مقصدهای اصفهان (۱۷ درصد)، تهران (۱۰ درصد) و قم (۹ درصد) به ثبت رسانده‌اند.

بر پایه این گزارش، متوسط سرعت خودروهای عبوری در شبکه راه‌های استان یزد طی مهرماه ۷۲ کیلومتر بر ساعت اندازه گیری شده است. در این میان، محور کوهستانی و گردشگری منشاد - مهریز و بالعکس، به عنوان رکوردار بالاترین سرعت تردد در میان محورهای مواصلاتی استان شناخته شد که نیازمند توجه بیشتر رانندگان به رعایت نکات ایمنی و سرعت مطمئنه است.

هفشجان در مسیر اخذ مجوز تست جوش نیروهای پروژه‌های نفت و گاز

مریم مهدیان- نشست مشترک مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای استان چهارمحال و بختیاری با بازرسان و کارشناسان ارزیابی تعیین صلاحیت و ممیزی شرکت ملی گاز ایران، با محوریت بررسی ظرفیت‌های مرکز آموزش هیئت امنایی شماره ۴ هفشجان برای صدور مجوز انجام تست جوش نیروهای شاغل در پروژه‌های نفت و گاز برگزار شد.

به گزارش صمت از شهرکرد سید محمد علوی، مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای چهارمحال و بختیاری، در این نشست که با حضور غلامرضا مطهری رئیس ارزیابی تعیین صلاحیت و ممیزی شرکت گاز ایران، مجتبی روشن‌ضمیر نیلو مسئول جوش شرکت گاز ایران، رویا هاشم‌پور کارشناس آموزش ستاد، علی طاهری بازرسی فنی شرکت گاز استان، سعید تیمورزاده رئیس انجمن و مهندسان جوش استان و بهروز آتش خوار رئیس هیئت امنایی مرکز برگزار شد، هفشجان را پایتخت جوش ایران خواند و گفت: استقرار بیش از یک هزار و ۴۰۰ شرکت پیمانکاری در حوزه جوش، ظرفیتی کم‌نظیر برای مهارت آموزی، تدوین استانداردهای نوین و انجام ارزیابی و تست جوش در این منطقه فراهم کرده است.

وی با اشاره به سابقه شکل‌گیری مرکز هفشجان افزود: این مرکز ابتدا با چند رشته مهارتی آغاز به کار کرد، اما از همان ابتدا پایه کار بر جوش گذاشته شد و همین امر سبب شد راه‌اندازی بزرگ‌ترین مرکز آموزش جوش ایران در هفشجان در دستور کار قرار گیرد. مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای استان از ساخت سوله‌ای در جوار ساختمان فعلی مرکز خبر داد و تصریح کرد: هدف، ایجاد یک مجموعه کامل شامل کارگاه آموزشی، کارگاه تست و حتی کارگاه تولیدی در رشته‌ها و استانداردهای مختلف جوش است؛ طرحی که ، هفشجان را به‌عنوان مرکز بین‌المللی جوش معرفی خواهد کرد.

سید محمد علوی با اشاره به تبدیل این مرکز به مرکز هیئت امنایی، خاطرنشان کرد: با ورود بخش خصوصی، نیازهای واقعی این بخش نیز به مجموعه اضافه شد و یکی از این نیازها، انجام تست جوش و مراحل مرتبط با آن، از جمله رادیوگرافی، بود که پیگیری آن در دستور کار قرار گرفت.

مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای استان با اشاره به حمایت‌های صورت‌گرفته برای تکمیل ساختمان مرکز اظهار کرد: در سفر اخیر وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، این مرکز به‌طور خاص مورد توجه قرار گرفت و مقرر شد اعتبار ویژه‌ای برای تکمیل ساختمان اختصاص یابد؛ اما تکمیل تجهیزات به تنهایی کافی نیست و اخذ سرتیفیکیت‌ها و مجوزهای لازم برای انجام تست جوش نیز ضروری بود.

اصلاح دستورالعمل صدور پروانه گلخانه‌های یزد

نشست نهایی بازنگری و اصلاح دستورالعمل صدور پروانه واحدهای گلخانه‌ای و قارچ خوراکی کشور با حضور حجت‌اله علیمحمدی، رئیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی کشور، مسئولان وزارت جهاد کشاورزی، سازمان امور اراضی و مدیران و کارشناسان استان‌های گلخانه‌خیز، در استان یزد برگزار شد.

به گزارش صمت به نقل از روابط عمومی سازمان نظام مهندسی، علیمحمدی در این نشست با تأکید بر نقش سازمان نظام مهندسی در تسهیل فرآیندهای اجرایی و رفع موانع تولید، اظهار داشت: بازنگری دستورالعمل‌های مرتبط با صدور مجوزهای گلخانه‌ای با هدف پاسخگویی به نیازهای بهره‌برداران، متناسب‌سازی ضوابط با شرایط روز بخش کشاورزی و فراهم‌کردن زمینه توسعه سرمایه‌گذاری و کارآفرینی دنبال می‌شود.

وی با اشاره به اهمیت مشارکت کارشناسان استانی و بهره‌گیری از تجربیات میدانی افزود: برگزاری نشست‌های تخصصی و تعامل میان دستگاه‌های اجرایی و بدنه کارشناسی، زمینه انتقال مسائل و پیشنهادهای بخش کشاورزی به مراجع تصمیم‌گیر و اتخاذ راهکارهای مؤثر برای رفع موانع تولید را فراهم می‌کند.

رئیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی کشور همچنین با اشاره به ظرفیت گلخانه‌ها در افزایش بهره‌وری منابع، به‌ویژه آب، و تقویت امنیت غذایی، ابراز امیدواری کرد با جمع‌بندی پیشنهادهای کارشناسی و طی مراحل قانونی تصویب و ابلاغ اصلاحات از سوی وزارت جهاد کشاورزی، زمینه تسهیل صدور مجوزها، ارتقای کیفیت خدمات مهندسی و توسعه پایدار واحدهای گلخانه‌ای در کشور بیش از پیش فراهم شود.

روی خط خبر

اصلاح الگوی مصرف، راهکار اصلی عبور از ناترازی گاز



مدیرعامل شرکت گاز استان البرز، اصلاح الگوی مصرف و استفاده از تجهیزات گرمایشی پربازده را از راهکارهای اصلی مدیریت ناترازی گاز و حفظ پایداری جریان گاز در فصل سرد سال عنوان کرد. به گزارش صمت، ناصر حسینی در گفت‌وگو با برنامه زنده «رهیافت» رادیو البرز، با اشاره به شرایط تولید و مصرف گاز در کشور اظهار کرد: ناترازی گاز در سال‌های گذشته به حدود ۳۰۰ میلیون مترمکعب در روز رسیده بود و پس از آسیب به تأسیسات تولید، بخشی از تولید کشور متوقف شد. با بازگشت حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب از این میزان به مدار تولید، همچنان مدیریت مصرف اهمیت زیادی دارد و در صورت تداوم مصرف غیربهینه و بی‌توجهی به ضرورت صرفه‌جویی، دست‌کم سه استان با محدودیت گاز مواجه خواهند شد. وی با بیان اینکه توسعه تولید و بازسازی تأسیسات گازی در کشور ادامه دارد، افزود: در کنار افزایش تولید، اصلاح الگوی مصرف باید در اولویت قرار گیرد؛ چراکه ارزش هر مترمکعب گاز صرفه‌جویی‌شده، چندین برابر هزینه تولید همان میزان گاز است. مصرف بهینه، علاوه بر صیانت از منابع برای نسل‌های آینده، امکان تأمین گاز موردنیاز بخش‌های مولد و صنعتی را نیز فراهم می‌کند. حسینی با اشاره به طرح جایگزینی بخاری‌های کم‌بازده با تجهیزات گرمایشی پربازده گفت: پیش‌بینی شده است ۱۸۰ هزار بخاری پربازده به‌صورت رایگان در اختیار خانوارها قرار گیرد و بخاری‌های فرسوده پس از جمع‌آوری، از چرخه استفاده خارج شوند تا امکان بازگشت آن‌ها به بازار وجود نداشته باشد. مدیرعامل شرکت گاز استان البرز همچنین از فعالیت ۹ شرکت کارور در استان خبر داد و بیان کرد: این شرکت‌ها در حوزه مدیریت مصرف مشترکان خانگی و صنعتی فعالیت می‌کنند و با ارائه آموزش، راهکارهای کاهش مصرف و مشوق‌های متناسب با میزان صرفه‌جویی، به اصلاح الگوی مصرف کمک می‌کنند. ارائه رایگان عایق برای پوشش پکیج‌های نصب‌شده در فضای باز و تراس‌ها، از جمله اقدامات یکی از این شرکت‌ها برای کاهش اتلاف گاز است. وی با اشاره به نقش نظام مهندسی ساختمان در رعایت استانداردهای تأسیسات گازرسانی و تجهیزات گرمایشی اظهار کرد: کنترل و رعایت الزامات فنی در ساختمان‌ها باید به‌صورت مستمر دنبال شود و استانداردهای مربوط به سامانه‌های گرمایشی، موتورخانه‌ها و تأسیسات ساختمانی مورد توجه قرار گیرد. حسینی روشن ماندن وسایل گرمایشی در ویلاها و ساختمان‌های خالی از سکنه را از عوامل هدررفت گاز دانست و افزود: لازم است در زمان نبود ساکنان، تجهیزات گرمایشی غیرضروری خاموش شوند تا از اتلاف منابع ملی جلوگیری شود. وی تصریح کرد: حتی پنج درصد صرفه‌جویی در بخش خانگی می‌تواند به جبران بخشی از ناترازی گاز کمک کند و این هدف با اقداماتی ساده و کم‌هزینه در خانه‌ها قابل دستیابی است. تنظیم دمای اتاق خواب بین ۱۸ تا ۲۰ درجه، فضای نشیمن بین ۲۱ تا ۲۳ درجه و محیط کار بین ۱۸ تا ۲۰ درجه سانتی‌گراد، از جمله توصیه‌های علمی برای مصرف بهینه گاز است. مدیرعامل شرکت گاز استان البرز در ادامه از مدیران ساختمان‌ها خواست برای بهره‌مندی از خدمات رایگان بهینه‌سازی موتورخانه‌ها به پایگاه اطلاع‌رسانی این شرکت مراجعه و درخواست خود را ثبت کنند.

پیگیری طرح های حمایتی مسکن در چهارمحال و بختیاری

مریم مهدیان- تأمین زمین، تعیین تکلیف متقاضیان و تکمیل زیرساخت های سایت های نهضت ملی مسکن از مهم‌ترین محور های پیگیری اداره‌کل راه و شهرسازی استان چهارمحال و بختیاری در این روزهاست. به گزارش صمت از شهرکرد، نشست های مستمر به ریاست مدیرکل و با حضور مدیران و کارشناسان حوزه مسکن برگزار می‌شود و آخرین وضعیت اجرای طرح های مسکن و جوانی جمعیت به تفکیک شهرستان ها مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. یکی از چالش های اصلی در اجرای طرح های مسکن در استان، محدودیت اراضی ملی قابل واگذاری به دلیل شرایط توپوگرافی و کوهستانی منطقه است؛ به گونه ای که در برخی شهرهای استان زمین دولتی نیز برای اجرای طرح های مسکن وجود ندارد. از این رو همکاری و همراهی بیشتر دستگاه های اجرایی و مردم برای شناسایی و تأمین زمین مورد نیاز، ضرورتی انکار ناپذیر است. با وجود این محدودیت ها، طی یک سال گذشته و با پیگیری های انجام شده و تأمین زمین، بیش از ۴ هزار نفر از متقاضیان ثبت نام‌شده در طرح های مسکن تعیین تکلیف شده و فرآیند قرعه‌کشی و تخصیص پلاک به آنان انجام شده است. از دیگر اولویت های این اداره کل، تأمین و تکمیل خدمات زیربنایی و روبنایی در سایت های نهضت ملی مسکن، از جمله احداث مدارس و سایر خدمات مورد نیاز ساکنان است که پیگیری و اجرای آن با همکاری دستگاه های مسئول در حال انجام است. با وجود محدود بودن منابع، اداره کل راه و شهرسازی استان با بهره گیری از ظرفیت ها و تعامل با دستگاه های اجرایی به طور مستمر پیگیر موضوع است.

آگهی مفقودی

برگ سبز و کارت پلاک خودروی کامیونت زامیاد Z۲٤یه رنگ ابی مدل ۱٤۰۰ به شماره موتور M۲٤۸٦۷۲۰٦M و شماره شاسی NAZPL۱٤۰TM۰٦٤٥۲۲۸ به شماره انتظامی ۲۹۸ د۲۵-ایران ۹۵ به نام محمد شهنوازی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودروی کامیونت زامیاد Z۲٤NIM مدل ۱٤۰۲ به رنگ ابی به شماره موتور Z۲٤۹۳٦۱۷٥M و شماره شاسی NAZPL۱٤۰TP۰۷۱٦۹۲۵ به نام محمدمهدی حبیبی به شماره انتظامی ۵۸٦و۲۶-ایران ۸۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودروی سواری پژو PARSXU۷ مدل ۱۳۹۸ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۲٤K۱۳٤۸٥۲۵ وشماره شاسی NAAN۰۱CE٥KH٥۱۲٥۱٥ به شماره انتظامی ۱۲۹ ق ۷۵-ایران ۹۵ به نام صادق سیاهیان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

برگ خرید و برگ سبز خودروی سواری کار تویوتا لندکروز GXR به شماره موتور ۱GRD۰۰۹۲٦۹ و شماره شاسی JTMAUBBJAS٤۰۹۹۰٦۰ مدل ۲۰۲۵ به شماره انتظامی ۱۱۱۹۵-۸۱ به نام عبدالرحمان هوتی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

اصل برگ سبز وانت سیستم تویوتا تیپ لند کروز اف جی ۷۵ مدل ۱۹۸٦ به رنگ کرم روغنی به شماره موتور ۰۱۲۱۲۰۷ و شماره شاسی ۰۰۲۹٥٦۵ و شماره پلاک ایران ۲۷- ۹۲۹ م ۱٤ بنام علی شایسته مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودروی سواری سایپا ۱۳۱SE به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹٤ به شماره موتور ۵۵۱۰۰۲٦ و شماره شاسی NAS٤۱۱۱۰۰P۳٤٥۲۸۰۷ و شماره انتظامی ۹۳۱ س ٤٤ - ایران ۸۵ به نام معصومه حسن حسینی گزوئیه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

دوشنبه
۱۸ آبان ۱۴۰۵- ۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ - ۹ نوامبر ۲۰۲۶- شماره ۳۱۷۴-پیاپی ۴۴۹۲

صمت
صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»

مدیرمسئول: عاطفه خسروی

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmil.com
تلفن: ۸۲۱۹۰(داخلی-۱۰۸)
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸
تهران، خیابان قائم مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶- کدپستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir
چاپخانه: صمیم

www.smtnews.ir
info@smtnews.ir
telegram.me/smtnews
instagram.com/smtnewspaper
tozi.smtnews@gmail.com
http://eitaa.com/smtnews
https://ble.ir/smtnews

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

عکس روز



تهران بارانی

منبع: ایرنا



تصور کنید در دل یک جزیره دور افتاده یا وسط اقیانوس یا هنگام عبور از یک منطقه کوهستانی جایی که هیچ آنتن موبایلی وجود ندارد، بخواهید با سرعت بالا ویدئوهای خود را تماشا کنید یا با خانه تماس تصویری بگیرید، طبعا اتصال به اینترنت می‌تواند یک چالش بزرگ در این موقعیت‌ها باشد ولی مشکل قابل حل است و اینترنت ماهواره‌ای می‌تواند معجره کند!

اینترنت ماهواره‌ای یکی از جذاب‌ترین فناوری‌های عصر جدید به شمار می‌رود. این فناوری ارتباط اینترنتی را از طریق ماهواره‌هایی که در مدار زمین قرار دارند، به کاربران ارسال می‌کند و بر خلاف اینترنت‌های زمینی مثل فیبرنوری، دکل‌های موبایل یا ADSL که نیاز به کابل‌کشی یا آنتن‌های زمینی در نزدیکی کاربر دارند، سیگنال‌ها را مستقیا بین دستگاه گیرنده کاربر و ماهواره‌های فضا رد و بدل می‌کند.

در این نوع فناوری تلاش بر این است که برای اتصال به اینترنت و دریافت و ارسال داده‌ها، فقط به فیبرهای نوری و دکل‌های مخابراتی وابسته نباشیم. از آنجاکه این فناوری از ماهواره‌ها استفاده می‌کند می‌توان آنتن‌دهی در هر جایی را امکان‌پذیر کرد؛ علاوه بر اینترنت موبایل، در مکان‌هایی که امکان کابل‌کشی اینترنت کابلی در آنجا وجود نداشته باشد می‌توان از این فناوری استفاده کرد.

به گزارش ایسنا، در روزهای اخیر سید امین آقامیری - رئیس مرکز ملی فضای مجازی - در یک گفت‌وگوی تلویزیونی از راه اندازی اینترنت ماهواره‌ای بومی خبر داد و گفت که این پروژه شروع شده و متولیان مربوطه آن را اعلام خواهند کرد. البته این پروژه زمان می‌برد ولی مسیری که درحال طی شدن است، مسیر خوبی است و به زودی اینترنت ماهواره‌ای بومی خودمان را خواهیم داشت. وی گریزی به ایده ایجاد این فناوری در کشور زد و گفت: سال ۱۴۰۰ به محض اینکه این فناوری راه اندازی شد، شورای عالی فضای مجازی آن را در دستور کار قرار داد و بر اساس آن مقرر شد بخشی از کشور یا به صورت مستقل یا در قالب همکاری با یک سری کشورهای دیگر که روی اینترنت ماهواره ای کار می‌کنند، برنامه مشترکی در این خصوص تعریف کنند و سرمایه‌گذاری مشترکی داشته باشند.

ایده راه‌اندازی اینترنت ماهواره‌ای بوی در صورتی که عملیاتی شود می‌تواند بستر اینترنت پرسرعت را برای کاربران فراهم کند و ضمن جلوگیری از ورود قاچاق و استفاده غیرمجاز از آن در کشور، دسترسی مناطق روستایی و دورافتاده به اینترنت که در آنها امکان نصب کابل‌های فیبرنوری وجود ندارد را به وجود آورد.

امروز با پیشرفت تکنولوژی، اینترنت ماهواره‌ای می‌تواند اینترنت پرسرعتی برابر سرعت اینترنت زمینی ارائه کند و کاربران در مناطق دورافتاده نیز از تجربه اینترنت مشابه در شهرها لذت ببرند.

از نگاه کارشناسان، اینترنت ماهواره‌ای یکی از جدیدترین انواع سرویس‌های اینترنتی است که در آن از گستردگی فضا برای پر کردن شکاف در اتصال اینترنتی در محیط‌هایی با آنتن‌دهی سخت استفاده می‌شود.

طی سال‌های اخیر با ظهور شرکت‌هایی مثل اسپیس ایکس (SpaceX) بازار اینترنت ماهواره‌ای تحول بزرگی را تجربه کرده و استارلینک به سرعت گسترش یافته است. در آمریکا و کانادا این خدمات بیشتر برای مناطق روستایی، دورافتاده، جنگلی یا کوهستانی که دسترسی به فیبرنوری یا کابلی ندارند، بیشتر کاربرد داشته و در مواقع بحران مثل زلزله، قطع برق و شبکه یا طوفان دولت‌ها و ارتش‌ها از آن استفاده می‌کنند.

در آلمان و فرانسه اینترنت ماهواره‌ای به عنوان مکمل شبکه فیبرنوری استفاده می‌شود. اتحادیه اروپا هم در حال توسعه پروژه ماهواره‌ای مستقل خود تا وابستگی به شرکت‌های خارجی را کاهش دهد. در حال حاضر در بسیاری از کشورهای آفریقایی که زیرساخت کابلی ضعیفی دارند اینترنت ماهواره‌ای یک جهش بزرگ در اتصال مراکز آموزشی، بیمارستان‌ها و مناطق محروم به شبکه جهانی ایجاد کرده و هند و چین نیز در حال توسعه و ساخت فلکه‌های ماهواره‌ای اختصاصی خود هستند تا ضمن خودکفایی بازار این فناوری را در اختیار بگیرند.

در کشور ما به دلیل ملاحظات امنیتی، نظارت بر ترافیک داده و امنیت سایبری، کنترل بر درگاه‌های ورود و خروج اینترنت صورت می‌گیرد، از آنجاکه دیش‌های استارلینک به طور مستقیم به ماهواره‌ها در فضا متصل می‌شوند، ترافیک اینترنت دور از درگاه‌های زمینی و سیستم‌های نظارتی داخلی جابه‌جا می‌شود از این رو، این مساله یک چالش جدی امنیتی برای کشور به شمار می‌رود و ایران آن را راهی برای دور زدن کامل قوانین حاکم بر فضای مجازی کشور می‌داند، به همین دلیل فعالیت بدون مجوز آن را غیرقانونی اعلام کرده است.

شرکت اسپیس‌ایکس و دولت ایالات متحده آمریکا در مقطعی تصمیم گرفتند بدون توجه به مخالفت‌های دولت ایران و به بهانه حمایت از دسترسی آزاد به اطلاعات، کیت‌های استارلینک را به صورت قاچاقی و غیررسمی وارد ایران کنند. این اقدام خارج از چارچوب دیپلماتیک و بدون هماهنگی با دولت ایران انجام گرفت و عملا امکان دریافت مجوز قانونی را به صفر رساند، زیرا از مسیر همکاری دوجانبه خارج و به ابزاری سیاسی تبدیل شد.

بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران و همچنین قوانین بین‌المللی ارتباطات (اتحادیه بین‌المللی مخابرات - ITU)، هرگونه ارائه خدمات مخابراتی و اینترنتی در داخل خاک یک کشور باید با مجوز رسمی دولت آن کشور و از مبادی قانونی داخلی انجام شود اما شرکت اسپیس‌ایکس (مالک استارلینک) هیچ‌وقت درخواست رسمی و هم‌سویی با قوانین رگولاتوری ایران و سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی ثبت نکرد تا فرایند دریافت مجوز طی شود.

این در حالی است که کشورها بر اساس قوانین جهانی روی فضای فرکانسی حریم هوایی خود تسلط دارند و استفاده از تجهیزات فرستنده و گیرنده ماهواره‌ای که بدون هماهنگی با سازمان‌های ملی رگولاتوری فعال شوند، تداخلات فرکانسی ایجاد کرده و از نظر حقوقی بین‌المللی نیز تخلف محسوب می‌شوند.

ایران بارها در مجامع بین‌المللی و به ویژه اتحادیه بین‌المللی مخابرات نسبت به فعالیت بدون مجوز استارلینک در قلمرو سرزمینی خود اعتراض کرده است.

اخیرا هند نیز در این خصوص اعلام کرد که در برخی مناطق دورافتاده که امکان سرویس‌دهی در آنها سخت است، این اجازه را به اسپیس ایکس می‌دهد و در این چارچوب،قرارداد امضا کزدند و سیاست‌های اعمالی را بر مبنای سیاست‌های هند مشخص کردند.

اما اینترنت ماهواره‌ای امروزه دیگر محدود به ارتباطات نظامی یا کشتی‌ها و هواپیماها نیست؛ بلکه به شبکه‌ای فراگیر برای پوشش نقاط کور زمین تبدیل شده است.هرچند هزینه تجهیزات اولیه و اشتراک آن در مقایسه با اینترنت‌های زمینی معمولا بالاتر است ولی برای افراد ساکن در مناطق دورافتاده یا در زمان قطعی شبکه،حکم یک نجات‌دهنده را دارد.

سخن پایانی

در دنیای امروز نمی‌توان نقش مهم اینترنت و نیاز به آن را انکار کرد. هنوز هم بخش‌هایی از جهان مثل جزایر و آبهای آزاد یا مناطق دورافتاده، کوهستانی و صعب‌العبور هستند که به‌دلیل شرایط جغرافیایی به اینترنت دسترسی ندارند و اینترنت ماهواره‌ای می‌تواند به عنوان یک پل ارتباطی حیاتی، شکاف دیجیتال میان مناطق مجهز و مناطق محروم را پر کند.

این فناوری با حذف نیاز به زیرساخت‌های زمینی پرهزینه مثل کابل‌های فیبرنوری و دکل‌های مخابراتی دسترسی به دنیای دیجیتال را برای ساکنین مناطق صعب‌عبور، کشتی‌های تجاری در اقیانوس‌ها و حتی تیم‌های امداد و نجات در مناطق بحرانی فراهم می‌کند، فناوری پیشرفته‌ای که فقط یک سرویس اینترنتی ساده نیست؛ بلکه ابزاری استراتژیک است که می‌تواند قدرت یک کشور را در برابر بحران‌ها حفظ و اقتصاد مناطق مرزی را متحول کند.



دریچه

کسب‌وکارها امسال چقدر وام گرفتند؟

شبکه بانکی کشور در هفت ماهه نخست سال جاری بیش از ۹۲۴۱ همت تسهیلات پرداخت کرده که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۶۵.۹ درصد افزایش نشان می‌دهد؛ با این حال بررسی ترکیب تسهیلات پرداختی حاکی از آن است که بیش از سه چهارم منابع به صاحبان کسب‌وکار اختصاص یافته و بخش عمده این تسهیلات نیز صرف تامین سرمایه در گردش بنگاه‌ها شده است.

تازه ترین آمار منتشر شده از سوی بانک مرکزی درباره عملکرد تسهیلات پرداختی بانک‌ها نشان می دهد شبکه بانکی در هفت ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۵ بالغ بر ۹۲ هزار و ۴۱۲.۶ هزار میلیارد ریال، معادل ۹۲۴۱.۲ همت تسهیلات پرداخت کرده است. این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۳۶ هزار و ۶۹۸.۳ هزار میلیارد ریال افزایش داشته که معادل رشد ۶۵.۹ درصدی است. بررسی این آمار نشان می‌دهد با وجود افزایش قابل توجه حجم تسهیلات پرداختی، توزیع منابع بانکی همچنان بیشتر به سمت بنگاه‌های اقتصادی متمایل است و سهم خانوارها از کل تسهیلات پرداختی کمتر از یک‌چهارم باقی مانده است.

سهم ۷۷ درصدی کسب‌وکارها از تسهیلات بانکی

بر اساس اطلاعات بانک مرکزی، از مجموع تسهیلات پرداختی شبکه بانکی در هفت ماه نخست امسال، ۷۱ هزار و ۴۹۸.۷ هزار میلیارد ریال معادل ۷۷.۴ درصد به صاحبان کسب‌وکار اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی اختصاص یافته است. در مقابل ۲۰ هزار و ۹۱۳.۹ هزار میلیارد ریال معادل ۲۲.۶ درصد از کل تسهیلات پرداختی به مصرف‌کنندگان نهایی یا همان خانوارها تعلق گرفته است. البته با احتساب تسهیلات پرداختی در قالب کارت‌های اعتباری که در بخش خانوار محاسبه می‌شود، سهم خانوارها از کل تسهیلات به ۲۳.۲ درصد افزایش می‌یابد. به این ترتیب، همچنان بیش از سه‌چهارم منابع تسهیلاتی بانک‌ها در اختیار بخش کسب‌وکار قرار گرفته است. این ترکیب نشان می دهد بخش عمده تأمین مالی بانکی در اقتصاد ایران همچنان بر دوش شبکه بانکی است و بنگاه‌های اقتصادی برای تامین نیازهای مالی خود، به ویژه هزینه‌های جاری تولید و فعالیت وابستگی بالایی به منابع بانکی دارند.

۸۴ درصد تسهیلات بنگاه‌ها برای سرمایه در گردش

یکی از نکات قابل توجه در آمار بانک مرکزی، سهم بالای تسهیلات سرمایه در گردش از مجموع منابع اختصاص‌یافته به بخش کسب‌وکار است. بر این اساس، از مجموع تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب‌وکار ۶۰ هزار و ۴۹۴.۷ هزار میلیارد ریال معادل ۶۰۴۹.۴ همت در قالب سرمایه در گردش پرداخت شده است. این رقم ۸۴.۶ درصد از کل تسهیلات اختصاص یافته به بنگاه‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر، بخش عمده منابع بانکی به جای آنکه صرف طرح‌های توسعه‌ای، ایجاد ظرفیت‌های جدید تولیدی یا سرمایه‌گذاری بلندمدت شود، برای تامین نقدینگی مورد نیاز فعالیت‌های جاری بنگاه‌ها اختصاص یافته است.

این موضوع از یک سو نشان دهنده اهمیت تأمین نقدینگی برای استمرار فعالیت واحدهای اقتصادی است و از سوی دیگر می‌تواند بیانگر فشار هزینه‌های جاری بر تولیدکنندگان و نیاز مستمر بنگاه‌ها به منابع مالی کوتاه‌مدت باشد.

صنعت و معدن در صدر دریافت‌کنندگان سرمایه در گردش

در میان بخش‌های اقتصادی، صنعت و معدن سهم قابل توجهی از منابع پرداخت‌شده برای سرمایه در گردش را به خود اختصاص داده است.

طبق آمار بانک مرکزی، از مجموع ۶۰۴۹.۴ همت تسهیلات پرداختی در قالب سرمایه در گردش به بخش‌های اقتصادی، ۲۸۵۰.۸ همت به بخش صنعت و معدن اختصاص یافته است؛ رقمی که معادل ۴۷.۱ درصد کل تسهیلات سرمایه در گردش پرداختی به بنگاه‌هاست. همچنین مجموع تسهیلات پرداختی به بخش صنعت و معدن در هفت ماهه نخست امسال به ۳۲۱۲.۹ همت رسیده که ۸۸.۷ درصد آن در قالب سرمایه در گردش پرداخت شده است. این آمار نشان می‌دهد اگرچه صنعت و معدن یکی از مهم‌ترین دریافت‌کنندگان منابع بانکی محسوب می‌شود، اما بخش عمده این منابع برای حفظ جریان فعالیت و تأمین نیازهای روزمره واحدهای صنعتی اختصاص یافته است.

به این ترتیب، سهم تسهیلاتی که می‌تواند به توسعه ظرفیت تولید، نوسازی تجهیزات و سرمایه‌گذاری‌های جدید صنعتی منجر شود، در مقایسه با منابع اختصاص‌یافته به سرمایه در گردش محدودتر است.

سهم ۱۷ درصدی تسهیلات خرد از کل پرداخت‌ها

بر اساس این آمار، از کل تسهیلات پرداختی در هفت ماهه نخست سال جاری ۱۵ هزار و ۳۵۳.۶ هزار میلیارد ریال معادل ۱۶.۶ درصد در قالب تسهیلات خرد پرداخت شده است. همچنین ۷۲۷.۲ هزار میلیارد ریال در قالب کارت‌های اعتباری به متقاضیان اختصاص یافته است. با احتساب این رقم مجموع تسهیلات خرد و کارت‌های اعتباری به ۱۶ هزار و ۸۰.۸ هزار میلیارد ریال معادل ۱۷.۳ درصد کل تسهیلات پرداختی شبکه بانکی می‌رسد. در گزارش بانک مرکزی، تسهیلات خرد به وام‌های کمتر از سه میلیارد ریال (۳۰۰ میلیون تومان) اطلاق شده است. مقایسه این رقم با مجموع تسهیلات پرداختی نشان می‌دهد با وجود حجم بالای پرداخت وام در شبکه بانکی، سهم تسهیلات خرد از کل منابع همچنان کمتر از یک‌پنجم است؛ موضوعی که اهمیت بررسی دسترسی خانوارها و متقاضیان حقیقی به منابع بانکی را بیشتر می‌کند.

وام‌های دانشجویی؛ از ۱۰ میلیون تا ۳۰۰ میلیون تومان

در کنار تسهیلات عمومی شبکه بانکی، برخی وام‌های حمایتی نیز برای گروه‌های مشخص اجتماعی در نظر گرفته شده است. یکی از این موارد، تسهیلات دانشجویی است که جزئیات مبالغ و شرایط آن برای نیم‌سال نخست سال تحصیلی ۱۴۰۶-۱۴۰۵ از سوی سازمان امور دانشجویان وزارت علوم اعلام شده است. بر اساس اطلاعات منتشرشده، وام تحصیلی دانشجویان روزانه غیرشاغل دانشگاه‌های دولتی برای مقاطع کاردانی و کارشناسی ۱۰ میلیون تومان، کارشناسی ارشد و دکترای حرفه‌ای ۱۵ میلیون تومان و دکتری تخصصی ۲۰ میلیون تومان تعیین شده است.

همچنین وام ودیعه مسکن متاهلی دانشجویان در شهرهای با جمعیت ۵۰۰ هزار نفر و کمتر ۱۵۰ میلیون تومان، در شهرهای با جمعیت بیش از ۵۰۰ هزار نفر ۲۲۵ میلیون تومان و در تهران ۳۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است. وام ضروری دانشجویی نیز ۲۰ میلیون تومان تعیین شده و برای مواردی از جمله خرید تجهیزات کمک‌آموزشی، حوادث، بیماری‌های پرهزینه و برخی شرایط خاص قابل پرداخت است. همچنین وام شهریه برای دانشجویان شهریه‌پرداز از پنج تا ۱۰ میلیون تومان، متناسب با مقطع تحصیلی، تعیین شده است. این تسهیلات در چارچوب برنامه حمایتی وزارت علوم قرار دارند و نباید آنها را با تسهیلات عمومی پرداختی بانک‌ها یکسان در نظر گرفت.

رشد تسهیلات در کنار چالش تامین مالی

مجموع آمارهای منتشرشده نشان می‌دهد شبکه بانکی در هفت ماه نخست سال جاری بیش از ۹۲۴۱ همت تسهیلات پرداخت کرده و رشد ۶۵.۹ درصدی را نسبت به مدت مشابه سال گذشته تجربه کرده است؛ اما بخش عمده این منابع به بنگاه‌های اقتصادی و به‌ویژه تأمین سرمایه در گردش اختصاص یافته است. در واقع، از یک طرف افزایش حجم تسهیلات می‌تواند نشانه گسترش تأمین مالی بانکی باشد و از طرف دیگر، تمرکز بالای منابع بر هزینه‌های جاری بنگاه‌ها و سهم محدودتر تسهیلات خرد، ضرورت بررسی کیفیت توزیع اعتبارات و میزان اثرگذاری آن بر سرمایه‌گذاری و قدرت خرید خانوارها را برجسته می‌کند.

به این ترتیب، صرف افزایش رقم تسهیلات پرداختی نمی‌تواند تصویر کاملی از وضعیت تأمین مالی اقتصاد ارائه دهد و باید در کنار آن، سهم تولید، خانوار، سرمایه‌گذاری جدید و تسهیلات خرد نیز مورد توجه قرار گیرد.